

شرايع اسلام جلد اول

(عبادات)

سيد احمد الحسن

وصى و فرستاده و يمانى امام مهدى عليه السلام

مترجم:

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدى عليه السلام

نام کتاب	شرايع اسلام، جلد اول، عبادات
نام کتاب اصلی	شرايع الإسلام، الجزء الأول
نویسنده	سيد احمد الحسن
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدي ﷺ
نوبت انتشار	دوم
تاریخ انتشار	۱۴۰۴
تاریخ انتشار کتاب اصلی	۱۴۳۱ق/ ۲۰۱۰م
کد کتاب	۲۱ - الف
ویرایش ترجمه	دوم

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سيد احمد الحسن ﷺ به
تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co

www.almahdyoon.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

این کتاب.....	۱۳
شرایع اسلام (جلد اول).....	۱۵
کتاب طهارت.....	۱۷
بخش اول: آب‌ها.....	۱۹
نوع اول: آب مطلق.....	۱۹
آب جاری.....	۱۹
آب راکد.....	۲۰
آب کر.....	۲۰
آب چاه.....	۲۰
نوع دوم: آب مضاف.....	۲۲
نوع سوم: آب باقی‌مانده از آشامیدن (سُور).....	۲۳
بخش دوم: طهارت با آب.....	۲۵
وضو.....	۲۵
فصل اول: آنچه باعث وجوب وضو می‌شود.....	۲۵
فصل دوم: احکام تخلی.....	۲۶
اول: چگونگی تخلی.....	۲۶
دوم: استنجا (شستن مجرای بول و غائط).....	۲۷
سوم: سنت‌های تخلی.....	۲۸
فصل سوم: نحوه وضو گرفتن.....	۲۹
واجب اول: نیت.....	۲۹
واجب دوم: شستن صورت.....	۳۰
واجب سوم: شستن دست‌ها.....	۳۱
واجب چهارم: مسح سر.....	۳۱
واجب پنجم: مسح پاها.....	۳۲
سنت‌های وضو.....	۳۵
فصل چهارم: احکام وضو.....	۳۶
غسل.....	۳۸
فصل اول: غسل جنابت.....	۳۸

۳۸.....	سبب جنابت.....
۳۹.....	احکام جنابت.....
۴۰.....	چگونگی غسل.....
۴۱.....	فصل دوم: حیض.....
۴۵.....	متعلقات حیض.....
۴۶.....	فصل سوم: استحاضه.....
۴۷.....	خون استحاضه.....
۴۷.....	زن مبتدئه.....
۴۷.....	زن دارای عادت.....
۴۹.....	زنی که مضطربه است.....
۵۰.....	احکام استحاضه.....
۵۱.....	فصل چهارم: نفاس.....
۵۲.....	فصل پنجم: احکام اموات.....
۵۲.....	اول: احتضار.....
۵۳.....	دوم: غسل دادن میت.....
۵۷.....	سوم: کفن کردن میت.....
۶۰.....	چهارم: احکام دفن کردن و در خاک قرار دادن.....
۶۲.....	پنجم: ملحقات تدفین.....
۶۳.....	غسل های مستحب.....
۶۳.....	غسل روز جمعه.....
۶۴.....	شش غسل در ماه رمضان.....
۶۴.....	هشت غسل که به سبب انجام برخی از اعمال مستحب می شوند.....
۶۷.....	بخش سوم: طهارت با خاک.....
۶۷.....	مبحث اول: جاهایی که تیمم صحیح است.....
۶۷.....	اول: نبود آب.....
۶۷.....	دوم: عدم دسترسی به آب.....
۶۷.....	سوم: ترس.....
۶۷.....	مبحث دوم: آنچه تیمم بر آن صحیح است.....
۶۸.....	مبحث سوم: چگونگی تیمم.....

۶۹.....	مبحث چهارم: احکام تیمم
۷۳.....	بخش چهارم: نجاسات و احکام آن‌ها
۷۳.....	اول و دوم: ادرار و مدفوع
۷۳.....	سوم: منی
۷۳.....	چهارم: مُردار
۷۴.....	پنجم: خون
۷۴.....	ششم و هفتم: سگ و خوک
۷۵.....	هشتم: مُسکرات
۷۵.....	نهم: فقاغ
۷۶.....	دهم: کافر
۷۶.....	مکروهات
۷۶.....	احکام نجاسات
۸۱.....	احکام ظرف‌ها
۸۳.....	کتاب نماز
۸۳.....	بخش اول: مقدمات هفت‌گانه نماز
۸۳.....	مقدمه اول: تعداد نمازها
۸۳.....	نمازهای پنج‌گانه یومیّه
۸۳.....	نوافل نمازهای یومیّه
۸۴.....	مقدمه دوم: وقت نمازها
۸۵.....	اول [وقت نمازهای واجب یومیّه]
۸۶.....	وقت نمازهای نافله یومیّه
۸۸.....	احکام وقت نمازها
۹۱.....	مقدمه سوم: قبله
۹۱.....	اول: قبله
۹۲.....	دوم: فردی که رو به قبله است
۹۴.....	سوم: آنچه برایش رو به قبله می‌ایستند
۹۴.....	چهارم: احکام اشتباهات
۹۵.....	مقدمه چهارم: احکام لباس نمازگزار
۱۰۰.....	مقدمه پنجم: مکان نمازگزار

مقدمه ششم: چیزهایی که می‌توان بر آنها سجده کرد.....	۱۰۲
مقدمه هفتم: اذان و اقامه.....	۱۰۳
اول: آنچه برایش اذان و اقامه گفته می‌شود.....	۱۰۳
دوم: مؤذن.....	۱۰۵
سوم: چگونگی اذان.....	۱۰۵
چهارم: مسائلی در احکام اذان.....	۱۰۷
بخش دوم: افعال نماز.....	۱۰۹
واجبات نماز.....	۱۰۹
اول: تَبَت.....	۱۰۹
دوم: تکبیرة الاحرام.....	۱۱۰
سوم: قیام.....	۱۱۱
چهارم: قرائت.....	۱۱۲
پنجم: رکوع.....	۱۱۷
ششم: سجده.....	۱۱۹
هفتم: تشهد.....	۱۲۲
هشتم: سلام.....	۱۲۳
پایان: مبطلات نماز.....	۱۲۵
مکروهات نماز.....	۱۲۶
مسائل چهارگانه.....	۱۲۶
بخش سوم: سایر نمازها.....	۱۲۹
فصل اول: نماز جمعه.....	۱۲۹
اول: کیفیت نماز جمعه.....	۱۲۹
نماز جمعه فقط با شرایط زیر واجب می‌شود.....	۱۳۰
دوم: افرادی که نماز جمعه بر آنها واجب است.....	۱۳۲
سوم: آداب نماز جمعه.....	۱۳۴
فصل دوم: نماز عیدین.....	۱۳۷
شامل: نماز، و سنت‌های آن.....	۱۳۷
سنت‌های نماز عید.....	۱۳۸
فصل سوم: نماز کسوف (آیات).....	۱۴۰

اول: سبب نماز آیات.....	۱۴۰
دوم: کیفیت نماز آیات.....	۱۴۱
حکم نماز آیات.....	۱۴۲
فصل چهارم: نماز میّت.....	۱۴۲
اول: کسی که برایش نماز میّت خوانده می شود.....	۱۴۲
دوم: کسی که نماز میّت را می خواند.....	۱۴۳
سوم: کیفیت نماز میّت.....	۱۴۴
سنت های نماز میّت.....	۱۴۴
مسائل پنج گانه.....	۱۴۵
فصل پنجم: نمازهای مستحب.....	۱۴۶
الف- نمازهای مستحبی که وقت معینی ندارند.....	۱۴۶
ب- نمازهای مستحبی که وقت معینی دارند.....	۱۴۸
اول: نافله ماه مبارک رمضان.....	۱۴۸
دوم: نماز شب عید فطر.....	۱۴۹
سوم: نماز روز غدیر.....	۱۴۹
چهارم: نماز شب نیمه شعبان.....	۱۴۹
پنجم: نماز شب مبعث و روز مبعث.....	۱۵۰
پایان.....	۱۵۰
بخش چهارم: شامل پنج فصل است.....	۱۵۱
فصل اول: اشکالاتی که در نماز رخ می دهد.....	۱۵۱
عَمَد.....	۱۵۱
سَهْو.....	۱۵۲
اگر در واجبی که رکن نیست اشکالی وارد کند.....	۱۵۳
سه مسئله درباره شکایات نماز.....	۱۵۴
چهار مسئله درباره احتیاط.....	۱۵۵
پنج مسئله درباره شکایات نماز.....	۱۵۶
پایان: دو سجده سهو.....	۱۵۷
جایگاه دو سجده سهو.....	۱۵۷
فصل دوم: قضای نماز.....	۱۵۸

سبب قضا.....	۱۵۸
قضای نماز.....	۱۵۹
ملحقات نماز قضا.....	۱۶۰
فصل سوم: نمازجماعت.....	۱۶۱
اول: خواندن همه نمازهای واجب به جماعت مستحب است.....	۱۶۱
دوم: شرایط لازم برای امامجماعت.....	۱۶۳
سوم: احکام نمازجماعت.....	۱۶۵
مبحث پایانی: مسائل مربوط به مسجدها.....	۱۶۸
حرام است.....	۱۶۸
مکروه است.....	۱۶۹
مستحب است.....	۱۶۹
مسائل سه‌گانه.....	۱۶۹
فصل چهارم: نماز خوف و مطارده.....	۱۷۰
شرط‌های نماز خوف.....	۱۷۱
کیفیت نماز خوف.....	۱۷۱
احکام نماز خوف.....	۱۷۲
نماز مطارده یا نماز ترس شدید.....	۱۷۲
فصل پنجم: نماز مسافر.....	۱۷۳
شروط نماز مسافر.....	۱۷۴
شرط اول: مسافت.....	۱۷۴
شرط دوم: قصد مسافت.....	۱۷۴
شرط سوم: سفرش را در میانه راه با اقامت قطع نکند.....	۱۷۵
شرط چهارم: سفر مجاز باشد.....	۱۷۶
شرط پنجم: سفرش بیش از در وطن ماندنش نباشد (کثیرالسفر نباشد).....	۱۷۶
شرط ششم.....	۱۷۶
شکسته خواندن نماز.....	۱۷۷
هفت مسئله درباره احکام شکسته خواندن نماز.....	۱۷۸
کتاب روزه.....	۱۸۱
فصل اول: ارکان روزه.....	۱۸۱

۱۸۱	 رکن اول: روزه
۱۸۳	 رکن دوم: آنچه روزه‌دار باید از آن‌ها خودداری کند
۱۸۳	 مبحث اول: واجب است خودداری از
۱۸۵	 مبحث دوم: آنچه مربوط به انجام مفطرات روزه می‌شود
۱۹۲	 مبحث سوم: مکروهات روزه‌دار
۱۹۲	 رکن سوم: زمانی که روزه در آن صحیح است
۱۹۳	 رکن چهارم: کسانی که روزه‌شان صحیح است
۱۹۵	 فصل دوم: انواع روزه
۱۹۵	 روزه ماه رمضان
۱۹۵	 اول: علامت‌ها
۱۹۸	 دوم: شروط روزه
۱۹۸	 دسته اول: شرط‌هایی که با وجود آن، روزه بر انسان واجب می‌شود
۱۹۹	 دسته دوم: شرط‌هایی که با وجود آن، قضا واجب می‌شود
۱۹۹	 سوم: پیوست‌هایی از احکام روزه
۲۰۱	 روزه‌های مربوط به کفاره‌ها
۲۰۲	 اول: کفاره‌ای که در آن علاوه بر روزه، چیزهای دیگری هم واجب می‌شود
۲۰۲	 دوم: کفاره‌ای که در آن بعد از ناتوانی از کارهای دیگر فقط روزه واجب می‌شود
۲۰۲	 سوم: آنچه شخص در آن، بین روزه یا چیزهای دیگر مخیر می‌شود
۲۰۳	 چهارم: کفاره رتبه‌بندی شده قابل اختیار
۲۰۳	 در همه روزه‌ها، پی‌درپی بودن لازم است، مگر در چهار مورد
۲۰۵	 روزه‌های مستحبی
۲۰۷	 روزه‌های مکروه
۲۰۷	 روزه‌های حرام
۲۰۸	 فصل سوم: ملحقات روزه
۲۱۱	 کتاب اعتکاف
۲۱۱	 تعریف اعتکاف
۲۱۱	 شرایط شش‌گانه اعتکاف
۲۱۵	 انواع اعتکاف
۲۱۶	 احکام اعتکاف

- اول: شش چیز بر معتکف حرام است..... ۲۱۶
- این کارها بر معتکف حرام نیست..... ۲۱۷
- دوم: چیزهایی که باعث باطل شدن اعتکاف می شود..... ۲۱۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين

این کتاب...

کتاب «شرائع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام» (شرايع اسلام در مسائل مربوط به حلال و حرام) نوشته دانشمند فاضل و دوستدار دل سوز و خيرخواه آل محمد ﷺ، ابوالقاسم نجم الدين جعفر بن حسن ﷺ است. او برای شناخت احكام شريعت اسلام از طريق روايات پيامبر و ائمه ﷺ آنچه در توان داشت انجام داده است، اما در بعضی موارد به خطا رفته و در مواردی نیز مردّد شده است، البته اين خطاها نه از روی عمد بلکه به دليل ناتوانی بوده و راهی برای دفع آن نداشته است.

این کتاب را به دستور امام مهدی ﷺ و براساس آنچه از ایشان آموختم تصحيح کرده و احكام شريعت اسلام را بيان نمودم. ایشان مرا امر فرمود تا علومى را که اهلش موجود و زمانش رسیده است بيان کنم، و آنچه را وقتش نرسیده به وقتش موکول کنم؛ و هرکس با این احكام مخالفت کند با امام مهدی ﷺ مخالفت کرده است:

﴿قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَ رَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ﴾^۱ (گفت: پروردگار من، به حق داورى کن؛ و پروردگار ما رحمان است که در برابر آنچه توصيف مى کنيد [از او] يارى خواسته مى شود).

به سبب کوتاهی، از درگاه خداوند و رسولش و امام مهدی ﷺ عذر می خواهيم و از خدا می خواهيم گناه گذشته و آینده مرا ببخشايد.

ای [خدای] بزرگ، گناه بزرگ مرا بیامرزد، زیرا گناه بزرگ را جز بزرگ نمی‌آمرزد:

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا * لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يَتِمَّ نِعْمَتَهُ

عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾^۱ (یقیناً ما برای تو گشایشی آشکار ایجاد کردیم * تا خداوند گناه گذشته و آینده تو را ببخشد و نعمتش را بر تو تمام کند و تو را به راه راست هدایت کند).

گنهکار تقصیرکار

احمد الحسن

۱۵ / شعبان / ۱۴۲۶ ق

شرایع اسلام

(جلد اول)

• کتاب طهارت

• کتاب نماز

• کتاب روزه

• کتاب اعتکاف

کتاب طهارت

طهارت: نامی است برای وضو یا غسل یا تیمم، به گونه‌ای که مکلف به وسیله آن‌ها مجاز به نماز خواندن می‌شود؛^۱ و هر کدام از آن‌ها به دو نوع تقسیم می‌شوند: واجب و مستحب.

وضوی واجب: وضویی است که برای نماز واجب یا طواف واجب یا لمس حروف نوشته قرآن [نه حرکات آن] اگر واجب باشد^۲ باید گرفته شود، و در غیر این‌ها وضو مستحب خواهد بود [مثل قرائت قرآن و ورود به مسجد].

غسل واجب: غسل‌هایی است که برای انجام یکی از امور سه‌گانه بالا یا برای ورود به مساجد یا خواندن عزائم [سوره‌هایی که سجده واجب دارند]^۳ - اگر واجب شده باشند - باید انجام شود. همچنین در روزی که روزه آن واجب باشد و شخص جُنُب به اندازه یک غسل تا طلوع فجر (اذان صبح) وقت داشته باشد غسل واجب می‌شود. همچنین برای روزه زن مستحاضه که از او به مقدار خیس شدن پنبه خون خارج شده باشد؛^۴ در غیر این‌ها غسل مستحب خواهد بود.

۱. مقصود وضو و غسل و تیمم نیست که طهارت شرعی محسوب نمی‌شود و مکلف با آن نمی‌تواند نماز بخواند، مثل وضو و تیمم که زن حائض برای نشستن در مکان نمازش و ذکر گفتن انجام می‌دهد، و مانند کسی که برای تمیز شدن خودش را می‌شوید و نیت قربت با عنوان خاصی نمی‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷)

۲. زیرا در حالت عادی لمس نوشته قرآن واجب نیست و اگر به دلیلی - مثل نذر یا عهد - لمس آن واجب شود، وضو برایش واجب خواهد شد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۸)

۳. سوره‌هایی که سجده واجب دارند: فصلت، علق، نجم و سجده. (مترجم)

۴. تفصیل آن در احکام بانوان خواهد آمد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۹)

تیمم واجب: برای نماز واجب، هنگامی که وقت آن تنگ باشد، و همچنین برای خروج شخص جنب از مسجد الحرام یا مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) تیمم واجب می شود.^۱ تیمم در غیر این ها مستحب است.

طهارت گاهی با نذر و مانند آن نیز واجب می شود.^۲

مبحث طهارت چهار بخش اصلی دارد:

۱. این حکم مخصوص جنابت است و اگر در یکی از این دو مسجد زنی حائض شود، برای خروج از آن لازم نیست تیمم کند، ولی باید زود خارج شود و در مسجد ننشیند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۰)

۲. نذر یعنی واجب نمودن انجام کار مطلوب یا ترک کار غیرمطلوب بر خود، برای رضای خدا. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۹)

بخش اول: آب‌ها

چند نوع است:

نوع اول: آب مطلق

آب مطلق به هر گونه مایعی گفته می‌شود که اسم آب - بدون آن که چیزی به آن اضافه شود - بر آن صدق کند^۱ و تمام انواع آن، پاک و از بین برنده حَذَث^۲ و نجاست است، و از نظر قرار گرفتن نجاست در آن، به سه گروه تقسیم می‌شود: جاری، راکد و آب چاه.

آب جاری^۳

تنها با غلبه نجاست بر یکی از اوصاف سه‌گانه‌اش (رنگ، مزه یا بو) نجس می‌شود، و زمانی پاک می‌شود که آب پاک فراوان به‌طور مستمر به آن اضافه شود تا این که تغییر به‌وجود آمده در آن از بین برود. آب حَمَام نیز اگر متصل به منبعی باشد، حکم آب جاری را

۱. حتی اگر چیز اندکی مثل نمک یا گِل به آب اضافه شده باشد، به‌گونه‌ای که اسم آب به‌تنهایی بر آن صدق کند، مثل آب دریا که با وجود این که شور است، ولی به آن آب گفته می‌شود، و برخلاف آن مثل: آب‌پرتقال و آب‌سیب و ... است که اسم آب به‌تنهایی بر آن‌ها صدق نمی‌کند. (مترجم)

۲. حَذَث چیزی است که رفعش نیاز به نیت دارد، مانند خواب یا خروج باد از شکم، اما برطرف کردن خبث (نجاست) نیاز به نیت ندارد، مانند شستن خون روی لباس. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۱)

۳. آبی که روی زمین جاری شود و سرچشمه‌ای داشته باشد، مثل آب قنات یا چاه موتور. و در زمان ما، آب لوله‌کشی شهرها که از مخازن آب شهری وارد لوله‌ها می‌شود.

در حال حاضر، آب‌هایی که در لوله‌کشی منازل در شهرها استفاده می‌شود و به مخزن آب شهر متصل است و آب باران حکم آب جاری را دارند. خانه‌هایی که در آن‌ها منبع آب فوقانی وجود دارد و به لوله‌کشی ساختمان متصل است حکم آن آب تابع حجم منبع خواهد بود؛ یعنی اگر به اندازه گُر یا بیشتر باشد، حکم آب جاری را خواهد داشت. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۲)

دارد. اگر چیز پاکی با آب جاری مخلوط شود و تغییرش دهد یا به خودی خود تغییر کند تا زمانی که اسم آب بر آن صدق کند، از پاک کننده بودن خارج نمی شود.

آب راکد

مقداری از آب است که حجمش کمتر از (کُر) باشد و با تماس با نجاست نجس می شود، و با ریختن یک حجم آب کُر [۴۵۷ لیتر] یا بیشتر - به صورت مستمر بر آن - پاک می گردد، ولی اگر مقدار آب نجس شده را به حد کُر برسانیم، پاک نمی شود.^۱ اگر آب راکد به اندازه کُر یا بیشتر از آن باشد، فقط زمانی نجس می شود که یکی از اوصافش تغییر کند، که در این صورت باید به اندازه یک حجم آب کُر به آن اضافه نمود تا پاک شود؛ و اگر تغییر به وجود آمده در آن از بین نرفت، باید یک حجم آب کُر دیگر بر آن افزود و این کار را آن قدر ادامه داد تا تغییر حاصل از نجاست از بین برود. اگر تغییرات این آب به خودی خود یا با وزیدن باد یا با انداختن اجسام پاک در آن از بین برود، پاک نمی شود.

آب کُر

معادل ۴۵۷ لیتر^۲ است، یا آبی است که طول و عرض و عمق آن، هریک سه وجب و نیم باشد. این حکم برای آب حاصل از آب باران، حوض ها و ظرف ها یکسان است.

آب چاه

-
۱. البته باز کردن مستمر شیر آب بر آن نیز اگر دارای جریان باشد و به مخزن آب شهری یا منبعی بیش از کُر متصل باشد، کفایت می کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارة، ص ۱۵)
 ۲. در حالت اختیار، نمی توان میزان آب کُر را با کیلوگرم تعیین کرد، اما در حال اضطرار اشکال ندارد. در این صورت، جرم آب را باید تبدیل به حجم کند و اگر چگالی آب را نمی دانست، ۴۵۷ کیلو آب را به عنوان یک حجم کُر محسوب کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارة، ص ۱۵)

اگر آب درون آن کمتر از کُر باشد و آب آن از زمین تراوش کند، در تماس با نجاست نجس می‌شود، اما اگر آب چاه از چشمه‌ای زیرزمینی که به منبع جوشانِ مستمر متصل است تأمین شود، یا مقدار آب آن به اندازه کُر یا بیشتر از آن باشد، فقط با تغییر یکی از اوصافش (رنگ یا بو یا مزه) نجس می‌شود. برای پاک کردن آن باید، با توجه به چیزی که در چاه افتاده است، از چاه آب بکشند تا پاک شود.

۱. برای مردار گنجشک تا مرغ (یا آنچه هم‌حجم آن‌ها باشد)، بین ۱۰ تا ۱۰۰ لیتر متناسب با حجم حیوان و وضعیت مردار، و برای مردار عقرب و مار و سمندر (مارمولک بزرگ) بین ۳۰ تا ۷۰ لیتر متناسب با حجم حیوان و وضعیت مردار آب از چاه کشیده می‌شود.

۲. برای مردار گوسفند یا سگ (یا آنچه هم‌حجم آن‌هاست)، کشیدن ۱۰۰ تا ۴۶۰ لیتر آب متناسب با حجم و وضعیت مردار.

۳. برای خون، ادرار، مدفوع، منی یا مایعات مست‌کننده، بین ۷۰ تا ۴۶۰ لیتر متناسب با حجم نجاست و وضعیت آن. اگر مدفوع مایع باشد یا در آب متلاشی شده و از بین رفته باشد، باید ۴۰۰ لیتر آب کشید. اگر نجاست جامد باشد و متلاشی نشده باشد، باید بعد از خارج کردن آن، ۱۰۰ لیتر آب کشید تا آب چاه پاک شود.

۴. برای مردار الاغ و گاو و شتر یا شبیه آن‌ها، ۴۶۰ تا ۷۰۰ لیتر متناسب با حجم حیوان و وضعیت مردار.

۵. برای مردار انسان، ۷۰۰ لیتر آب از چاه کشیده می‌شود.

اگر بعد از بیرون کشیدن [آب به اندازه‌های گفته‌شده] بازهم در آب رنگ یا بو یا طعم نجاست ناشی از متلاشی شدن مردار، خون، مایع مست‌کننده یا ... باقی بماند، باید آن‌قدر از آب بیرون بریزند تا رنگ، بو و طعم نجاست از بین برود.

- ★ **اول:** درباره افتادن جنازه انسان در چاه، کودک و بزرگسال یک حکم را دارد.
- ★ **دوم:** اگر چند نجاست با هم در چاه بیفتند، چه از یک نوع باشند و چه متفاوت، مقدار آبی که باید دور ریخته شود به همان نسبت زیاد می شود.
- ★ **سوم:** اگر مردار حیوان (سگ و بزرگتر از آن) در آب چاه تکه تکه یا متلاشی شود، تمام آب چاه باید دور ریخته شود؛ و اگر این کار ممکن نبود، آب پاک نمی شود مگر این که به صورت پیایی از روز تا شب از چاه آب کشیده شود یا آب به درون چاه ریخته شود. درباره مردار کوچکتر از سگ هم، این کار بهتر است.

اگر زمین سفت باشد یا چاه آب بالاتر از چاه فاضلاب باشد، مستحب است بین چاه آب و چاه فاضلاب پنج ذراع فاصله باشد، و اگر این طور نبود، فاصله هفت ذراع در نظر گرفته شود. تنها در صورتی که یقین حاصل شود آب فاضلاب به چاه رسیده باشد، می توان به نجس بودن آب چاه حکم کرد. اگر حکم نجاست آب چاه مشخص و قطعی شده باشد، استفاده از آن مطلقاً برای طهارت جایز نیست، و مصرف آن برای خوردن یا نوشیدن جایز نیست، مگر در صورت وجود ضرورت.

اگر ظرف آب نجس و پاک از یکدیگر قابل تشخیص نباشد، واجب است از هر دو اجتناب شود، و اگر غیر از آب آن دو [ظرف] آبی نیابد، باید تیمم کند.

نوع دوم: آب مضاف

آب مضاف آبی است که از جسم دیگری گرفته شده باشد یا با مایع دیگری مخلوط شده باشد، به گونه ای که دیگر به آن (آب) گفته نشود.

(آب مضاف) پاک است، اما پاک کننده حدّث و نجاست نیست و استفاده از آن برای کاربردهای دیگر جایز است؛ در صورت تماس با نجاست، نجس می شود، چه مقدارش کم باشد و چه زیاد، و مصرف آب مضاف نجس برای خوردن و آشامیدن جایز نیست. اگر آب

مضاف پاک با آب مطلق مخلوط شود، اگر موجب تغییر اسم آب نشود، طهارت با آن جایز است.

طهارت با آبی که به وسیله تابش خورشید به ظرف [آب] گرم شده باشد^۱ و همچنین با آبی که برای غسل دادن میت به وسیله آتش گرم شده باشد، مکروه است. آبی که برای شست و شوی نجاست به کار رفته نجس است، چه در تماس با نجاست تغییر کند و چه تغییر نکند، غیر از آب استنجا [که هنگام تطهیر محل خروج ادرار و مدفوع پایین می ریزد] پاک است، مگر این که در تماس با نجاست تغییر کند یا نجاستی از بیرون با آن تماس پیدا کند. آب استفاده شده در وضو، هم پاک است و هم پاک کننده، ولی آبی که برای برطرف کردن حدث اکبر^۲ به کار می رود، اگرچه پاک است، ولی طهارت [مانند وضو یا غسل] با آن صحیح نیست.

نوع سوم: آب باقی مانده از آشامیدن (سُور)

تمام آب های نیم خورده، به جز نیم خورده سگ و خوک (گراز) و کافر و ناصبی،^۳ پاک است. بهتر است از نیم خورده میمون، فیل و همانند آن پرهیز شود.

نکته:

به طهارت و پاکی ظاهری هر انسانی (مسلمان یا غیرمسلمان) حکم می شود، مگر:

۱. البته آبی که با آب گرم کن های خورشیدی گرم شده باشد، چون با نور مستقیم خورشید گرم نشده است، این حکم را ندارد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۹)

۲. مانند آب باقی مانده از غسل جنابت. (مترجم)

۳. کسی که با ائمه یا مهدیون علیهم السلام یا با شیعیان شان، به این دلیل که شیعه آن ها هستند، دشمنی آشکار داشته باشد. (مترجم)

الف: کافر به خداوند که وجود خدا را انکار می کند، نه کسی که ندانم گرا باشد.

ب: ناصبی، که با یکی از ائمه، مهدیون یا شیعیان نشان، از آن رو که شیعه آن ها هستند، دشمنی داشته باشد.^۱

هرکسی که بنابر ظاهرش حکم به طهارتش شود، آب نیم خورده اش (سؤر) هم پاک است.

نیم خورده های مکروه: آب نیم خورده حیوان نجاست خوار^۲ و آب نیم خورده حیوان مردار خوار در صورتی که عین نجاست در محل تماس آن با آب وجود نداشته باشد؛ نیم خورده زن حائضی که احکام نجاست را رعایت نمی کند؛ و همچنین آب نیم خورده قاطرها، الاغها، موش، مار، عقرب و سمندر (مارمولک بزرگ) مکروه است.

مردار حیوانی که خون جهنده دارد آب را نجس می کند، و اگر خون جهنده نداشته باشد آب نجس نمی شود. خون حتی اگر به چشم دیده نشود، آب را نجس می کند.^۳

* * *

۱. اگر شک داشته باشد آیا شخصی ناصبی است (یعنی با ائمه یا مهدیون یا شیعیان دشمنی می ورزد) یا خیر، حکم به طهارت و ناصبی نبودن او می شود. البته شخصی که ناصبی نیست، اما حق برایش مطرح شده و رد کرده است، نیم خورده و ذبیحه و دست دادن با او اشکالی ندارد. درباره اهل کتاب (یهود و مسیحیت)، اگر غلات یا ناصبی نباشند، حکم به طهارت ظاهری آنان می شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۲)

۲. یعنی حیوان حلال گوشتی که به خوردن فضلۀ انسان عادت کرده است، و از خوردن آن در بدنش گوشت روییده باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۲)

۳. مقصود این است که با چشم دیده نشود، اما اثرش مشخص باشد. مثلاً آب با افتادن ذره خون تکان بخورد، مثل این که شخصی در حال ذبح مرغی باشد و ظرف آبی در نزدیکی اش قرار داشته باشد و قطره ای از خون بجهد و آب تکان بخورد، اما او نبیند خون داخل آب افتاده است که در این صورت حکم به نجاست آب می شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۳)

بخش دوم: طهارت با آب

که شامل وضو و غسل می‌شود.

وضو

دارای چهار فصل است:

فصل اول: آنچه باعث وجوب وضو می‌شود

که شامل شش مورد است: خروج ادرار و مدفوع و باد شکم^۱ از محل معمول آن.

اگر مدفوع از روده باریک شکم خارج شود، باطل‌کننده نیست، اما اگر از روده بزرگ خارج شود، باطل‌کننده است. اگر مخرج در محل غیرمعمول خود قرار داشته باشد، وضو را باطل می‌کند. همچنین اگر حَدَث [ادرار، مدفوع یا باد شکم] از جای زخمی که بعدها به محل دائمی خروج تبدیل شود بیرون بیاید، باطل‌کننده طهارت است.^۲

همچنین خواب به‌گونه‌ای که بر دو حس بینایی و شنوایی غلبه کند [انسان نه چیزی ببیند و نه چیزی بشنود] و هر چیز دیگری که عقل را زایل کند، مانند بیهوشی، جنون یا مستی و (استحاضه قلیله) نیز باطل‌کننده وضو است.

موارد زیر باطل‌کننده وضو نیست:

۱. گاهی به انسان حالتی دست می‌دهد که در شکمش احساس می‌کند گاز وجود دارد و در خارج شدن آن و باطل شدن وضو شک می‌کند که در این حالت حکم به طهارت داده می‌شود. (احکام الشریعة بین السائل و

المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۵)

۲. در مواقعی که به دلیل بیماری به موضعی از بدن شخص لوله‌ای را متصل می‌کنند که ادرار از آن خارج شود، هرچند خروج ادرار در این حالت بدون اراده بیمار انجام می‌شود، ولی موجب باطل شدن وضو می‌شود.

(احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۵)

خروج مذی،^۱ و ذی^۲ و ودی،^۳ و خروج خون از مجرای ادرار و مدفوع (البته خون‌های سه‌گانه حیض، نفاس و استحاضه باطل‌کننده وضو هستند)، استفراغ، انداختن خلط، گرفتن ناخن، تراشیدن مو، دست زدن به عورت جلو و عقب، لمس کردن زن، خوردن آنچه آتش به آن رسیده باشد، و سایر چیزهایی که از راه دو عورت خارج شود، مگر آن که همراه مبطلات [ادرار، مدفوع یا منی] باشد.^۴

فصل دوم: احکام تخلی

که شامل سه مبحث است:

اول: چگونگی تخلی

هنگام تخلی، پوشاندن عورت واجب^۵ و پوشاندن کل بدن مستحب است.^۶ رو به قبله

۱. آب رقیق و چسبناکی است که معمولاً پس از ملاعبه و بوسیدن و ... از شخص بیرون می‌آید. زن نیز اگر منی از او خارج شود، باید غسل کند، اما اگر بعد از ملاعبه با همسرش از او مایعی خارج شود، مبطل وضو نیست و غسل را نیز واجب نمی‌کند، مگر این که همراه با لرزش بدن یا شهوت (علامت‌های منی) باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۶)

۲. آبی که بعد از خارج شدن منی از انسان خارج می‌شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۶)

۳. آب سفیدرنگ غلیظی است که گاهی بعد از ادرار خارج می‌شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۶)

۴. مانند این که از محل خروج مدفوع چند سنگ‌ریزه خارج شود بدون این که آغشته به مدفوع باشد، که وضو را باطل نمی‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۶)

۵. البته پدر و مادر می‌توانند در حد ضرورت برای نظافت طفل یا کارهای ضروری دیگر به عورت طفل نگاه کنند، تا زمانی که خود طفل از انجام چنین کارهایی ناتوان باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۷)

۶. نکته: آن بخش از بدن که باید مرد و زن در مقابل دیگران بیپوشانند به شرح ذیل است:

زن در مقابل نامحرم: فقط آشکار کردن صورت و دست‌ها و پاها تا میج جایز است.

یا پشت به قبله بودن حرام است،^۱ چه در صحرا و چه در ساختمان. در صورتی که ساختمان طوری بنا شده است که محل تخلی رو به قبله یا پشت به آن باشد، باید در آن محل طوری بنشیند که این عمل رو به قبله یا پشت به آن صورت نگیرد.^۲

دوم: استنجا (شستن مجرای ادرار و مدفوع)

شستن مجرای ادرار با آب واجب است و در صورت امکان پذیر بودن، غیر از آن کفایت نمی‌کند. کمترین مقدار شستن مجرای ادرار دو مرتبه است.^۳ مجرای مدفوع نیز تا از بین رفتن عین نجاست و اثر آن باید شسته شود، ولی به بوی نجاست اعتنا نمی‌شود.

اگر [اثر] نجاست از مقدار مخرج بیشتر شد، شستن آن با آب واجب است و غیر از آب کفایت نمی‌کند، اما اگر از مخرج تجاوز نکرد، بین شستن با آب و پاک کردن با سنگ مخیر است و شستن با آب بهتر است و جمع بین هر دو کامل‌تر است و استفاده از کمتر از سه سنگ کفایت نمی‌کند. واجب است هر کدام از سنگ‌ها را به محل نجاست بکشد و

زن در مقابل محارم: فقط آشکار کردن حلقه گردن و بالاتر از آن، و دست‌ها آن اندازه که برای وضو گرفتن لازم است و پاها نیز تا نصف ساق جایز است آشکار شود.

زن در مقابل زن دیگر: پوشاندن عورتین واجب است، اما پوشاندن سینه‌ها تا زانو‌ها بهتر است.

مرد در مقابل دیگران (مرد و زن): فقط پوشاندن عورتین واجب است و پوشاندن ناف تا زانو نیز بهتر است.

و پدر و مادر نمی‌توانند به عورت فرزندشان نگاه کنند، مگر در حالت ضرورت (مثلاً برای شستن نجاست).

(احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۷)

۱. اما اگر کودک باشد، برگرداندن او از سمت قبله واجب نیست، اما مستحب است. (احکام الشریعة بین السائل و

المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۸)

۲. اگر در رو به قبله یا پشت به قبله بودن محل تخلی شک کند، باید جهت قبله را جست‌وجو کند تا مرتکب حرام

نشود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۸)

۳. یک بار برای از بین بردن نجاست و یک بار برای تطهیر محل آن. البته لازم نیست آب را قطع کند و بار دیگر بر

آن آب بریزد، بلکه همین که آب را (چه در آب قلیل و چه در آب جاری) اندکی پس از از بین رفتن نجاست بر آن

محل نگاه دارد کفایت می‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۹)

همین که عین نجاست با این کار برطرف شود کافی است و لازم نیست اثر آن از بین برود. اگر با سه سنگ پاک نشد، باید با سنگ‌های بیشتری ادامه دهد تا پاک شود. ولی اگر با کمتر از سه سنگ پاک شد، واجب است تا سه سنگ ادامه دهد و استفاده از یک سنگ از سه جهت کفایت نمی‌کند.

با این مواد نمی‌شود استنجا کرد: سنگی که قبلاً برای استنجا استفاده شده است، عین نجاست، استخوان، سرگین و پهن حیوانات، خوراکی‌ها، سنگ صاف که روی نجاست بلغزد؛ و اگر از این‌ها استفاده شود، موجب پاکی و طهارت نمی‌شود.

سوم: سنت‌های تخلی

که شامل مستحبات و مکروهات است.

مستحبات:

پوشاندن سر، و بهتر این است که سروصورت با هم پوشانده شود؛ و پناه بردن به خدا، نام خدا را بردن، ورود با پای چپ، استبرا،^۱ دعا هنگام استنجا و بعد از آن، و خروج با پای راست و دعا بعد از خروج.^۲

۱. خالی کردن مجرای ادرار از بول، به این صورت که سه بار از مقعد تا ریشه آلت بکشد و بعد از آن، سه بار از آن محل تا سر آلت بکشد و بعد از آن، سه بار سر آلت را فشار دهد تا ادراری در آن باقی نماند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۳۱)

۲. مثلاً هنگام استنجا بگوید: «اللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَاعْفُ عَنِّي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ» «خدایا، دامنم را از گناه حفظ کن، و پاک‌دامنی‌ام را نگه دار، و عورتم [عیب‌هایم] را بپوشان، و آتش را بر من حرام گردان». و بعد از استنجا بگوید: «الحمد لله الذی عافانی من البلاء و أَمَاطَ عَنِّي الْأَذَى» «سپاس خدایی را که مرا از بلا در امان داشت و آزار را از من دور کرد»، و بعد خروج بگوید: «بسم الله، الحمد لله الذی رَزَقَنِي لَذَّتَهُ وَ أَبْقَى قُوَّتَهُ فِي جَسَدِي وَ أَخْرَجَ عَنِّي أَذَاهُ» «بسم الله، سپاس خدایی را که لذتش را روزی‌ام گرداند، توانش را در بدنم باقی گذاشت و آزارش را از من دور ساخت». (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۳۱)

مکروهات:

قضای حاجت در خیابان و محل عبور و مرور، ورودی آب رودخانه، زیر درختان میوه‌دار، محل استراحت قافله‌ها، محل‌هایی که قضای حاجت در آن‌ها لعنت دیگران را به دنبال دارد، اینکه عورت فرد رو به خورشید یا ماه باشد، ادرار کردن رو به باد و روی زمین سفت و در سوراخ و لانه حیوانات و در آب ساکن یا جاری، خوردن و آشامیدن و مسواک زدن [در حین تخلی]، استنجا با دست راست و با دست چپ اگر انگشتی در دست داشته باشد که نام خداوند سبحان یا پیامبر یا [یکی از] اوصیا یا حضرت زهرا (ع) روی آن باشد.^۱ سخن گفتن، مگر به ذکر خداوند متعال یا قرائت آیه‌الکرسی یا سخن گفتن درباره کار ضروری که انجام ندادن آن، ضرر و زیان به دنبال دارد؛ همه این‌ها مکروه است.

فصل سوم: نحوه وضو گرفتن

وضو پنج عمل واجب دارد:

واجب اول: نیت

نیت، اراده انجام کاری به صورت قلبی است و چگونگی آن به این ترتیب است: نیت کند که برای نزدیک شدن به خداوند متعال و برای پاکی باطنش^۲ وضو می‌گیرد. واجب

۱. نجس کردن اسم خدا حرام است، پس اگر یقین دارد نجس می‌شود، باید آن را خارج کند، و استنجا در این حالت حرام خواهد شد، و اگر گمان داشته باشد [یعنی احتمال بدهد] نجس می‌شود، مکروه خواهد بود.

نکته ۱: اگر انگشتی که نام‌های مقدس روی آن حک شده است، از روی غفلت داخل چاه فاضلاب بیفتد، در صورتی که امکانش باشد باید چاه دیگری ایجاد کنند و از این چاه استفاده نشود، ولی اگر ممکن نبود، می‌توان از همین چاه استفاده کرد.

نکته ۲: سوزاندن اسماء متبرکه جایز نیست و باید در آب پاک رودخانه‌ها و دریاچه‌ها افکنده شود. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارت، ص ۳۲)

۲. مقصود از طهارت باطنی حالتی است که با آن اعمال مشروط به طهارت، مثل نماز و لمس قرآن و مجاز می‌شود. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارت، ص ۳۳)

نیست نیتِ رفع حدث یا مباح شدن عملی که در آن طهارت شرط است یا نیت وجوب یا استحباب [وضو] را داشته باشد. برای پاک کردن لباس یا چیز دیگری از هر گونه نجاستی نیت لازم نیست. اگر به نیت تقرب به خداوند قصد خنک شدن یا غیر آن را نیز ضمیمه کند، وضویش صحیح است. زمان نیت کردن، هنگام شستن دست‌ها [قبل از شروع وضو] است و پایان وقت آن، زمان شستن صورت است و باید تا پایان وضو بر نیت خود باقی بماند.^۱

تبصره: اگر چند علت از اسباب وجوب وضو با هم پیش بیاید، یک وضو با نیت قربت کفایت می‌کند و نیازی به تعیین حدث موردنظر نیست؛ هنگام واجب شدن چند غسل نیز همین حکم جاری است.^۲

واجب دوم: شستن صورت

محدوده صورت از جهت طولی، از محل رشد مو در جلوی سر تا چانه، و از جهت عرضی، فاصله میان انگشت شست و انگشت وسط دست است و هرچه خارج از آن باشد جزو صورت نیست. کسی که موی جلوی سرش کمتر یا بیشتر از حد طبیعی است، یا کسی که فاصله انگشتانش از عرض صورتش بیشتر یا کمتر است، نباید شرایط بدنی خودش را ملاک قرار دهد، بلکه هرکدام از این دو دسته باید حالت عادی انسان را ملاک قرار دهند و به اندازه معمول بشویند.

صورت را باید از بالا به پایین تا چانه شست و اگر عکس آن عمل شود، صحیح نیست.^۳ شستن قسمت‌های پایینی ریش که خارج از صورت است واجب نیست و

۱. اگر در حال انجام وضو در نیتش شک کرد، اشکالی پیش نمی‌آید، به شرط این که وضو را قطع نکند و نیت قطع کردن آن را هم نداشته باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۳۴)

۲. یعنی یک غسل کفایت می‌کند. (مترجم)

۳. البته اگر در بین شستن، دست از پایین به بالا کشیده شود، اشکالی ندارد و همین که شستن از بالای صورت

همچنین نیازی به رساندن آب به میان محاسن نیست،^۱ بلکه فقط شستن ظاهر آن کافی است. اگر در صورت زنی مو به قدری بود که ریش به حساب بیاید، گذراندن آب از میان آن لازم نیست و رساندن آب به ظاهر آن کفایت می‌کند.

واجب سوم: شستن دست‌ها

واجب در آن، شستن دست‌ها از آرنج تا نوک انگشتان است و خود دو آرنج نیز باید شسته شود، و باید شستن از آرنج آغاز شود. شستن برعکس آن از پایین به بالا کفایت نمی‌کند. واجب است ابتدا دست راست را بشوید. اگر قسمتی از دستش قطع شده باشد، باقی‌مانده آن را از آرنج به پایین می‌شوید،^۲ و اگر دستش از آرنج قطع شده باشد، شستن آن از عهده‌اش ساقط می‌شود. اگر از یک آرنج، دو ساعد یا انگشتان زائد یا گوشت اضافه داشته باشد، در تمام حالات باید آن عضو اضافه را بشوید، اما اگر این عضو اضافه بالای آرنج باشد، شستن آن واجب نیست. اگر دارای یک دست اضافه باشد، باید آن را نیز بشوید.

واجب چهارم: مسح سر

مقدار واجب مسح سر آن است که گفته شود مسح شده است^۳ و مقدار مستحب آن است که از جهت عرض سه انگشت باشد. موضعی که مسح سر باید انجام شود مشخصاً.

آغاز شود و در چانه به پایان رسد کفایت می‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۳۶)

۱. رساندن آب به دو طرف چشم‌ها و ورودی حفره‌های بینی با دقت تمام نیازی نیست، بلکه کافی است آب را روی اجزای ظاهری صورتش جریان دهد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۳۵)

۲. در این موارد اگر بتواند در حوض یا زیر شیر وضو بگیرد، این کار را انجام می‌دهد، وگرنه باید کمک بگیرد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۳۷)

۳. می‌تواند با کف دست راست یا چپ و اگر نتواند با پشت دست سر را مسح کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۳۹)

قسمت جلوی سر است؛ و واجب است با رطوبت باقی مانده از وضو انجام شود و نباید [دست] با آب جدیدی مرطوب شود.^۱ اگر آب دست خشک شود، از آب روی ریش یا مژه‌ها می‌توان برای مسح استفاده کرد و اگر هیچ رطوبتی از وضو باقی نماند [که با آن مسح کند]، باید مجدداً وضو بگیرد.

بهتر است مسح سر را رو به جلو انجام دهد، و رو به بالا مسح کردن مکروه است. اگر [به جای مسح کردن] موضع مسح را بشوید، صحیح نیست.

مسح بر آنچه موی قسمت جلوی سر و پوست سر نامیده می‌شود جایز است،^۲ اما اگر از دیگر قسمت‌های سر، مو را [جلوی سر] جمع کند و بعد روی آن مسح کند صحیح نیست. همچنین مسح روی عمامه و آنچه موجب پوشاندن محل مسح [سر] شود صحیح نیست.

واجب پنجم: مسح پاها

در مسح پاها، واجب است از روی نوک انگشتان تا کعبین، یعنی برآمدگی روی هر پا، مسح شود و می‌تواند برعکس انجام دهد.^۳ در مسح کردن پاها، ترتیب وجود ندارد. اگر قسمتی از پا که باید مسح شود قطع شده باشد، باید باقی مانده آن مسح شود، ولی اگر پا از (کعب) [برآمدگی روی پا] قطع شده باشد، مسح آن ساقط می‌شود. در مسح پا واجب است پوست پا مسح شود و جایز نیست چیزی نازک یا ضخیم بین پوست پا و دست حائل شود. واجب است - در صورت امکان - روی پا را با تمام کف دست مسح کند، و واجب نیست

۱. اگر درحالی که سر را مسح می‌کند، دستش به پیشانی اش بخورد و دستش با رطوبت پیشانی برخورد کند اشکالی ندارد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۳۹)

۲. مسح بر قسمت جلوی سر و موی آن صحیح است، حتی اگر موی جلوی سر بلند و روی پیشانی باشد نیز مسح بر آن صحیح است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۳۹)

۳. یعنی مسح پا را از برآمدگی روی پا به سمت انگشتان پا انجام دهد. (مترجم)

تمام اعضای کف دست تمام اعضای روی پا را مسح کند، بلکه کف دست از روی پا گذرانده می‌شود.^۱

هشت مسئله:

مسئله اول: ترتیب در وضو واجب است و باید وضو را با شستن صورت آغاز کند و بعد دست راست، سپس دست چپ و بعد از آن سر را مسح کند و بعد از آن پاها را مسح کند. اگر وضوگیرنده از روی عمد یا فراموشی (غیرعمد) ترتیب را رعایت نکند و آب وضو خشک شده باشد، باید دوباره وضو بگیرد، اما اگر رطوبت باقی باشد، وضو برحسب ترتیب تکرار می‌شود.^۲

مسئله دوم: موالات [در وضو] واجب است؛ یعنی نباید بین شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها چنان فاصله بیندازد که از نظر عُرف یک عمل واحد یعنی وضو محسوب نشود؛ وقتی صورت را شست، باید مشغول شستن دست راست و پس از آن شستن دست چپ شود، سپس بلافاصله سر را مسح کند، و بعد از آن پاها را مسح کند و این کارها باید بدون سستی و اهمال انجام شود.

مسئله سوم: شستن صورت و دست‌ها بار اول واجب و بار دوم سُنّت است و بار سوم بدعت^۳ است و در مسح تکرار وجود ندارد.

۱. برای مسح سر و پاها، خشک بودن محل مسح لازم نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۳۹)

۲. برای مثال، اگر صورتش را شسته باشد و سپس دست چپ را شسته باشد و هنوز صورتش خیس است، می‌تواند دست راست را بشوید و بعد دست چپ را بشوید، و به همین ترتیب تا آخر وضو ادامه دهد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۴۱)

۳. ولی اگر اعضای وضو را بیش از دو بار شسته است، و بعد از آن متوجه شود شستن بیش از دو بار وضو را باطل می‌کند، نمازهایی که خوانده صحیح است و نیازی به تکرار نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء

مسئله چهارم: در شستن، آن مقدار که گفته شود شسته شده است کفایت می‌کند، حتی اگر به اندازه روغن مالی باشد. کسی که در دست خود انگشتر یا بند (دستبند، ساعت یا مانند آن) داشته باشد واجب است آب را به زیر آن برساند و اگر گشاد و فراخ باشد، حرکت دادن آن [برای رساندن آب به زیر آن] مستحب است.

مسئله پنجم: کسی که روی اعضای بدنش - که باید در وضو شسته یا مسح شوند - جیبه وجود داشته باشد^۱ اگر بتواند آن را بردارد یا با ریختن مرتب آب روی آن، آب را به پوست برساند، واجب است این کار را انجام دهد، اما اگر ممکن نبود، مسح بر جیبه کفایت می‌کند، چه زیر جیبه پاک باشد و چه نجس باشد.^۲ و هنگامی که عذر برطرف شد، باید وضو بگیرد.^۳

مسئله ششم: در حال اختیار، جایز نیست شخص دیگری او را وضو دهد، ولی در

اول، طهارت، ص ۴۱)

۱. هیچ چیز نباید مانع رسیدن آب به پوست شود و در صورت امکان باید اگر مانعی روی پوست باشد، مانند رنگ یا جوهری که جرم دارد از بین برود، اما اگر برداشتن آن ممکن نباشد لازم نیست. همچنین کسانی که در تعمیرگاه‌ها یا تراشکاری‌ها و ... کار می‌کنند و دستشان در اثر لمس آهن آلات یا روغن سیاه می‌شود، اگر می‌توانند، برای وضو آن را پاک کنند و اگر ممکن نیست، اشکالی نخواهد داشت که با وجود همین سیاهی‌ها وضو بگیرند و وضوی آنان صحیح است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۴۳)

۲. اگر در یکی از اعضای وضو زخمی وجود داشته باشد که از آن خون می‌آید، یا این که خون روی آن خشک شده باشد و پاک کردنش ممکن نباشد، باید روی آن جیره‌ای قرار دهد و آن را مسح کند؛ و اگر از زخم خون می‌آید، می‌تواند روی آن پنبه و باند طبی قرار دهد و آن را ببندد و بر روی آن مسح کند و اگر مساحت باندپیچی شده بیشتر از زخم باشد اشکالی ندارد. همچنین لازم نیست تمام سطح جیبه (باندپیچی) شده را مسح کند، بلکه همین که دست را به اندازه ممکن بر تمام اطراف آن بکشد کفایت می‌کند. ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (خداوند هیچ کس

را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند). (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۴۹)

۳. اگر روی زخم، خون خشکیده باشد یا ضماد گذاشته باشند و تطهیرش ممکن نباشد، روی آن را با پارچه می‌پوشاند و وضوی جیبه می‌گیرد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۴۲)

حالت اضطرار جایز است.

مسئله هفتم: کسی که وضو ندارد نباید به کلمات قرآن دست بزند،^۱ اما لمس قسمت‌هایی که چیزی نوشته نشده اشکالی ندارد.^۲

مسئله هشتم: دائم‌الحدث (کسی که از مجرای ادرار او ناخواسته ادرار خارج می‌شود و کسی که از مجرای شکم او مدفوع خارج می‌گردد) اگر بین دو حدث، آن قدر زمان داشته باشد که نماز بخواند، باید در همین فاصله وضو بگیرد و نماز بخواند، اما اگر آن قدر وقت نداشته باشد، باید حین نماز وضو بگیرد و نماز را ادامه دهد و به پایان برساند. اگر پاک کردن نجاست در حین نماز برای او سخت باشد، لازم نیست تطهیر کند و وضو کافی خواهد بود.

سنت‌های وضو

مستحبات:

ظرفی را که از آن آب برمی‌دارد در سمت راست خود بگذارد، با دست راست آب بردارد، بسم الله بگوید و دعا کند.^۳ دست‌ها را - قبل از این که وارد ظرف کند - اگر خواب

۱. منع کردن کودک از لمس نوشته قرآن واجب نیست، اما مستحب است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۴۴)

۲. خال کوبی اسم جلاله و نام‌های معصومین بر بدن جایز نیست، اما اگر نوشته شده باشد، پاک کردنش در صورت امکان واجب است، وگرنه نجس کردنش حرام است، و اگر نجس شد، فوراً باید پاک کند. اما وضو گرفتن به دلیل وجود خال کوبی روی بدنش لازم نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۴۴)

۳. در وقت شستن دست راست: «اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي يَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بَيْسَارِي وَ حَاسِبُنِي حِسَاباً يَسِيراً» «پروردگارا، کتاب و نامه اعمالم را در روز قیامت به دست راستم و جاودانگی در بهشت را در دست چپم قرار بده و محاسبه مرا سهل و آسان نما.» در وقت شستن دست چپ: «اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بَيْسَارِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ الْيَبْرَانِ» «خدایا، نامه اعمالم را در روز محشر به دست چپم مده و آن را به

بود یا ادرار کرده بود، یک بار، و اگر مدفوع کرده بود، دو بار بشوید. مضمضه کردن آب در دهان و استنشاق بینی به همراه خواندن دعا، همچنین خواندن دعا هنگام شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها. این که مرد هنگام شستن ساعدهای خود نخست قسمت بیرونی را بشوید و بعد قسمت داخلی دست را، و برای زن این استحباب برعکس مرد است؛ و این که وضو با یک مُد آب [۷۵۰ گرم] انجام شود.

مکروهات:

کمک گرفتن از دیگران برای وضو و خشک کردن اعضای شسته شده بعد از وضو مکروه است.

فصل چهارم: احکام وضو

اگر کسی یقین داشته باشد حدث از او سر زده و شک کند در این که طهارت [وضو] گرفته است یا نه، یا یقین دارد حدثی از او سرزده و طهارت [وضو] هم گرفته باشد، ولی نمی داند کدام یک از آن‌ها اول و کدام یک بعد اتفاق افتاده است باید طهارت حاصل کند.

همچنین اگر یقین کند عضوی را در وضو ترک کرده است، باید آن عضو و [اعمال] بعد از آن را دوباره انجام دهد، و اگر رطوبت خشک شده باشد، باید از ابتدا وضو بگیرد. اما اگر در حال وضو به یکی از اعمال خود شک کند، نخست عملی را که در آن شک دارد و سپس اعمال بعد از آن را باید انجام دهد.

گردنم آویزان مکن. و از آتش جهنم به تو پناه می‌برم.» در وقت مسح سر: «اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرُحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ» «خدا، رحمت و برکات و بخشایش را بر من بگستران.» در وقت مسح پاها: «اللَّهُمَّ تَبَتَّنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي» «خدا، مرا بر پل صراط ثابت قدم بدار، در آن روزی که قدم‌ها می‌لغزد. و تلاش و کوشش من را در آنچه باعث رضایت تو از من است قرار بده.» (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۴۵ و ۴۶).

اگر کسی از طهارت خود یقین داشته باشد و شک کند آیا بعد از آن حدثی از او سرزده است، یا بعد از اتمام وضو در انجام دادن یکی از افعال وضو شک کند، لازم نیست دوباره وضو بگیرد.

کسی که محل خروج مدفوع یا ادرار را نشوید و نماز بخواند - چه از روی عمد باشد یا از روی فراموشی یا ندانستن - باید نماز را دوباره بخواند.

اگر کسی به نیت استحباب، تجدید وضو کند و بعد از نماز به یاد بیاورد در یکی از اعمال یکی از دو وضوی خود اشتباه کرده است، طهارت و نمازش صحیح است. اما اگر با هر وضو یک نماز بخواند، باید فقط نمازی را که با وضوی اول خوانده است دوباره بخواند.

اگر [در حالتی که با هر وضو یک نماز خوانده است] بعد از یکی از دو وضو حدثی از او سر زده باشد و نداند بعد از کدام یک از دو وضو بوده است، اگر نمازها از نظر تعداد رکعت‌ها متفاوت باشند، هر دو نماز را باید دوباره بخواند، اما اگر یکسان باشند،^۱ ادای یک فریضه به نیت آنچه بر عهده‌اش است کفایت می‌کند. همین حکم برای کسی که وضو بگیرد و نماز بخواند و سپس حدثی از او سر بزند و دوباره وضو بگیرد و نماز دیگری بخواند و پس از آن به یاد آورد یکی از واجبات را در یکی از وضوها به جا نیاورده است نیز برقرار است.

اگر پنج نماز شبانه‌روز خود را با پنج وضو ادا کند و سپس یقین حاصل کند بعد از یکی از وضوها حدثی از او سر زده است، باید سه نماز واجب را دوباره بخواند: یک نماز سه رکعتی، یک نماز دورکعتی و یک نماز چهاررکعتی.^۲

۱. از نظر تعداد رکعت‌ها، مختلف باشند، مثل نماز مغرب و عشاء، و یکسان باشند، مثل نماز ظهر و عصر؛ که در صورت یکسان بودن تعداد رکعت‌ها، نماز خاصی را نیت نمی‌کند و در نیت می‌آورد: نماز چهاررکعتی می‌خوانم به نیت آنچه بر عهده‌ام است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۴۷)

۲. نماز چهاررکعتی را به نیت «ما فی الذمة» (آنچه بر عهده‌ام است) می‌خواند و تعیین نمی‌کند ظهر است یا عصر یا عشاء. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۴۸)

غسل

دو نوع است: واجب و مستحب.

غسل‌های واجب شش تا هستند: غسل جنابت، حیض، استحاضه‌ای که در آن خون از پنبه بگذرد، نفاس، غسل لمس میّتی که غسل داده نشده و بدنش سرد شده باشد و غسل خود میّت؛ و بیان آن در پنج فصل می‌آید:

فصل اول: غسل جنابت

شامل سه موضوع می‌شود: سبب جنابت، احکام جنابت، و غسل آن.

سبب جنابت

دو عامل است:

انزال (خروج منی): اگر بداند آنچه از او خارج شده منی است [بر او غسل جنابت واجب می‌شود]؛ حال اگر چیزی از او خارج شود که برایش مبهم باشد منی بوده است یا نه، و آن مایع با فشار و جهش و همراه با شهوت و سستی بدن خارج شود، غسل بر او واجب می‌شود. اگر بیمار باشد، شهوت و سستی بدن برای واجب شدن غسل کافی است [حتی اگر با جهش خارج نشود]. اگر بدون فشار و شهوت باشد و خودش نداند منی است یا نه، غسل بر او واجب نمی‌شود.

اگر فرد روی لباس یا بدن خود منی بیابد، در صورتی که کسی در پوشیدن آن لباس با او شریک نباشد، غسل بر او واجب می‌شود.

اگر از زن نیز منی خارج شود، غسل بر او واجب می‌شود.^۱

۱. خروج منی در زن با دو علامت مشخص می‌شود: شهوت زیاد یا رعشه بدن، سرازیر شدن مایع منی به فرج. اگر زنی در خواب این علامت‌ها برایش پیش آمده باشد، اما توجه نکرده و با همان حال نماز خوانده باشد، باید

جماع: اگر کسی با زنی از جلوی جماع کند، با ورود آلت تا محل ختنه‌گاه غسل بر هردو واجب می‌شود، حتی اگر (زن) مرده باشد. اگر از مقعد نیز نزدیکی کند، حتی بدون انزال، غسل واجب می‌شود.

اگر کسی عمل قوم لوط (لغت خدا بر آنان و هرکه عمل آن‌ها را مرتکب می‌شود) را انجام داد - حتی بدون انزال - غسل بر او واجب می‌شود. اگر کسی با حیوانی نزدیکی کند - حتی بدون انزال - غسل بر او واجب می‌شود.

تبصره: غسل بر کافر هنگام وجود سبب آن واجب می‌شود، اما انجام آن در حالت کفر صحیح نیست؛ زمانی که مسلمان شد، غسل بر او واجب می‌شود و انجامش صحیح خواهد بود؛ و اگر غسل کند و سپس مرتد شود و دوباره مسلمان شود، غسلش باطل نمی‌شود.

احکام جنابت

آنچه بر فرد جُنُب حرام است: خواندن هریک یا بخشی از هر کدام از سوره‌های عزائم [سوره‌هایی که سجده واجب دارند] حتی ذکر بسم‌الله، اگر نیتش یکی از این سوره‌ها باشد.

لمس نوشته قرآن یا آنچه نام خداوند سبحان و متعال یا یکی از پیامبران یا اوصیای علیهم‌السلام بر آن نوشته شده باشد، نشستن در مساجد^۱ یا گذاشتن چیزی در آن،^۱ و عبور کردن فقط

نمازهایی را که در این حالت خوانده است قضا کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۵۰)

۱. حرم‌های ائمه علیهم‌السلام نیز حکم مسجدها را دارند، بلکه حرمتشان از آن نیز بیشتر است، و محدوده حرم، قبر و بنای اولیه‌ای است که قبر را در بر گرفته است، و اگر آن بنا توسعه یافته باشد، مقدار افزوده شده نیز در حکم داخل است و اگر کوچک‌تر شده باشد نیز، مقدار کاهش یافته از حکم خارج می‌شود. البته این حکم شامل فرزندان ائمه علیهم‌السلام (امامزاده‌ها) نمی‌شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۵۲)

از مسجد الحرام یا مسجد النبی (ﷺ). اگر کسی در مسجد الحرام یا مسجد النبی (ﷺ) جُنُب شد، باید تیمم کند و سپس از آنجا خارج شود.

آنچه برای جنب مکروه است: خوردن و آشامیدن، و کراهت آن با مضمضه و استنشاق کمتر می‌شود. خواندن^۲ بیش از هفت آیه از قرآن غیر از سوره‌های دارای سجده واجب، و خواندن هفتاد آیه و بیش از آن کراهتش بیشتر است،^۳ همچنین لمس قرآن، و خوابیدن قبل از آن که غسل کند یا وضو بگیرد یا تیمم کند، و خضاب کردن.^۴

چگونگی غسل

در غسل پنج چیز واجب است:

نیت: و باقی ماندن بر آن تا پایان اعمال غسل، شستن پوست بدن، به‌صورتی که به آن شستن گفته شود، و رساندن آب به جایی که به‌خودی‌خود آب به آنجا نمی‌رسد.

ترتیب: یعنی نخست سر را بشوید، بعد بدن. و بهتر است ابتدا سمت راست [بدن] را بشوید و بعد سمت چپ، و رعایت ترتیب میان راست و چپ واجب نیست؛^۵ اگر به یک‌باره در آب فرو رود، ترتیب ساقط می‌شود.^۶

۱. عبور کردن از آن اشکالی ندارد. (مترجم)

۲. شنیدن و گوش دادن به قرائت قرآن، حکم خواندن آن را ندارد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۵۲)

۳. کراهت به معنای این است که بهتر است این عمل ترک شود، نه به این معنا که ثوابش کمتر است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۵۲)

۴. حنا بستن و رنگ کردن ریش و موی سر. (مترجم)

۵. شستن گردن همراه سر واجب است، اما درباره ترتیب: واجب است با سر شروع و سپس بدن شسته شود؛ و مستحب است اول سمت راست و سپس سمت چپ شسته شود. (پاسخگوی سؤالات شرعی، ۲۲ شوال ۱۴۳۸)

۶. یعنی در غسل ارتماسی ترتیب وجود ندارد. (مترجم)

مستحبات غسل: پیش از شستن دست‌ها نیت کند، و انتهای فرصت نیت، هنگام آغاز شستن سر (شروع غسل) است. دست کشیدن بر بدن هنگام غسل، و برای یقین بیشتر رساندن آب به قسمت‌هایی از بدن که به‌طور عادی آب به آن‌ها می‌رسد، و ادرار کردن قبل از غسل و استبرا کردن.

چگونگی استبرا کردن: سه بار از مقعد تا ریشه آلت بکشد و بعد از آن سه بار از آن محل تا سر آلت بکشد و بعد از آن سه بار سر آلت را فشار دهد.

دیگر مستحبات غسل: سه بار شستن دست‌ها قبل از این که وارد ظرف کند، مضمضه کردن، استنشاق، و غسل کردن با یک صاع (سه لیتر آب).

مسائل سه گانه:

اول: اگر غسل کننده بعد از غسل رطوبتی ببیند که نداند منی است یا نه، اگر قبل از غسل ادرار یا استبرا کرده باشد، غسل را تکرار نمی‌کند، در غیر این صورت باید دوباره غسل کند.

دوم: اگر قسمتی از بدن را غسل کند و سپس حدثی از او سر بزند، باید دوباره از اول شروع کند. دائم‌الحدث اگر آن قدر وقت نداشته باشد که دوباره غسل کند و حدثی از او سر نزند، باید بعد از غسل برای طهارت وضو بگیرد.

سوم: در صورتی که خودش بتواند غسل کند، جایز نیست شخص دیگری او را غسل دهد، و کمک گرفتن در غسل مکروه است.

فصل دوم: حیض

این فصل مشتمل بر توضیح حیض و متعلقاتش است.

اول: حیض، خونی است که به تمام شدن عدّه [در زنان مطلقه] ارتباط دارد^۱ و کمترین مقدار آن اندازه مشخصی دارد. بیشتر اوقات تیره و غلیظ است و با حرارت و همراه با احساس سوزش خارج می‌شود. ممکن است خون حیض و بکارت اشتباه گرفته شوند، به همین دلیل زن باید پنبه‌ای را [که در مجرا قرار می‌دهد] ملاک قرار دهد، اگر خون به شکل حلقوی بود، خون بکارت است.^۲ در ضمن، آنچه دختر قبل از سن بلوغش (نُه‌سالگی) ببیند، خون حیض نیست.

کمترین مقدار حیض سه روز^۳ و بیشترین آن ده روز است. همچنین کمترین میزان پاکی (بین دو حیض)^۴ است و برای حداکثر آن، اندازه‌ای تعیین نشده است. [برای کمترین مقدار حیض] شرط است سه روز پشت‌سرهم باشد.^۵ آنچه زن بعد از یائسگی می‌بیند، حیض نیست. زن قرشی^۶ در پایان شصت‌سالگی و دیگر زنان در پایان

۱. یعنی زن مطلقه آزاد (در مقابل کنیز) اگر حیض شود، باید سه حیض را عدّه نگه دارد، و با دیدن سومین خون حیض بعد از طلاق، عدّه‌اش به پایان می‌رسد، به همین خاطر خون حیض با دو خون استحاضه و نفاس که با عدّه زن مطلقه ارتباطی ندارد، تفاوت پیدا می‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۵۵)

۲. و اگر پنبه به صورت آغشته به خون خارج شد، حیض است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۵۶)

۳. هر روز ۲۴ ساعت است، پس اگر ساعت ۱۲ ظهر خون ببیند، تا ساعت ۱۲ ظهر روز بعد یک روز خواهد بود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۵۸)

۴. حداقل فاصله بین دو حیض، ده روز است. (مترجم)

۵. پس اگر دو روز خون ببیند و یک روز خون نبیند، سپس دوباره خون ببیند، حکم حیض را ندارد. و اگر در ماه رمضان بلافاصله با دیدن خون افطار و نماز را ترک کند، به دلیل آن که گمان می‌کند حیض شده است، ولی خون قطع شود، [فقط] قضای روزه و نماز بر او واجب می‌شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۵۶)

۶. زنی که از طریق پدر به یکی از قبایل قریش منتسب باشد. و بعضی از قبایل مانند - علویان و عباسیان - مشهور هستند. (مترجم)

پنجاه سالگی به سن یائسگی می‌رسند.

هر خونی که زن کمتر از سه روز ببیند حیض نیست، چه مبتدئه^۱ باشد و چه دارای عادت ماهانه^۲ باشد. خونی که زن بین روز سوم تا دهم می‌بیند اگر امکان حیض بودنش وجود داشته باشد،^۳ حیض است، چه جنس خون تغییر کند و چه تغییر نکند.

زن زمانی صاحب عادت می‌شود که یک بار خون ببیند و بعد تا کمترین مدت طهارت [ده روز] یا بیشتر از آن پاک باشد و بعد از آن دوباره به همان میزان خون ببیند؛ و به اختلاف رنگ خون توجه نمی‌شود.

مسائل پنج‌گانه:

اول: زن دارای عادت با دیدن خون باید نماز و روزه را ترک کند. زن مبتدئه اگر مطمئن شد حیض است، باید عبادات را ترک کند و در غیر این صورت عبادتش را به جا می‌آورد تا سه روز بگذرد.^۴

دوم: اگر زن سه روز خون ببیند و بعد قطع شود و قبل از روز دهم دوباره خون ببیند، همه این مدت یک حیض محسوب می‌شود، ولی اگر از ده روز بیشتر شد،

۱. زنی که برای اولین بار خون می‌بیند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۵۷)

۲. یعنی دارای عادت ماهانه منظم باشد که سه حالت دارد:

عادت عددیه و قتیة: در زمان مشخص (اول ماه) و تعداد روز مشخص (هفت روز) حیض می‌بیند.

عادت عددیه: فقط تعداد روزهایی که حیض می‌بیند مشخص است، نه زمان آغاز آن.

عادت قتیة: زمان آغاز حیض مشخص است، نه تعداد روزهایش. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء

اول، طهارت، ص ۵۸)

۳. یعنی دارای شرایط آن باشد. (مترجم)

۴. اگر سه روز گذشت و خون ادامه داشت و در این سه روز روزه گرفته بود، باید قضای آن را بگیرد، زیرا در این

مدت حیض بوده است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۵۸)

باید به توضیحی که ذکر خواهیم کرد مراجعه کند.^۱ اگر ده روز بگذرد، سپس خون ببیند، خونی که اول دیده به تنهایی یک حیض بوده است، و آنچه بعد از ده روز دیده ممکن است حیض دیگری باشد.^۲

سوم: اگر خون قبل از ده روز قطع شد، بر زن واجب است با پنبه خود را واریسی کند.^۳ اگر پنبه پاک بود، باید غسل کند و اگر به خون آغشته شد، زن مبتدئه باید صبر کند تا پاک شود یا ده روز بگذرد؛ و زن صاحب عادت پس از روز سوم عادتش غسل کند. پس اگر تا روز دهم دیدن خون استمرار یابد و [بعد از ده روز] قطع شود، روزهایی را که [در این مدت] گرفته است باید قضا کند؛ و اگر بیش از ده روز بود، آنچه به جا آورده است مورد قبول است.^۴

چهارم: وقتی زن از حیض پاک شد، شوهرش می‌تواند قبل از غسل با او نزدیکی کند، گرچه این عمل مکروه است.^۵

۱. رجوع شود به ابتدای احکام استحاضه. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارة، ص ۵۹)

۲. اگر شروط آن را داشته باشد، حیض دیگری است. (مترجم)

۳. واریسی با پنبه تنها زمانی بر حائض واجب است که در پاک شدنش شک داشته باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارة، ص ۵۹)

۴. به عنوان مثال، کسی که عادت ماهیانه اش پنج روز بوده و واریسی کرده و هنوز قطع نشده باشد، روز هشتم غسل می‌کند و اعمالش را به جا می‌آورد، اما اگر روز دهم خون قطع شد، باید روزه‌های روز نهم و دهم را قضا کند، چرا که آن دو روز هم حیض بوده است؛ ولی اگر از ده روز گذشت و باز هم قطع نشده بود، اعمالش مورد قبول است، زیرا آن روزه‌های اضافی (نهم به بعد) استحاضه است و در ایام طهر (پاکی) است نه حیض. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارة، ص ۵۹)

۵. زنی که در پاک شدنش شک دارد باید خودش را با پنبه واریسی کند و اگر پاک شده بود، می‌تواند قبل از غسل با همسرش نزدیکی کند، و اگر واریسی نکند، حرام است قبل از غسل با همسرش نزدیکی کند. اما اگر بدون واریسی غسل کند، می‌تواند با همسرش نزدیکی کند، و اگر بعداً بفهمد هنوز حیض بوده، کفاره‌ای بر عهده‌شان نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارة، ص ۶۰)

پنجم: اگر وقت نماز داخل شود و (زن) حائض شود، اگر [پیش از آن که حائض شود] به مقدار طهارت و اقامه نماز وقت بوده باشد، قضای [آن نماز] بر او واجب می شود، و اگر پیش از داخل شدن وقت نماز [حائض شود]، قضا واجب نیست. و اگر زن قبل از پایان وقت نماز پاک شود، به گونه ای که [تا اتمام وقت نماز] به مقدار طهارت و یک رکعت نماز باقی مانده باشد، ادای نماز واجب است و اگر انجام ندهد، باید قضای آن را به جا آورد.

متعلقات حیض

هشت تاست:

اول: هرآنچه در آن داشتن طهارت [وضو و غسل] واجب است، بر زن حائض حرام است، مثل نماز و طواف و لمس نوشته های قرآن.

❖ حمل کردن قرآن و لمس حاشیه آن مکروه است و حتی اگر وضو بگیرد، یا غسل کند نیز طاهر نمی شود.

دوم: روزه اش صحیح نیست.

سوم: نشستن در مسجد برای او حرام، و عبور از آن مکروه است.

چهارم: خواندن هر قسمتی از سوره های عزائم^۱ بر او حرام است و خواندن باقی آیات و سوره های قرآن برای او مکروه است. چنین زنی اگر آیه ای را که سجده دارد بخواند، یا اگر به آن گوش کند، باید سجده کند.

پنجم: نزدیکی با زنی که در حیض است بر همسرش حرام است تا زمانی که پاک شود، اما لذت بردن از دیگر راهها غیر از فرج اشکالی ندارد. اگر مرد بداند

۱. سوره هایی که سجده واجب دارند. (مترجم)

نزدیکی در این زمان حرام است، و با این حال از روی عمد این کار را انجام دهد، باید کفّاره بدهد؛ و کفّاره آن عبارت است از: در اولین روزهای حیض، یک دینار طلا و در روزهای میانی عادت ماهانه، نصف دینار و در آخرین روزهای عادت، ربع دینار [بپردازد].^۱ اگر در زمانی که کفّاره در آن یکسان است نزدیکی را تکرار کند، کفّاره تکرار نمی‌شود، اما اگر نزدیکی را در زمان‌هایی تکرار کند که مقدار کفّاره در آن متفاوت است، کفّاره را باید تکرار کند.

ششم: زنی که به او دخول شده باشد در ایام حیض و درحالی که شوهرش در کنارش حاضر باشد،^۲ طلاق دادنش صحیح نیست.

هفتم: اگر زن از خون حیض پاک شد، باید غسل کند. کیفیت آن مانند غسل جنابت است و مستحب است قبل یا بعد از غسل وضو بگیرد. قضای روزه واجب است، ولی قضای نماز بر او واجب نیست.

هشتم: مستحب است در وقت هر نماز وضو بگیرد و به اندازه زمانی که در حالت عادی به نماز می‌ایستد در محل نمازش بنشیند و ذکر خدای متعال بگوید. ❖ خضاب کردن^۳ برای زنی که در حالت حیض است مکروه است.

فصل سوم: استحاضه

این فصل مشتمل بر اقسام و احکام استحاضه است:

۱. یعنی باید تعداد روزهای عادت را تقسیم بر سه کند. مثلاً اگر شش روز باشد، دو روز اول، ابتدای ایام حیض است، دو روز دوم، روزهای میانی و دو روز سوم، ایام آخر عادت است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۶۲)

۲. در سفر نباشد. (مترجم)

۳. رنگ کردن مو با حنا یا مشابه آن. (مترجم)

خون استحاضه

غالباً زردرنگ، سرد و رقیق است و به آرامی خارج می‌شود. گاهی خون حیض نیز همین اوصاف را دارد. بنابراین، خون زرد و کدر در ایام حیض، خون حیض است و همین خون [با همین اوصاف] در ایام پاکی، خون حیض نیست [و استحاضه است].

هر خونی که زن کمتر از سه روز ببیند و دلیل آن زخم یا جراحت نباشد، خون استحاضه است. خونی که بیشتر از عادت و بیشتر از ده روز باشد نیز همین‌گونه است. به همین ترتیب، خونی که بیشتر از حداکثر ایام نفاس [ده روز] باشد و علائم خون حیض را نداشته باشد یا خونی که در حاملگی باشد یا خونی که بعد از یائسگی یا قبل از بلوغ خارج شود، همه استحاضه هستند.

زنی که خون دیدنش بیشتر از ده روز طول بکشد و از زنانی باشد که حیض می‌بینند^۱ ایام پاکی‌اش با حیض مخلوط شده است. در این صورت، او یا مبتدئه است یا دارای عادت ماهانه یا مضطربه.

زن مبتدئه

[ویژگی‌های] خون را ملاک قرار می‌دهد. آنچه شبیه حیض است، برای او حیض محسوب می‌شود و آنچه شبیه خون استحاضه باشد، استحاضه است، به شرطی که آنچه شبیه خون حیض است از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد. اگر این مقدار کمتر یا بیشتر باشد یا رنگ آن تغییر نکند یا دو شرط تشخیص حیض در آن تحقق نیابد، اگر عادت ماهانه زنان فامیل یکسان باشد، مانند آن‌ها عمل می‌کند و اگر یکسان نبود، مقدار حیض خود را در هر ماه، هفت روز قرار می‌دهد.

زن دارای عادت

۱. یائسه یا کمتر از نه سال نباشد. (مترجم)

عادت ماهیانه خود را حیض، و مابقی را استحاضه قرار دهد. اگر با وجود عادت ماهانه در کیفیت خون تغییر حاصل شود، به آن اعتنا نمی کند و طبق عادتش عمل کند.

در اینجا چند مسئله وجود دارد:

اول: اگر تعداد روزها و وقت عادتش ثابت باشد، اگر زودتر یا دیرتر از وقت مشخص حیض ببیند، ولی تعداد روزهایش همان تعداد معین باشد، باید همان تعداد روز را حیض قرار دهد و وقت از اعتبار ساقط می شود،^۱ زیرا ممکن است عادت زودتر یا دیرتر اتفاق بیفتد، چه خون را با اوصاف حیض ببیند و چه اوصافش متفاوت باشد.

دوم: اگر قبل از ایام عادت ماهانه خون دیدن او شروع شود و در ایام عادت نیز ادامه یابد، اگر از ده روز بیشتر نشود، تمام این مدت حیض است، و اگر از ده روز بیشتر باشد، روزهای عادت را حیض و ایام قبل از آن را استحاضه قرار می دهد. اگر هنگام عادت خون ببیند و بعد از آن ادامه یابد، همین حکم برقرار است. بنابراین اگر قبل از عادت، هنگام عادت و بعد از آن خون ببیند، اگر تعداد ایام از ده روز بیشتر نباشد، تمام مدت حیض محسوب می شود و اگر بیشتر از ده روز باشد، روزهای عادت حیض و قبل و بعد از آن استحاضه است.

سوم: اگر عادت زن در هر ماه یک بار و دارای عدد معینی باشد، اگر در یک ماه دو بار به تعداد ایام عادت خون ببیند و بین این دو به اندازه کمترین مدت پاکی [ده روز] یا بیش از آن فاصله بیفتد، آن نیز حیض است، و اگر در هر بار بیشتر از

۱. یعنی زمان شروع عادت ماهانه که به طور منظم در آن روز آغاز می شده است مورد توجه قرار نمی گیرد. مثلاً همیشه پنجم ماه شروع می شده، ولی الآن سوم یا هشتم شروع شده باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۶۵)

مدت معمول عادت خون ببیند، اگر از ده روز بیشتر نباشد، [هر دو] حیض خواهد بود. اگر بیشتر از ده روز شود، به اندازه عادت همیشگی حیض و مابقی را استحاضه به شمار آورد.

زنی که مضطربه است

باید با توجه به تشخیص عمل کند. اگر از صفات آن مطمئن شود خون حیض است، [پس] باید عبادت را ترک کند، در غیر این صورت نباید نماز را ترک کند تا این که سه روز بگذرد و از حیض بودنش اطمینان حاصل کند. اما اگر نتواند تشخیص دهد، سه حالت به وجود خواهد آمد:

اول: اگر تعداد ایام حیض را به یاد داشته باشد، ولی زمان آغاز عادت را فراموش کرده باشد، اولین روز خون دیدن خود را روز اول حیض قرار دهد و به تعداد ایام عادت خود بشمارد و مابقی را استحاضه حساب کند.

دوم: اگر وقت آغاز عادت ماهانه خود را به یاد داشته باشد، ولی تعداد ایام را فراموش کند، اگر اولین روز خون دیدن خود را به یاد بیاورد و زنان فامیل دارای عادت یکسان باشند، باید طبق عادت آن‌ها عمل کند و اگر یکسان نبود، هفت روز را حیض قرار دهد. اگر فقط روز پایان عادتش را به یاد بیاورد و زنان فامیل عادت یکسان داشته باشند، همان مقدار را به عنوان حیض حساب کند و اگر عادت آن‌ها یکسان نباشد، هفت روز قبل از روز پایانی عادتش را حیض محسوب کند و در مابقی ایام خون دیدن طبق تکلیف مستحاضه عمل کند و فقط روزه خود را برای روزهایی که حیض قرار داده است، قضا کند.

سوم: در صورتی که هر دو^۱ را فراموش کرده باشد، اگر زنان فامیل دارای

۱. هم تعداد و هم زمان آغاز عادتش. (مترجم)

عادت یکسان باشند، باید هر ماه طبق عادت آن‌ها عمل کند و اگر یکسان نبودند، هفت روز را حیض قرار دهد و این کار را تا هنگامی که زمان یا تعداد را به یاد نیاورده است ادامه دهد.

احکام استحاضه

خون استحاضه یا به عمق پنبه نفوذ نمی‌کند و آن را پُر نمی‌کند^۱ یا به آن نفوذ می‌کند، اما از آن گذر نمی‌کند،^۲ یا به آن نفوذ می‌کند و از آن گذر می‌کند و جاری می‌شود.^۳

در نوع اول: بر زن واجب است برای هر نماز پنبه را تعویض و برای هر نماز تجدید وضو کند. می‌تواند با یک وضو دو نماز را با هم بخواند.^۴

در نوع دوم: بر او لازم است هم پنبه و هم پارچه بیرون را تغییر دهد و برای نماز صبح غسل کند.^۵

در نوع سوم: علاوه بر موارد مذکور در نوع دوم، دو غسل دیگر نیز بر چنین زنی واجب است، یک غسل برای نماز ظهر و عصر. اگر هر دو نماز را با هم بخواند و یک غسل نیز

۱. قلیله (مترجم)

۲. متوسطه (مترجم)

۳. کثیره (مترجم)

۴. و خارج شدن خون بعد از وضو و بین دو نماز اشکالی ندارد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۶۸)

۵. اگر درحالی که استحاضه قلیله است، نماز صبح را بخواند، سپس هنگام ظهر استحاضه متوسطه شود، واجب نیست در آن هنگام غسل کند، بلکه غسل قبل از نماز صبح واجب می‌شود. و اگر هنگام نماز صبح استحاضه متوسطه بود و به دلیل عذر یا مشقت بسیار نتوانست قبل از نماز صبح غسل کند، در هر زمان که توانست غسل می‌کند، اگرچه بهتر است قبل از نماز واجب بعدی این کار را انجام دهد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۶۹)

برای نماز مغرب و عشا، اگر آن‌ها را با هم بخواند.^۱ اگر چنین کند، حکمش مانند حکم زن پاک است. اگر وظایف مذکور را به‌درستی انجام ندهد،^۲ نمازش صحیح نیست و اگر غسل‌ها را به‌درستی انجام ندهد، روزه‌اش هم صحیح نخواهد بود.

فصل چهارم: نفاس

نفاس، خون هنگام زایمان است و برای حداقل آن حدی نیست و ممکن است یک لحظه باشد. اگر زنی زایمان کند و خونی نبیند، این زن نفاس ندارد. اگر قبل از زایمان خونی ببیند، پاک [و استحاضه] محسوب می‌شود. حداکثر مدت خون نفاس، ده روز است. اگر زنی دوقلو باردار باشد و تولد یکی از آن دو با تأخیر اتفاق بیفتد، شروع نفاسش از زمان تولد اولین فرزند است، ولی باید تعداد روزها را از تولد دومین نوزاد بشمارد.^۳

اگر زن زایمان کند و خون نبیند و روز دهم خون ببیند، آن خون خون نفاس است. اگر بعد از زایمان خون ببیند، سپس پاک شود و بعد در روز دهم یا قبل از آن دوباره خون ببیند، کل این مدت نفاس است. در صورتی که خون بیش از ده روز ادامه یابد، اگر اوصاف خون استحاضه را داشته باشد، استحاضه است، در غیر این صورت حیض است. اگر زنی دارای عادت و با تعداد روزهای مشخص باشد، به همان تعداد روز حیض حساب کند، وگرنه باید به تعداد روزهای عادت زنان فامیلش حیض قرار دهد، یا هفت روز حیض به شمار آورد^۴ و اگر باز خون دیدن ادامه یابد، سه روز واری کند،^۱ سپس مابقی را استحاضه

۱. ولی اگر نمازها را جدا بخواند، باید برای هر نماز یک غسل به جا بیاورد. البته اگر بعد از غسل نماز اول خون نیامده باشد، برای نماز بعدی غسل لازم نیست. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارت ص ۶۹)

۲. یعنی آنچه در هر نوع از انواع استحاضه بر او واجب می‌شود، اعم از تغییر پنبه و پارچه و تجدید وضو یا غسل. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۰)

۳. ابتدای ده روز را از تولد نوزاد دوم حساب کند. (مترجم)

۴. عمل کردن طبق عادت زنان فامیل در صورتی است که عادت آنان یکسان باشد و در غیر این صورت هفت روز را به‌عنوان حیض قرار می‌دهد. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۱)

قرار دهد.

هرچه بر زن حائض حرام است، بر زن دارای حکم نفاس نیز حرام است و مکروهات آن دو نیز یکسان است.

طلاق دادن زنی که در حال نفاس است صحیح نیست.

غسل نفاس نیز مانند غسل حیض است.

فصل پنجم: احکام اموات

شامل پنج مبحث است: ۲

اول: احتضار

واجبات زمان احتضار: رو به قبله قرار دادن میت، به گونه‌ای که به پشت خوابانده شود و صورت و کف پاهایش رو به قبله باشد، و این کار واجب کفایی^۳ است.

مستحبات زمان احتضار: تلقین شهادتین و اقرار به پیامبر و امامان و مهدیون (علیهم السلام) و کلمات فرج،^۴ به محل نمازش منتقل شود و اگر مرگش در شب باشد، نزد او چراغی

۱. مثلاً اگر زنی عادتش پنج روز بوده باشد و پس از ولادت فرزندش تا هجده روز خون ببیند، ده روز اول نفاس است و در روز یازدهم به خصوصیات خون دقت می‌کند. اگر نتوانست تشخیص دهد خون استحاضه است یا حیض، ابتدا آن را حیض قرار می‌دهد. اگر بعد از تعداد روزهای عادتش (پنج روز) خون متوقف شد، حیض بوده است، ولی اگر ادامه یافت، فهمیده می‌شود حیض نبوده است و باید اعمالش را قضا کند، به جز روزهای یازده و دوازده و سیزده که ایام واریسی بوده و حکمش همان حکم ایام حیض است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۲)

۲. احتضار، غسل میت، کفن کردن، نماز میت و دفن کردن. (مترجم)

۳. یعنی اگر یک نفر این کار را انجام دهد، از بقیه ساقط می‌شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۳)

۴. لا إله إلا الله الحليم الكريم، لا إله إلا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السماوات السبع و رب الأرضين

گذاشته شود و کسی برای او قرآن بخواند. هنگامی که مُرد، چشمان و دهانش بسته شود و دست‌هایش را کنار بدنش قرار دهند و با پارچه‌ای او را بپوشانند. هرچه سریع‌تر میّت را تجهیز کنند، مگر این‌که وضعیتش نامشخص باشد، که برای مطمئن شدن از مردن او باید نشانه‌های مرگ را واریسی کرد، یا سه روز صبر کنند.^۱

مکروهات: قرار دادن آهن روی شکمش و حاضر شدن جنب یا زن حائض نزد او.

دوم: غسل دادن میّت

غسل میّت و همچنین کفن کردن، دفن کردن و نماز خواندن برای او واجب کفایی است. سزاوارترین فرد به انجام واجبات میّت، نزدیک‌ترین فرد به او از جهت میراث است. اگر نزدیکان میّت هم مرد و هم زن باشند، مردان از زنان در انجام دادن امور مربوط به میّت سزاوارترند.^۲

شوهر نسبت به همسر خود در همهٔ امور از دیگران سزاوارتر است.

اگر نزد میّت مسلمان هیچ مرد مسلمان یا هیچ زن مسلمان مَحَرَمی نباشد، جایز است کافر او را غسل دهد. همچنین جایز است زن کافر، زن مسلمانی را که نزد او زن مسلمان یا مرد مسلمان محرمی نباشد غسل دهد.

السَّع و ما فیهِنَّ و ما بینَهُنَّ و ربّ العرش العظیم و الْحَمْدُ لِلّٰہِ ربّ العالمین. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۳)

۱. در صورتی که علامت‌های مرگ در او به روشنی پدیدار بود، لازم نیست سه روز صبر کنند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۳)

۲. البته این در صورتی است که در طبقهٔ ارث با یکدیگر برابر باشند، اما در غیر این صورت، اگر زنی از نظر طبقهٔ ارث به میّت نزدیک‌تر بود، از مردی که طبقه‌اش دورتر است سزاوارتر خواهد بود، مانند اینکه وارثان میّت، دختر و برادرش باشند که در این صورت دختر مقدم است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۴)

اگر زن مسلمانی موجود نباشد، مرد باید زنان محرم خود را از روی لباس غسل دهد و صورت و دست‌ها تا مچ و پاها را تا مچ باز کند. همچنین زن هنگام غسل دادن مردانِ محرم خود تنها بالای ناف و پایین زانوهای میّت را می‌تواند آشکار کند.

مرد نمی‌تواند زن نامحرم را غسل دهد، مگر این‌که سنّ میّت زیر سه سال باشد و زن نامحرم نیز نمی‌تواند مرد را غسل دهد، مگر این‌که سنّ میّت زیر پنج سال باشد، که در این دو حالت می‌توان هنگام غسل، تمام بدن میّت را آشکار کرد.

هرکسی که شهادتین را بر زبان جاری کند حتی اگر اعتقاد قلبی به حق نداشته باشد، غسل دادنش جایز است، به جز خوارج،^۱ غلات^۲ و نواصب.^۳ شهیدی که به همراه امام کشته شود و در میدان جنگ بمیرد غسل و کفن نمی‌شود، اما باید برایش نماز خواند.^۴ همچنین کسی که کشتن او واجب است^۵ قبل از کشته شدنش به او دستور می‌دهند غسل کند و بعد از مرگ غسل داده نمی‌شود.

هنگامی که بخشی از جسد یک میّت پیدا شود، اگر سینه او در آن باشد، یا فقط سینه میّت پیدا شده باشد باید غسل داده شود، کفن شود و برایش نماز گزارده و دفن گردد. اگر

۱. خوارج: افرادی که علیه امام زمانشان، که از سوی خداوند منصوب شده است، خروج کنند. (شرح شرایع

الإسلام، ج ۱، ص ۶۲)

۲. آنان که به الوهیت مطلق یکی از مخلوقات معتقد هستند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۱)

۳. کسانی که چه با ائمه و چه با مهدیون (علیهم السلام) و چه شیعیان آن‌ها دشمنی کنند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۲۱)

۴. و همچنین لمس بدن سرد او نیاز به غسل مس میّت ندارد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۵)

۵. مثل کسی که باید بر او حدّ جاری و کشته شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۵)

این گونه نبود، ولی در آن استخوان باشد، باید غسل داد و در پارچه‌ای پیچید و دفن کرد. همین حکم درباره جنین سقط شده، اگر روح در او حلول کرده باشد، یا چهار ماه یا بیشتر داشته باشد^۱ نیز برقرار است.

اما اگر عضو یافت شده استخوان نداشت، فقط در پارچه‌ای پیچیده و دفن شود؛ این حکم برای جنین سقط شده، اگر روح در آن حلول نکرده باشد نیز جاری است.

اگر مرد مسلمانی بمیرد و مرد مسلمان یا مرد کافر یا زنی از محارمش نزد او نباشد، زن کافر نباید به او نزدیک شود و زن مسلمان [نامحرم] نیز تنها می‌تواند روی قسمت بالای ناف و زیر زانوهای میت از روی لباس آب بریزد، سپس او را با کافور، حنوط^۲ و دفن کند.

اما اگر زن [مسلمان] بمیرد، مرد مسلمان نامحرم تنها روی صورت و دو دست او تا مچ و دو پای او تا مچ آب می‌ریزد و با کافور، حنوط و دفن می‌کند.

واجبات غسل میت:

ابتدا باید هرگونه نجاست از بدن میت زدوده شود، سپس میت با آب مخلوط با سدر غسل داده شود؛ یعنی از سر میت آغاز کنند، بعد سمت راست و سپس سمت چپ.^۳ کمترین مقدار سدر که در آب مخلوط می‌شود به قدری است که بتوان به آن آب سدر گفت. بعد از آن، باید با آب مخلوط با کافور^۴ میت را به همان کیفیت غسل داد. در مرتبه

۱. یعنی غسل داده شود و در پارچه‌ای پیچیده و دفن می‌شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۶)

۲. واجب است به مواضع هفت گانه سجده میت (پیشانی و کف دست‌ها و سر زانو و نوک دو انگشت شست پا) به هر اندازه که ممکن است کافور بمالد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۸)

۳. ترتیب میان سمت چپ و راست بدن واجب نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۶)

۴. کمترین مقدار کافوری که در آب مخلوط می‌شود به قدری است که بتوان به آن آب کافور گفت. (احکام الشریعة

سوم با آب معمولی، همان طور که برای جنابت غسل می‌شود، باید میّت را غسل داد. وضو دادن میّت مستحب است و واجب نیست. جایز نیست هیچ‌یک از غسل‌های مذکور کم شود، مگر این که ضرورتی وجود داشته باشد.^۱ در صورتی که سدر و کافور موجود نباشد، میّت را یک بار با آب معمولی غسل می‌دهند، ولی سه بار غسل دادن میّت بهتر است.

اگر به سببی مثل سوختگی یا بیماری آبله، احتمال داده شود پوست مُرده هنگام غسل متلاشی شود، باید مانند زنده ناتوان [از وضو و غسل] او را با خاک تیمّم داد.

سنت‌های غسل میّت:

مستحب است میّت را روی تخته چوبی^۲ رو به قبله و در سایه غسل دهند. برای آب غسل میّت، گودالی حفر کنند. فرستادن آب غسل به چاه توال^۳ مکروه است، اما فرستادنش به فاضلاب اشکال ندارد. شکافتن لباس و خارج کردن آن از قسمت پایین بدن و ستر عورت میّت و نرم کردن انگشتانش به آرامی مستحب است. همچنین مستحب است قبل از غسل، سر میّت با کف سدر شسته شود^۴ و فرج میّت با سدر و اشنان^۵ یا صابون بدون عطر شسته شود، و نیز مستحب است دست‌هایش را بشویند. مستحب است غسل را از نیمه راست سر شروع کند و هر عضو را در هر غسل سه بار

بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۸)

۱. مانند زمانی که آب موجود نداشته باشد. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۷)

۲. چوبی که از درخت ساج گرفته می‌شود. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۷)

۳. مکانی که در آن ادرار و مدفوع جمع می‌شود. (شرح شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۶۴)

۴. کفی که هنگام مخلوط کردن آب و سدر روی آن جمع می‌شود و می‌ایستد. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارت، ص ۷۷)

۵. نوعی گیاه. (مترجم)

بشوید. در دو غسل اول، روی شکم میّت کشیده شود، مگر این که مُرده زن باردار باشد.

غسل دهنده سمت راست میّت قرار بگیرد و با هر بار غسل دادن دست‌های خود را بشوید، سپس بدن میّت را بعد از اتمام غسل با پارچه‌ای خشک کند.

مکروه است:

هنگام غسل، میّت را میان پاهای خود قرار دهد یا او را بنشاند، همچنین چیدن ناخن و شانه کردن موی سر میّت، و این که شخص مخالف حق را غسل دهد، اما اگر مجبور شد، به شیوه آنان غسل دهد.

سوم: کفن کردن میّت

واجب است میّت در سه قطعه پارچه کفن شود. ^۱ قمیص ^۲ و ^۳ إزار. در صورت اضطرار، یک قطعه کفایت می‌کند. کفن کردن میّت با حریر جایز نیست.

واجب است بر مساجد [مواضع هفت گانه سجود] میّت به قدر امکان کافور مالیده شود، مگر این که میّت مُحَرَّم باشد، که در این صورت نباید به بدن او کافور مالید. کمترین مقدار فضیلت کافور، یک درهم است و بهتر آن است که چهار درهم باشد، و کامل‌ترین مقدار کافور سیزده و یک سوم درهم است.

در صورت ضرورت، میّت بدون کافور دفن می‌شود و استعمال بوی خوش جز با کافور و ذریه ^۴ جایز نیست.

۱. یک قطعه برای دور عورت از ناف تا زانو. (مترجم)

۲. یک قطعه برای پوشاندن تن. (مترجم)

۳. یک قطعه برای کل بدن. (مترجم)

۴. گیاهی خوش بو. (مترجم)

سنت‌های کفن کردن:

مستحب است غسل دهنده قبل از کفن کردن، غسل کند یا وضو بگیرد.

به کفن مرد، یک حبرهٔ عبری^۱ که زربافت نباشد اضافه کند، همچنین پارچه‌ای برای بستن ران‌ها که طول آن سه ذراع و نیم^۲ و عرض آن تقریباً یک وجب باشد قرار دهد و دو طرف آن را محکم از بالای مئانه ببندد و بعد از قرار دادن مقداری پنبه میان باسن میت، مابقی پارچه را دور ران‌های او محکم بپیچد. و اگر احتمال خروج چیزی [از مقعد میت] را می‌دهد، می‌تواند در مقعد او نیز مقداری پنبه قرار دهد.

پارچه‌ای را به‌عنوان سربند و عمامه به کفن مرد بیفزاید، به‌گونه‌ای که پارچه را دور سر بپیچند، بعد دو طرف آن را از زیر چانه رد کنند و روی سینه قرار دهند.

به کفن زن، پارچه‌ای برای بستن پستان‌هایش و یک پارچهٔ بزرگ سرتاسری اضافه کند، و به‌جای عمامه نیز می‌توان برای زن روبند اضافه کرد.

مستحب است کفن از پنبه باشد، و روی حبره و لفافه^۳ و قمیص (پیراهن)، ذریه (گیاه معطر) ریخته شود. حبره روی لفافه و قمیص زیر آن باشد، و نوشتن نام میت و این که او به شهادتین اقرار کرده بر روی حبره و قمیص و ازار، و قرار دادن دو ساقهٔ نخل همراه او مستحب است. اگر نام ائمه و مهدیون (علیهم‌السلام) و تعدادشان را از ابتدا تا انتها بنویسد، خوب است، و صاحبش را که به واسطهٔ او مسلمان به شمار می‌آید نه از اهل جاهلیت ذکر کند، و این نوشته‌ها با تربت حسین (علیه‌السلام) نوشته شود و اگر موجود نبود، با انگشت انجام شود.^۴ در

۱. نوعی پارچهٔ یمانی بلند که میت را کاملاً می‌پوشاند. (مترجم)

۲. ذراع: طول آرنج تا نوک انگشت دست. (مترجم)

۳. که دور میت پیچیده می‌شود. (مترجم)

۴. و نوشتن دعای جوشن روی کفن با زعفران مستحب است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارة، ص ۷۹)

صورت نداشتن حبره، از پارچه دیگری استفاده شود. برای بستن کفن، از خود کفن ریسمان و بند درست کنند. نباید بندهای کفن با آب دهان آغشته شود. همراه میت دو شاخه نخل قرار دهند و اگر نبود، از درخت سدر و اگر نبود، از بید و اگر نبود، از درخت سبز دیگری قرار دهند؛ به این صورت که در سمت راست مُرده، شاخه را به تَرَقْوَه بچسباند، طوری که با پوست بدن میت تماس داشته باشد و دیگری را در سمت چپ بین قمیص و ازار قرار دهد. مستحب است کافور را با دست خُرد کند و باقی مانده کافور از محل سجده هایش را بعد از حنوط روی سینه میت قرار دهد. مستحب است قسمت چپ لفافه را به طرف راست و سمت راستش را به طرف چپ بپیچند.

مکروه است:

کفن از کتان باشد و برای کفن آستین درست شود،^۱ یا با رنگ مشکی چیزی روی کفن بنویسد. و [مکروه است] در گوش و چشم مرده کافور بریزد.

مسائل سه گانه:

اول: اگر از میت بعد از کفن نجاستی خارج شود، در صورتی که با بدن یا کفن تماس یافت، باید با آب شسته شود، و اگر بعد از گذاشتن میت در قبر از او نجاست خارج شود، کافی است همان قسمت نجس شده را برش دهد.

دوم: کفن زن بر عهده شوهر است، حتی اگر زن اموالی داشته باشد. اما بر مرد بیش از واجبات کفن لازم نیست. کفن مرد نیز باید از اصل مال او قبل از دادن بدهی ها و وصیت هایش برداشته شود. اگر مرده کفنی نداشته باشد، نمی توان او را به صورت عریان دفن کرد و بر مسلمانان واجب است برای او کفن

۱. و این کراهت مختص کفنی است که تازه برای او درست کرده اند و اگر مثلاً او را در لباس خودش که دارای آستین است کفن کنند، کراهت ندارد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۸۰)

تهیه کنند. و مستحب است سدر و کافور و نیز سایر چیزهایی را که نیاز دارد تهیه کنند.

سوم: اگر مو یا چیزی از بدن میت بیفتد، واجب است همراه میت در کفنش گذاشته شود.

چهارم: احکام دفن کردن و در خاک قرار دادن^۱

این کار مقدماتی دارد که همه سنت هستند:

تشییع کنندگان پشت جنازه یا کنار آن حرکت کنند. میت را چهار نفر از چهارسو بلند کنند؛ و از سمت راست جلوی جنازه آغاز کند و سپس از پشت جنازه به سمت چپ جنازه برود.^۲ سایر مؤمنان را از مرگ مؤمن باخبر کنند، و کسی که جنازه را می بیند بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ» «سپاس خداوند را که مرا جزو سیاهی نابودشده قرار نداد». میت مرد را هنگام رسیدن به قبر، سمت پایین پای قبر بر زمین بگذارند و زن را در جانب قبله بگذارند و جنازه را در سه مرحله وارد قبر کنند. مرد را از سمت سر وارد قبر کنند و زن را از عرض بدن، و کسی که جنازه را در قبر تحویل می گیرد پابرهنه و سربرهنه باشد و دکمه هایش را باز کند.

مکروه است: این کار را یکی از نزدیکان میت انجام دهد، مگر این که مرده زن باشد،

۱. چهارمین واجب، نماز میت است که در کتاب نماز توضیح داده می شود. (مترجم)

۲. یعنی جنازه تختی با چهار طرف داشته باشد و چهار مرد وی را به دوش بکشند، و آن چهار مرد، یا دیگران، به تناوب، وی را از چهار جهت دست به دست کنند. مستحب است ابتدا از سمت راست جلوی تخت اقدام به حمل میت کند. پس از این که جلوی راست تخت را به دوش گرفت، به عقب می رود تا سمت راست پشت تخت را به دوش بگیرد، و سپس سمت چپ پشت تخت را حمل می کند، و در نهایت، سمت چپ جلوی تخت را به دوش می گیرد. (شرح شرائع الإسلام، ج ۱، کتاب طهارت)

که [در این صورت] همسر یا یکی از محارم او جنازه‌اش را وارد قبر می‌کند. مستحب است هنگام گذاشتن میت در قبر دعا کند.

دفن کردن دارای واجبات و سنت‌هایی است.

واجبات تدفین:

میت را در صورت امکان در زمین خاک کنند. اگر در دریا بود و نمی‌شد او را به خشکی رساند، یا باید مرده را سنگین کرد یا او را در ظرفی مناسب و سنگین گذاشت و آن را به دریا انداخت. میت را رو به قبله و بر پهلوی راست بخواباند، مگر این که میت زنی غیرمسلمان باشد که از مسلمانی باردار شده باشد و بمیرد، که در این صورت باید پشت به قبله در قبر گذارده شود.^۱

مستحب است:

عمق قبر به اندازه قد یک انسان یا تا شانه او باشد و برای قبر از جانب قبله لحد قرار دهد. گره‌های کفن را از طرف سر و پاهایش باز کند و همراه با او مقداری از تربت حسین (علیه السلام) قرار دهد و او را تلقین دهد و برایش دعا کند.^۲ سپس روی لحد میت را با خشت گلی ببندد و گل بگیرد. از سمت پایین قبر از قبر خارج شود، و حاضران درحالی که با پشت دست‌ها خاک را در قبر بریزند، بگویند: «إنا لله وإنا إليه راجعون». قبر را به ارتفاع چهار انگشت از سطح زمین بالا بیاورند^۳ و خاک اطراف قبر را به صورت چهارگوش دریاورند و از

۱. تا جنین رو به قبله قرار گیرد. (مترجم)

۲. امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «هنگامی که میت را در قبر قرار دادی بگو: بسم الله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله؛ و آیت الکرسی را بخوان و با دستت به شانه راست او بزنی و بگو: ای فلانی، بگو رَضِیتُ بالله ربّاً و بالاسلام دیناً و بِمُحَمَّدٍ رسولاً و بِعَلِیٍّ إماماً؛ و امام زمانش را نام ببر.» (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۸۶)

۳. بلند کردن ارتفاع قبر بیش از این مقدار مکروه است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت،

سمت سر میّت شروع به آب ریختن کنند و دور تا دور قبر را آب بریزند و اگر چیزی از آب باقی ماند، بر وسط قبر بریزند. دست روی قبر بگذارند و برای مرده طلب رحمت کنند. و ولیّ میّت بعد از رفتن مردم از کنار قبر با بلندترین صدا دوباره او را تلقین دهد.

تسلّیت گفتن مستحب است، و چه قبل از تدفین و چه بعد از آن جایز است، و کمترین مقدار آن این است که صاحب عزا او را ببیند.^۱

مکروه است:

قبر را با ساج^۲ فرش کنند، مگر در صورت ضرورت. نزدیکان میّت هنگام دفن خاک را روی جنازه بریزند. تجدید بنای قبر و گچ کاری و دفن دو مرده در یک قبر و منتقل کردن مرده از شهری به شهر دیگر مکروه است، مگر به یکی از مشاهد مشرفه.^۳ تکیه دادن به قبر یا عبور از روی قبر مکروه است.

پنجم: ملحقات تدفین

چهار مسئله:

اول: نبش قبر و منتقل کردن میّت بعد از دفن^۴ و گریبان چاک کردن در مرگ

ص ۸۶)

۱. پوشیدن لباس سیاه اشکالی ندارد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۸۸)

۲. نوعی چوب. (مترجم)

۳. مثل وادی السلام نجف یا بقیع در مدینه، یا برای دفن در نزدیکی ضریح معصومین (علیهم السلام). (شرح شرائع الاسلام،

ج ۱، کتاب طهارت)

۴. تشریح جنازه میّت حرام است، مگر این که شک داشته باشند دارای مرضی بوده که مؤمنان را تهدید می کند.

تشریح جنازه برای آموزش بدون اجازه ولیّ میت حرام است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول،

طهارت، ص ۸۷)

بر غیر از پدر و برادر جایز نیست.^۱

دوم: شهید با لباس هایش دفن می‌شود، ولی پوستین و کفش‌های او، چه به خون آغشته باشد و چه نباشد، باید از او جدا شود و فرقی نمی‌کند شهید به چه وسیله‌ای کشته شده باشد.

سوم: کودک و دیوانه اگر شهید شوند، حکم [شهید] بالغ عاقل را دارند.

چهارم: اگر جنین در شکم مادر بمیرد، باید [شکم] او را شکافت و آن را خارج کرد. اگر زن باردار بمیرد ولی جنین زنده باشد، باید سمت چپ شکم زن را شکافت و بعد از خارج کردن جنین، محل شکاف دوخته شود.^۲

غسل‌های مستحب

غسل‌های مستحب که سی غسل هستند:

هفده غسل برای زمان‌های خاص هستند:

غسل روز جمعه

وقت آن از طلوع فجر (اذان صبح) تا زوال خورشید^۳ (اذان ظهر) است و هرچه به

۱. نوحه‌سرایی و لطمه زدن اشکال ندارد. و قرمز شدن سینه یا صورت به سبب آن اگر دارای ضرر اذیت‌کننده نباشد، اشکال ندارد. اما برخی افعال خاص، مثل این که مرد در سوگ مرگ پسر یا همسرش پیراهنش را پاره کند، یا زن صورتش را ناخن بکشد و موهایش را بکند، اشکال دارد و کسی که آن‌ها را انجام دهد باید کفاره بدهد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۸۸)

۲. اهدای عضو از انسان زنده به انسان زنده جایز است، ولی فروختنش حرام است. همچنین اهدای عضو از مُرده به زنده با اجازه ولی میت مؤمن (اگر پدر یا مادر یا پسر یا دختر میت باشد) جایز است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۸۹)

۳. اذان ظهر. (مترجم)

۴. زن حائض نیز می‌تواند این غسل را انجام دهد و از ثواب آن مانند ذکر خدا بهره ببرد. (احکام الشریعة بین

زوال نزدیکتر باشد بهتر است. می‌توان به سبب ترس از نداشتن آب، در روز پنج‌شنبه نیز این غسل را انجام داد، یا تا بعد از زوال جمعه آن را به تأخیر انداخت؛ و قضای آن شنبه به جا آورده می‌شود.^۱

شش غسل در ماه رمضان

شب اول و شب نیمه ماه، شب هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه، و شب عید فطر.

روز عید فطر و قربان، روز عرفه، شب نیمه ماه رجب، روز بیست و هفتم ماه رجب، شب نیمه ماه شعبان، روز غدیر، روز مباهله و روز ترویبه.^۲

هشت غسل که به سبب انجام برخی از اعمال مستحب می‌شوند

غسل احرام و غسل زیارت پیامبر (ص) و ائمه (علیهم‌السلام)، غسل کسی که بخواهد نماز کسوف (و آیات) را قضا کند در صورتی که در انجام به موقع آن کوتاهی کرده باشد، غسل توبه^۳ چه از گناه^۴ باشد چه از کفر، غسل نماز حاجت، نماز استخاره و نماز طلب باران.

پنج غسل هم به دلیل حضور در مکانی خاص مستحب می‌شود: غسل وارد شدن به

السائل والمجیب، جزء اول، طهارة، ص ۹۰)

۱. تمام غسل‌های مستحبی به جای وضو کفایت می‌کنند، حتی غسل جمعه‌ای که پیش از وقت یا بعد از آن در روز شنبه انجام شود. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارة، ص ۹۰)

۲. هشتم ذی حجه. (مترجم)

۳. البته هرکسی که به حق ایمان می‌آورد واجب است - به نیت توبه - غسل کند. در بقیه موارد، غسل توبه مستحب است. کسی که در حال حیض ایمان می‌آورد می‌تواند در همان حال غسل کند، گرچه بعد از پاک شدن غسل را تکرار کند یا همراه با غسل حیض آن را نیز در نیت داشته باشد بهتر است. اگر کسی ایمان بیاورد و غسل توبه را به جا نیاورده باشد، عباداتش صحیح است، ولی واجب است آن را به جا آورد. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارة، ص ۹۱)

۴. فسق.

محدوده حرم، ورود به مسجدالحرام، کعبه، مدینه و مسجدالنبی ﷺ.

چهار مسئله:

اول: غسلی که به دلیل اعمال و مکان‌های خاص مستحب می‌شود، مقدم بر آن دو هستند [و قبل از آن‌ها انجام می‌شوند]؛ و غسلی که به سبب زمان خاص مستحب می‌شود، بعد از وارد شدن در آن وقت انجام می‌شود.

دوم: اگر چند غسل مستحب با هم جمع شوند، فقط یک غسل به قصد قربت کفایت می‌کند.

سوم و چهارم: کسی که به طور عمدی برود شخصی را که سه روز از به دار آویخته شدنش گذشته است تماشا کند مستحب است غسل کند. غسل دادن نوزاد مستحب است.

♥ تمام این غسل‌ها جایگزین وضو نیز هستند. بهتر است هنگام غسل و بعد از آن اسم خدا را یاد کند و بگوید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد الأئمة و المهدیین الطّیّبین الطّاهرین و طهرّ قلبی مِنَ الشَّکِّ و الشُّرک و الظُّلْمَةِ و الخبائث» «خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، آن امامان و مهدیون پاک پاکیزه؛ و قلب مرا از شک و شرک و تاریکی و پلیدی‌ها پاک گردان.»

* * *

بخش سوم: طهارت با خاک

این بخش شامل چهار مبحث است:

مبحث اول: جاهایی که تیمم صحیح است

عبارت‌اند از:

اول: نبود آب

در این صورت، واجب است اگر زمین هموار باشد، در هر کدام از چهار جهت هزار متر، و اگر زمین ناهموار باشد، پانصد متر به دنبال آب بگردد. اگر در جست‌وجوی آب کوتاهی کند تا وقت نماز تنگ شود، خطا کرده، ولی تیمم و نمازش صحیح است؛ و فرقی نمی‌کند آب اصلاً موجود نباشد یا مقدار آب برای طهارت کافی نباشد.

دوم: دسترسی نداشتن به آب

هرکس برای خرید آب پول نداشته باشد مانند کسی است که به آب دسترسی ندارد. اگر آب به قیمتی یافت شود که در حال حاضر به ضرر او باشد، نیز به همین صورت خواهد بود. اما اگر تهیه آب برایش ضرر نداشته باشد، باید آن را بخرد، حتی اگر قیمت آن چند برابر قیمت معمولش باشد. این حکم درباره وسایل استخراج آب نیز برقرار است.

سوم: ترس

در جایز بودن تیمم به دلیل ترس، فرقی میان ترس از دزد یا حیوان درنده یا نابود شدن مال نیست. همچنین ترس از بیماری شدید یا ترک خوردن و التهاب پوست به سبب سرمای شدید آب، تیمم را مجاز می‌کند. اگر فقط مقداری آب برای نوشیدن به همراه داشته باشد و در صورت استفاده از آب برای طهارت از تشنه ماندن بترسد نیز تیمم جایز است.

مبحث دوم: آنچه تیمم بر آن صحیح است

هر چیزی که اسم زمین بر آن اطلاق شود. تیمم با مواد معدنی، خاکستر، گیاهانِ پودر شده - مانند اشنان و آرد - جایز نیست.

تیمم با [خاک] زمین نوره،^۱ گچ، خاک قبر و خاکی که برای تیمم استفاده شده جایز است. تیمم بر خاک غصبی و نجس صحیح نیست. همچنین در صورت وجود خاک، تیمم با گل^۲ صحیح نیست. در صورتی که خاک با مواد معدنی مخلوط شده باشد، اگر خاک غالب باشد، جایز است، وگرنه جایز نیست.

تیمم بر شوره زار و شن زار مکروه است. مستحب است بر بلندی‌های زمین تیمم کند. در صورت نبود خاک، می‌تواند بر غبار لباس یا خاک جلوی زین اسب، یا غبار روی یال مرکبش تیمم کند، و در صورت نبود این‌ها می‌توان بر گل تیمم کرد.^۳

مبحث سوم: چگونگی تیمم

تیمم قبل از داخل شدن در وقت، صحیح نیست و با تنگ شدن وقت صحیح است، و با وجود زیاد بودن وقت صحیح نخواهد بود، مگر در حالتی که از طهارت با آب ناامید شده باشد، مثل بیماری که آب برایش ضرر دارد.

واجبات تیمم:

نیت^۴ و تدوام آن تا پایان انجام عمل، و ترتیب یعنی باید دست‌ها را روی زمین بگذارد،

۱. در زبان عامیانه (موتر) یا داروی نظافت نیز نامیده می‌شود. (مترجم)

۲. با خاکی که اندکی قطره‌های آب روی آن ریخته شده باشد می‌شود تیمم کرد و خشک بودن آن شرط نیست.

(احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۹۴)

۳. در شرایط اضطرار، بر کاشی که غباری روی آن نیست می‌توان تیمم کرد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۹۵)

۴. در نیت باید توجه داشته باشد تیمم بدل از وضو یا غسل انجام می‌دهد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب،

سپس دست‌ها را از محل رویش موی پیشانی تا بالای بینی روی صورتش بکشد، سپس دوباره دست‌ها را روی زمین بگذارد و پشت دست‌ها را با خاک مسح کند.

هم در تیمم بدل از وضو و هم در تیمم بدل از غسل، باید دو بار دست‌ها را به زمین بزند، یکی برای مسح صورت و یکی برای مسح دست‌ها. اگر دست‌هایش از میچ قطع شده باشد، مسح دست‌ها ساقط می‌شود و باید فقط پیشانی را مسح کند، ولی اگر مقداری از دست قطع شده باشد، باید باقی‌مانده دست را مسح کند.

اعضایی که باید در تیمم مسح شوند باید به‌طور کامل مسح شوند، در غیر این صورت تیمم صحیح نیست.

مستحبات تیمم:

دست‌ها را بعد از زدن به زمین بتکاند. اگر تیمم کند و روی بدنش نجاستی باشد،^۱ تیمم صحیح است، همان‌گونه که اگر وضو بگیرد و روی بدنش نجاستی باشد، وضو صحیح است. اما در تیمم، تنگی وقت باید در نظر گرفته شود.^۲

مبحث چهارم: احکام تیمم

که ده تاست:

اول: کسی که با تیمم نماز بخواند لازم نیست نمازش را تکرار کند، چه در شهر خودش باشد و چه در سفر باشد.

جزء اول، طهارت، ص ۹۵)

۱. در تیمم، طهارت اعضای تیمم (پیشانی و دست‌ها) شرط است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۹۶)

۲. به این معنی که در صحت تیمم شرط است وقت تنگ باشد یا بعد از داخل شدن وقت نماز از یافتن آب تا انتهای وقت ناامید باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۹۶)

دوم: جست و جوی آب بر او واجب است؛ اگر در جست و جوی آب کوتاهی کند و با تیمم نماز بخواند بعد نزد خودش یا همراهانش آب بیابد، باید وضو بگیرد و نمازش را دوباره بخواند.

سوم: اگر به خاطر در بند یا زندانی بودن در مکانی نجس، به آب یا چیزی که بر آن تیمم صحیح باشد دسترسی نداشت، نماز واجب از وی ساقط می شود، چه ادا باشد و چه قضا، و به جای آن باید در وقت نماز واجب دعا کند.

چهارم: اگر فرد قبل از ورود به نماز آب بیابد، باید وضو بگیرد و اگر بعد از اتمام نماز آب بیابد، لازم نیست نماز را دوباره بخواند. اگر به نماز ایستاد و آب یافت، اگر توانست بدون قطع نماز وضو بگیرد، باید این کار را انجام دهد و نماز را کامل کند، اما اگر نتوانست، باید نماز را با همان تیمم به پایان برساند، حتی اگر فقط تکبیره الاحرام را گفته باشد.^۱

پنجم: هرآنچه با طهارت با آب مجاز می شود، با تیمم نیز مجاز می گردد.

ششم: اگر یک میّت و کسی که حدّی از او سر زده و کسی که جنب شده است در جایی با هم باشند و آب موجود فقط یکی از آنها را کفایت کند، اگر آب متعلق به یکی از آنها باشد، به او اختصاص می یابد، اما اگر آب متعلق به همه آنها باشد یا مالکی نداشته باشد یا مالکش آن را بخشیده باشد، بهتر است آب را به میّت اختصاص دهند.

۱. اگر کسی با این گمان که زمان کافی برای غسل و نماز ندارد تیمم کند، و نمازش را بخواند و بعد بفهمد برای آن وقت داشته است غسل می کند و دوباره نماز را می خواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۹۸)

هفتم: شخص جُنُب اگر به جای غسل تیمّم کند، سپس حدث اصغر^۱ از او سر بزند، اگر نتواند وضو بگیرد، باید به جای وضو تیمّم کند.

هشتم: اگر فرد بتواند از آب استفاده کند، تیمّمش باطل می شود و اگر بعد از آن آب را از دست دهد، نیاز دارد مجدداً تیمّم کند. با تمام شدن وقت تا زمانی که از فرد حدّی سر نزند یا تا زمانی که آب نیافته باشد، تیمّمش باقی خواهد بود.

نهم: اگر کسی بعضی از اعضایش بیمار باشد و نتواند آن ها را با آب بشوید یا مسح کند، می تواند تیمّم کند و صحیح نیست بخشی از وضو و بخشی از تیمّم را به جا آورد.

دهم: می توان برای نماز میّت با وجود آب به نیت استحباب تیمّم کرد، ولی اقامه نمازهای دیگر با این تیمّم ممکن نیست.

* * *

۱. کاری که وضو را باطل می کند. (مترجم)

بخش چهارم: نجاسات و احکام آن‌ها

سخنی درباره نجاسات:

نجاسات ده نوع است:

اول و دوم: ادرار و مدفوع^۱

ادرار و مدفوع هر حرام‌گوشتی که خون جهنده دارد، نجس است و فرقی نمی‌کند ذاتاً حرام‌گوشت باشد - مانند شیر - یا این صفت بر او عارض شده باشد - مانند حیوان نجاست‌خوار -. فضله و ادرار حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است.

سوم: منی

منی همه حیوانات^۲ نجس است - چه حلال‌گوشت باشد و چه حرام‌گوشت - و منی حیوانی که خون جهنده ندارد^۳ پاک است.

چهارم: مُردار

فقط مردار هر موجودی که خون جهنده دارد نجس است و هر عضوی از حیوانی که مردارش نجس باشد قطع شود، چه حیوان زنده باشد و چه مرده، آن عضو نجس خواهد بود.^۴ عضوی که دارای روح نیست، مانند استخوان و مو، پاک است، مگر آن‌که عین نجاست باشد، مثل سگ و خوک و کافر.

۱. بول مصنوعی که در آزمایشگاه‌ها ساخته می‌شود، نجس نیست. (احکام‌الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارة، ص ۱۰۰)

۲. مقصود همه حیواناتی است که خون جهنده دارند، مثل انسان و قاطر و ... (مترجم)

۳. مثل ماهی و افعی و ... (مترجم)

۴. و قطعه‌های کوچک پوست مانند پوست اطراف ناخن یا غیر آن که گاهی به دلیل زخم یا علتی دیگر از انسان زنده کننده می‌شود، پاک است. (احکام‌الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارة، ص ۱۰۲)

کسی که بدن مرده انسان را قبل از تطهیر و بعد از سرد شدن بر اثر مرگ لمس کند غسل بر او واجب می شود. همچنین اگر به عضوی از او که دارای استخوان است دست بزنند، غسل بر او واجب می شود. کسی که با دست مرطوب، قطعه ای را که در آن استخوان نباشد، یا مرداری را که خون جهنده داشته باشد و انسان نباشد لمس کند واجب است دستش را بشوید.^۱

پنجم: خون

تنها خون حیواناتی که دارای رگ هستند نجس است، اما حیوانی که خون جهنده نداشته باشد، مانند ماهی و شبیه آن، خونس نجس نیست.^۲

ششم و هفتم: سگ و خوک

هم بدن و هم آب دهان سگ و خوک نجس است. اگر سگ با حیوان دیگری آمیزش کند، برای این که مشخص شود بچه به وجود آمده احکام سگ را دارد یا خیر، باید به

۱. غسل بر او واجب نمی شود و شستن دست کفایت می کند. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۰۲)

۲. اگر خون خشک و رنگش سیاه شود، باز هم نجس است، ولی اگر استحالہ شود و هم رنگ پوست شود، یعنی تبدیل به آن شود، نجس نیست.

خونی که در دهان یا گوش یا بینی باشد نیز نجس است و بلعیدن خونی که در دهان وجود دارد جایز نیست و می توان دهان را با آب یا بدون آب (با بیرون انداختن خون از دهان به گونه ای که اثر باقی مانده از خون در آب دهان مستهلک شود) تطهیر کرد.

همچنین خونی که در تخم مرغ یا در تخم هر حیوان دارای خون جهنده وجود دارد نجس است و خوردنش حرام است.

اگر کافر یا ناصبی، تبرعاً و به طور مجانی، به مسلمان خون بدهد، اشکالی ندارد.

رنگی که بعد از تطهیر خون یا مدفوع روی لباس باقی می ماند نجس نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۰۲)

اطلاق اسم او مراجعه شود.^۱ غیر از این دو حیوان سایر حیوانات نجس نیستند. روباه و خرگوش و موش و مارمولک، همه پاک‌اند. آب قلیلی که موش یا موش صحرایی یا مارمولک در آن افتاده باشد، و آب قلیلی که مارمولک یا عقرب یا مار در آن مرده باشد، برای خوردن و طهارت استفاده نمی‌شود.

هشتم: مُسکرات

همه مایعاتِ مست‌کننده^۲ نجس هستند.^۳

آب انگور اگر بجوشد و غلیظ شود حتی اگر مست‌کننده نباشد، نجس است^۴ و با از بین رفتن دوسوم آن بر اثر جوشیدن پاک می‌شود.

نهم: فقاع^۵

۱. یعنی اگر به او سگ گفته می‌شود نجس است، وگرنه نجس نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۰۳)

۲. اما جامدات مانند حشیش، نجس نیستند، گرچه حرام‌اند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۰۳)

۳. استفاده از مسکرات برای استفاده‌های پزشکی و صنعتی جایز است و چون در این حالت به نیت استفاده در پزشکی یا صنعت ساخته شده است، نجس نیستند. همچنین استفاده از الکل برای استفاده‌های پزشکی یا صنعتی یا استفاده در کرم و عطر اشکالی ندارد و نجس نیست. اگر پزشک دارویی تجویز کند که در آن درصدی الکل صنعتی وجود دارد و خوردنش اگر مست‌کننده نباشد و الکل از آن چیزی که اهل فسق برای مست شدن می‌خورند نباشد، اشکالی ندارد. استفاده از مقدار کمی مواد مخدر برای ساخت دارو و همچنین خوردن آن برای بیمار طبق تجویز و دستور پزشک - با توجه به مقدار و تعداد دفعات مصرف - جایز است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۰۵)

۴. اما بخار آن پاک است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۰۴)

۵. آب‌جو: نوعی نوشیدنی است که از جو گرفته می‌شود و حرام و نجس است.

ماء‌الشعیر یا آب‌جویی که اکنون موجود است، اگر قبل از تخمیر شدن، خیساندن جو تمام شده باشد و جو را از آب

دهم: کافر

قاعده‌اش از نظر نجس بودن به شرح زیر است:

هرکسی که وجود خداوند را انکار کند (نه این که موضع ندانم‌گرایی اتخاذ کرده باشد) نجس است. فرد ناصبی که دشمن یکی از امامان یا مهدیون (علیه السلام) یا شیعیانشان - از آن رو که شیعه آن‌ها هستند - باشد نیز همین حکم را دارد. سایر مردم به خودی خود نجس نیستند و تنها نجاست بر آن‌ها عارض می‌شود^۱ و در ظاهر به پاک بودنشان حکم می‌شود. و در نتیجه، در صورتی که با وجود رطوبتی که سرایت داده می‌شود لمس شوند، حکم به پاک بودن می‌شود و به پاک بودن خوردن از غذایشان نیز حکم می‌شود، مگر آنچه که باید تذکیر شرعی^۲ شود یا آنچه از اصل و اساس خوردنش حرام باشد.

مکروهات^۳

ادار قاطر و الاغ و جانداران اهلی، و عرق فرد جُنُب از حرام^۴ و عرق شتر نجاست‌خوار و حیوانات مسخ‌شده^۵ و فضلۀ مرغ مکروه هستند.

احکام نجاست

واجب است قبل از نماز و طواف و وارد شدن به مساجد، نجاست از لباس و بدن

خارج کرده باشند، حلال است، وگرنه نجس و حرام است و نمی‌توان به این دلیل که در کشور اسلامی ساخته شده

است به حلال بودنش حکم کرد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۰۵)

۱. ممکن است به طریقی بدنشان نجس شود. (مترجم)

۲. ذبح. (مترجم)

۳. مکروه در اینجا یعنی بهتر است از این چیزها اجتناب شود، هرچند نجس نیستند. (مترجم)

۴. جنب از حرام به فردی اطلاق می‌شود که بر اثر انجام کاری حرام جنب شده باشد. (مترجم)

۵. میمون و فیل. (مترجم)

برطرف شود. همچنین قبل از استعمال ظروف، واجب است نجاست از آن‌ها زایل گردد.
 درباره لباس و بدن، آنچه اجتناب از آن ممکن نباشد - مانند خون زخمی که بند نمی‌آید - حتی اگر زیاد باشد، بخشیده شده است.^۱ همچنین اگر قطر لکه خون کمتر از یک سانتی‌متر باشد، تطهیرش لازم نیست (البته اگر از خون‌های سه‌گانه^۲ نباشد) و تطهیر بیش از این مقدار خون واجب است و فرقی نمی‌کند در یک جا جمع شده باشد یا پراکنده باشد.

اگر در لباسی که با آن به‌تنهایی نمی‌شود نماز خواند^۳ نجاستی باشد که در غیر آن لباس بخشیده شده نیست،^۴ نماز با آن جایز است.

در شستن محل نجاست، باید لباس را فشرده تا تمام نجاست از آن جدا گردد،^۵ مگر برای ادرار پسریجه شیرخوار، که تنها ریختن آب روی آن کفایت می‌کند. هنگامی که محل نجاست معلوم باشد، باید شسته شود و هنگامی که محل نجاست معلوم نباشد، هرجایی که احتمال داده شود نجس است باید شسته شود.

لباس و بدن برای پاک شدن از ادرار باید دو بار با آب شسته شود.

اگر لباس انسان درحالی که مرطوب است با بدن کافر یا سگ یا خوک تماس پیدا کند، شستن محل تماس واجب است و اگر خشک بود، پاشیدن آب روی محل تماس مستحب

۱. تطهیرش واجب نیست. (مترجم)

۲. حیض، نفاس، استحاضه. (مترجم)

۳. مانند دستکش، جوراب، عرقچین و ... (مترجم)

۴. مثلاً بیش از یک سانتی‌متر خون یا چیزی غیر از خون باشد. (مترجم)

۵. اگر این فشار دادن در آب نیز انجام شود، کفایت می‌کند. همچنین در ماشین‌های لباسشویی که با گرداندن آب از لباس خارج می‌شود نیازی به دخالت دست نیست و لباس‌ها با چرخش ماشین لباسشویی و درحالی‌که شیر آب داخل آن باز است پاک می‌شوند. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۰۸)

است؛ و اگر بدن انسان درحالی که مرطوب است با بدن کافر یا سگ یا خوک تماس حاصل کند، باید شسته شود.

اگر نمازگزار در پاک کردن نجاست از لباس یا بدن خود کوتاهی کند [و نماز بخواند]، چه در وقت نماز و چه در خارج از وقت [به یاد آورد لباس یا بدنش نجس بوده است]، باید نماز را تکرار کند. اما اگر قبل از نماز نمی دانسته لباسش نجس شده است و نماز بخواند و بعداً بفهمد قبل از نماز لباسش نجس بوده است، لازم نیست نمازش را دوباره بخواند، چه در وقت بفهمد و چه در خارج از وقت. اگر در حال نماز خواندن نجاستی را در لباسش مشاهده کرد، اگر می تواند آن لباس را بیرون بیاورد و عورتش را با لباس دیگر بپوشاند، باید لباس را درآورد و نماز را تمام کند و اگر جز با بطل کردن نماز نمی تواند لباس را در بیاورد، نماز را از ابتدا بخواند.

زنی که از نوزادی مراقبت می کند اگر فقط یک لباس داشته باشد، باید هر روز یک بار آن لباس را آب بکشد، و اگر این کار را قبل از نماز ظهر انجام بدهد بهتر است تا بتواند نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را با لباس پاک بخواند.

اگر نمازگزار دو لباس دارد که یکی از آنها نجس است، اما نمی داند کدام لباس نجس و کدام یک پاک است، با هر کدام از آن دو، یک بار نماز را بخواند.^۱

اگر لباس های فراوانی داشته باشد که همه نجس و فقط یکی پاک باشد و نداند کدام یک پاک است، باید با هر کدام جداگانه نماز بخواند، مگر هنگام تنگی وقت که در این حال (اگر در آن محل کسی غیر از او نباشد) باید عریان نماز بخواند و اگر این کار ممکن نباشد، با همان لباس نجس نماز بخواند و لازم نیست نماز را تکرار کند.

۱. مثلاً یک بار نماز ظهر را با این لباس می خواند و دوباره همان نماز ظهر را با لباس دیگر تکرار می کند. (مترجم)

تاییدن خورشید^۱ باعث طهارت ادرار و دیگر نجاسات از روی زمین و لوله‌ها و حصیرها می‌شود، همچنین چیزی که انتقالش ممکن نیست، مانند درختان و ساختمان، که به شرط از بین رفتن عین نجاست با تابش خورشید پاک می‌شود. بهتر است روی موضع ادرار آب ریخته شود، سپس زمانی که خورشید به آن بتابد و خشکش کند پاک می‌شود.

آتش آنچه را که استحاله می‌کند^۲ پاک می‌کند.

خاک، کف کفش و لایه زیرین پا و دمپایی را پاک می‌کند؛ و قسمت‌هایی از زمین، قسمت‌های دیگر را پاک می‌کند. آب باران در حال بارش و نیز در حال جریان از ناودان و شبیه آن نجس نمی‌شود، مگر این‌که در اثر نجاست تغییر کند.

آبی که با آن نجاست شسته می‌شود نجس است،^۳ چه در شستن بار اول باشد و چه در بار دوم، و فرقی نمی‌کند به نجاست آلوده شده باشد یا نه. این در حالتی است که عین نجاست روی شیء شسته‌شده باقی مانده باشد، اما اگر نجاستی روی آن باقی نمانده باشد، آب باقی‌مانده از شست‌وشو پاک خواهد بود؛ حکم آب باقی‌مانده هنگام شستن ظروف نیز به همین صورت است.^۴

۲. انعکاس نور خورشید به وسیله آینه یا از پشت پنجره نیز کفایت می‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۱۱)

۲. یعنی آن شیء را تبدیل به شیء دیگری می‌کند. (مترجم)

۳. این آب نجس است، اما نجس‌کننده نیست، مگر این‌که اوصاف نجاست را داشته باشد. پس با تلاقی با چیزهای دیگر (مثلاً آبی که در حین شستن روی لباس یا بدن یا چیز دیگری می‌ریزد) آن‌ها را نجس نمی‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۱۰)

۳. چند نکته:

- ★ اگر انسان، لباس یا چیزی را که متعلق به دیگری است نجس کند، واجب است به او اطلاع دهد.
- ★ حشراتی که از محل‌های نجس خارج می‌شوند اگر به‌صورت ظاهری دارای نجاست نباشند، نجس نیستند.
- ★ اگر شیء متنجس (نجس‌شده) با چیز دیگری برخورد کند، آن را نجس نمی‌کند، مگر این‌که اوصاف نجاست را

به آن انتقال دهد.

★ اگر بخواهیم فرش یا لباس یا چیزی شبیه آن را از نجاستی تطهیر کنیم:

- با آب قلیل: باید دو بار شسته شود، یک بار برای برطرف کردن عین نجاست و بار دوم برای تطهیر.
- با آب جاری: ریختن آب بر روی موضع نجس به گونه‌ای که عین نجاست و اوصافش برطرف شود و آب غلبه کند کافی است.

★ اگر بخواهیم فرش یا موکتی را که به زمین چسبیده است و همچنین زمین کف خانه را از نجاست پاک کنیم:

- با آب قلیل: همان گونه که گفتیم باید دو بار شسته شود. بار اول بر روی موضع نجس، آب می‌ریزیم تا این که آب بر آن غلبه کند، سپس با یک قطعه پارچه یا اسفنج آب را برمی‌داریم. بار دوم آب را بر موضع نجس می‌ریزیم و بار دیگر آب را با قطعه‌ای اسفنج یا پارچه جمع می‌کنیم و این کار، شستن تطهیر است؛ و بعد از آن موضع پاک خواهد بود.

- با آب جاری: کافی است یک بار روی موضع نجس آب بریزیم، به گونه‌ای که آب بر اوصاف نجاست غلبه کند.

★ اگر اشیای ثابت، مانند در و پنجره خانه نجس شد، به شیوه زیر آن را تطهیر می‌کنیم:

- با آب قلیل: ابتدا اسفنجی را در آب پاک فرو می‌بریم تا از آب پر شود. سپس آن را روی موضع نجس می‌کشیم تا عین نجاست رفع شود. سپس بار دیگر اسفنج را با آب پاک شسته و آن را از آب پر می‌کنیم و بار دیگر روی موضع می‌کشیم که این مرتبه همان شستن تطهیر است و پس از آن، موضع پاک می‌شود.

- با آب جاری: بر موضع نجس روی در یا دیوار یا ... آب می‌ریزیم و دست می‌کشیم تا پاک شود. اگر آب جاری بر نجاست و اوصافش غلبه کند، پس آب باقی‌مانده پاک خواهد بود.

★ چیزی که با عین نجاست برخورد کرده باشد (متنجس) نجس است، ولی چیزهای دیگر در برخورد با آن نجس نمی‌شوند، مگر این که قسمتی از عین نجس به آن منتقل شده باشد یا اوصاف عین نجاست (رنگ یا بو یا طعم) بر اوصاف آن غلبه کرده باشد.

★ اگر نجاستی مانند فضله موش داخل دیگ برنج یا مثل آن یافت شود، اول باید در صورت امکان عین نجاست رفع شود؛ و سپس برنج را دو بار می‌شویم: یک بار برای رفع عین نجاست باقی‌مانده و بار دوم برای تطهیر.

★ پسایی که هنگام شستن نجاست بر روی لباس یا بدن انسان پاشیده می‌شود آن را نجس نمی‌کند، مگر این که عین نجاست در آن باشد یا اوصافش با عین نجاست تغییر کرده باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۰۹ و ۱۱۰)

احکام ظرف‌ها

خوردن و آشامیدن با ظروف طلا و نقره جایز نیست. استفاده از آن‌ها برای کاربردهای دیگر نیز جایز نیست. استفاده از ظرف نقره‌کوب برای خوردن و آشامیدن مکروه است، اما برای کاربردهای دیگر [مثلاً تزئین] استفاده از آن مجاز است. استفاده از ظرف‌های ساخته‌شده از دیگر فلزات یا معادن و جواهرات (غیر از طلا و نقره) اشکال ندارد، هرچند گران‌قیمت باشند. ظروف مورد استفاده کافران پاک است، مگر وقتی که از نجس بودنشان آگاه شود.

استفاده از پوست حیوانات صحیح نیست، مگر این‌که در حال حیات، پاک و طاهر باشند، و ذبح شرعی شده باشند.^۱

دوری کردن از استعمال پوست حیوانی که گوشتش خورده نمی‌شود مستحب است، مگر این‌که بعد از ذبح، دباغی شود.^۲

استفاده از ظرف‌های شراب - اگر قیراندود یا روغن‌اندود باشند - بعد از شستن اشکال ندارد. اما استعمال ظروف چوبی و سرامیکی و شیشه‌ای شراب که روغن‌اندود نشده باشد، مکروه است.

ظرفی که آب دهان سگ در آن باشد باید سه بار شسته شود و بار اول آن باید با خاک انجام شود. ظرفی که در آن شراب بوده یا موش صحرایی در آن مرده باشد، باید سه بار با آب شسته شود، ولی هفت بار بهتر است. درباره دیگر نجاسات، غیر از شستن عین

۱. نشستن بر مبلی که نمی‌داند رویه آن از چه پوستی است اشکالی ندارد، اما لمس آن با رطوبت موجب نجس شدن می‌شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۱۳)

۲. کیف، ساعت، کفش، کمر بند، کاپشن و ... که از پوست حیوانات ساخته شده است، اگر از کشورهای غیر اسلامی باشد، حکم مذکی را ندارد، مگر این‌که به ذبح شرعی آن یقین داشته باشیم. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۱۱۲)

نجاست، یک بار شستن کفایت می کند، اما سه بار بهتر است.

* * *

کتاب نماز^۱

که شامل چهار بخش است:

بخش اول: مقدمات هفت گانه نماز^۲

مقدمه اول: تعداد نمازها

نمازهای واجب نه تاست: نمازهای شبانه روز [نمازهای یومیّه]، نماز جمعه، نماز عید قربان و عید فطر،^۳ نماز کسوف، نماز زلزله، نماز آیات، نماز طواف، نماز میّت و نمازی که انسان با نذر و شبیه آن بر خودش واجب می کند؛ و نمازهای دیگر غیر از اینها مستحب هستند.

نمازهای پنج گانه یومیّه

در حَضَر،^۴ هفده رکعت است: نماز صبح دو رکعت، نماز مغرب سه رکعت، نماز ظهر و عصر و عشا، هر کدام چهار رکعت. در سفر، از هر نماز چهار رکعتی، دو رکعت کسر می شود.

نوافل نمازهای یومیّه

۱. کتاب نماز دارای چند فصل اصلی است: مقدمات نماز، افعال نماز، مبطلات نماز، سایر نمازها (غیریومیّه و نوافل)، شکیات نماز، نماز قضا، نماز جماعت، نماز خوف و مطارده، نماز مسافر. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۷)

۲. مقدمات نماز هفت تاست: تعداد نمازها، وقت نمازها، قبله، لباس نمازگزار، مکان نماز، آنچه سجده بر آن صحیح است، اذان و اقامه. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۸)

۳. همچنین نماز عید غدیر. (مترجم)

۴. وطن یا جایی که حکم وطن را دارد. (مترجم)

در حَضَر، سی و چهار رکعت است.^۱ قبل از نماز ظهر هشت رکعت،^۲ قبل از نماز عصر هشت رکعت، بعد از نماز مغرب چهار رکعت، بعد از نماز عشا دو رکعت نشسته که یک رکعت حساب می‌شود، و یازده رکعت نماز شب با احتساب دو رکعت شفع و [یک رکعت] وتر، و دو رکعت نافله قبل از نماز صبح.

در سفر، نوافل ظهر و عصر ساقط می‌شود؛ اما نماز وُتیره ساقط نمی‌شود.

همه نوافل دورکعتی هستند با تشهد و سلام، به جز آنچه درباره آن تصریح شده که کمتر یا بیشتر از دو رکعت است، مثل نماز وتر و نماز اعرابی.^۳ ان شاء الله تعالی توضیح سایر نمازها را در جای خودش بیان خواهیم کرد.

مقدمه دوم: وقت نمازها

بحث در زمینه محدوده زمانی، و احکام آن است:

۱. امام عسکری (علیه السلام) فرموده است: «علامات مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن، و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم.» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۸) (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۹)
۲. چهار نماز دورکعتی. (مترجم)

۳. روایت شده است مردی از اعراب بادیه‌نشین نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: "ای رسول خدا، پدر و مادرم به فدای شما، ما در این بیابان و دور از مدینه هستیم و نمی‌توانیم هر جمعه نزد شما بیاییم. عملی به من بیاموزید که فضیلت نمازجمعه را داشته باشد تا وقتی به سوی اهل و عیال برگشتم، به آنان خبر دهم." رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «زمانی که روز برآمد دو رکعت بخوان: در رکعت اول حمد را یک بار و سوره فلق را هفت مرتبه بخوان، و در رکعت دوم حمد را یک بار و سوره ناس را هفت مرتبه قرائت کن. وقتی سلام دادی، آیت الکرسی را هفت مرتبه بخوان، سپس برخیز و هشت رکعت نماز با دو سلام بگزار. و در هر رکعت از آن، حمد را یک بار و سوره نصر و توحید را بیست و پنج مرتبه قرائت کن. هرگاه از نمازت فارغ شدی هفتاد بار بگو: "سُبْحَانَ رَبِّ الْعَرْشِ الْکَرِیمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ." سوگند به کسی که مرا به پیامبری برگزید، هر زن و مرد مؤمنی که در روز جمعه این نماز را بخواند من برای او بهشت را ضمانت می‌کنم و قبل از این که از جایگاهش برخیزد گناهان خودش و پدر و مادرش بخشیده می‌شود.»
وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۷، ص ۳۶۹. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰)

اول [وقت نمازهای واجب یومیه]

وقت نماز ظهر و عصر از زوال آفتاب (هنگام ظهر) تا غروب خورشید است. وقت مخصوص نماز ظهر از آغاز زوال به اندازه خواندن آن^۱ است و وقت مخصوص نماز عصر به اندازه مدت زمان اقامه آن تا غروب است، و بین این دو زمان، وقت مشترک است.

با غروب خورشید، وقت نماز مغرب شروع می شود و از ابتدای غروب به مدت اقامه سه رکعت وقت مخصوص نماز مغرب است؛ پس از آن، وقت مشترک نماز مغرب و عشا در حالت اختیار تا نیمه شب است، ولی در حالت اضطرار تا طلوع فجر [اذان صبح] است، و زمان مخصوص نماز عشا به اندازه خواندن چهار رکعت تا رسیدن به آخر وقت خواهد بود.^۲ بین طلوع فجر دوم - فجر نمایان در افق - (اذان صبح) تا طلوع خورشید، وقت نماز صبح است.^۳

۱. یعنی اقامه چهار رکعت در حضر، یا دو رکعت در سفر. (مترجم)

۲. نیمه شب شرعی، وسط وقت بین غروب آفتاب و طلوع فجر (اذان صبح) است، مثلاً اگر غروب خورشید ساعت ۶ عصر باشد و اذان صبح ساعت ۵ باشد، فاصله مابین آن دو یازده ساعت می شود و نصف این مقدار - که پنج ساعت و نیم است - را به وقت غروب اضافه می کنیم (یعنی می شود ۵/۵+۶) و در نتیجه، نیمه شب می شود ساعت یازده و نیم. حال اگر کسی در حالت اختیار بود، وقت مختص نماز عشا او به اندازه خواندن یک نماز عشا تا نیمه شب شرعی خواهد بود. اما اگر در حال اضطرار باشد، تا طلوع فجر برای خواندن نماز عشا وقت دارد و وقت مختص نماز عشا او به اندازه خواندن یک نماز عشا تا طلوع فجر خواهد بود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۴)

۳. فجر دوم آن است که در افق منتشر شده و به آن متصل است و به آن فجر صادق نیز می گویند، زیرا هرکس آن را ببیند می فهمد پس از آن صبح خواهد بود. اما فجر اول این گونه نیست، بلکه روشنایی است که در آسمان به طرف بالا منتشر شده است، ولی به افق متصل نیست و به آن فجر کاذب می گویند، زیرا بعد از آن دوباره تاریکی برمی گردد. برای تشخیص فجر صادق - به ترتیب - به یکی از این سه راه عمل می کنیم: اگر ممکن بود، از روی گسترده شدن و انتشار روشنایی در افق به صورت متصل می فهمیم طلوع فجر صادق اتفاق افتاده است؛ اگر نشد، زمانی را که خورشید در ۱۹ درجه زیر افق قرار دارد، فجر محاسبه می شود؛ و اگر این راه هم نشد، ۹۰ دقیقه قبل از سر زدن آفتاب را وقت فجر صادق در نظر می گیریم. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة،

زوال آفتاب هنگامی فهمیده می‌شود که سایه [شاخص] بعد از رسیدن به کمترین حدّ خودش شروع به زیاد شدن کند. غروب نیز هنگام ناپدید شدن قرص خورشید است، اما بهتر است منتظر از بین رفتن سرخی افق از سمت مشرق بمانیم تا از ناپدید شدن خورشید اطمینان حاصل کنیم.

بهترین اعمال، نماز اوّل وقت است. بهتر است نماز عشا تا از بین رفتن سرخی افق در سمت مغرب به تأخیر انداخته شود، و وقت فضیلت نماز عصر با توجه به کوتاهی یا بلندی روز، یک یا دو ساعت بعد از زوال خورشید است.

وقت نمازهای نافله یومیه

وقت نافله ظهر از اذان ظهر به مدت نیم ساعت، و وقت نافله نماز عصر با توجه به طول روز، یک ساعت و نیم یا دو ساعت و نیم [بعد از اذان ظهر] است. اگر شروع به خواندن نافله کرد و وقت نافله تمام شد، حتی اگر یک رکعت خوانده باشد، نافله را به کوتاه‌ترین شکل به پایان برساند و بعد از آن نماز واجبش را اقامه کند، و اگر از نافله چیزی نخوانده بود، اول نماز واجب را بخواند و بعد از آن، نافله را به جا آورد. به جا آوردن نافله ظهر قبل از اذان ظهر جایز نیست، مگر در روز جمعه. به نافله‌های ظهر و عصر روز جمعه، چهار رکعت افزوده می‌شود، که دو رکعت از آن هنگام اذان ظهر خوانده می‌شود.^۱

وقت نافله مغرب بعد از نماز مغرب است تا زمانی که به مقدار خواندن نماز عشا تا ناپدید شدن سرخی سمت مغرب وقت باقی مانده باشد.^۲ اگر سرخی از بین رفت و فرد

(ص ۱۴)

۱. برای اطلاع از کیفیت بیست رکعت نافله ظهر و عصر جمعه، به مبحث آداب نماز جمعه مراجعه شود. (مترجم)
 ۲. مثلاً اگر ناپدید شدن سرخی سمت افق، ساعت ۱۹:۰۰ باشد و برای خواندن نماز عشا ۵ دقیقه لازم باشد، در این صورت، بعد از خواندن نماز مغرب تا ۱۸:۵۵ برای خواندن نافله مغرب وقت دارد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۷)

شروع به خواندن نافله نکرده بود، ابتدا نماز واجب را ادا می‌کند.

نافلهٔ عشا^۱ دو رکعت است که بعد از نماز عشا و به حالت نشسته خوانده می‌شود و وقت آن تا آخر وقت نماز واجب [عشا] ادامه دارد، و بهتر است این دو رکعت را پایان نافله‌هایش قرار دهد.

وقت نماز شب از نیمه‌شب شروع می‌شود و هرچه به فجر نزدیک‌تر باشد بهتر است. خواندن نماز شب قبل از نیمه شب جایز نیست، مگر برای مسافری که به سبب حرکت در شب نمی‌تواند آن را بعد از نیمه‌شب بخواند. یا جوانی که به خاطر خواب سنگین نتواند به موقع بیدار شود، اگرچه قضای آن بهتر است. پایان وقت نماز نافلهٔ شب، اذان صبح است.

اگر اذان صبح شود و حداقل چهار رکعت را نخوانده باشد، ابتدا نافلهٔ صبح و سپس نماز صبح را می‌خواند. ولی اگر حداقل چهار رکعت را خوانده باشد، نماز نافله را به طور مختصر به پایان می‌رساند، حتی اگر اذان صبح را گفته باشند. وقت نافلهٔ صبح بعد از طلوع فجر اول است، و قبل از طلوع فجر اول نیز خوانده می‌شود، ولی [اگر قبل از فجر اول خواند] تکرار آن مستحب خواهد بود. وقت نافلهٔ صبح تا آغاز سرخی مشرق^۲ ادامه دارد، و بعد از آن اولویت با نماز صبح است.^۳

خواندن قضای نمازهای یومیّه و همچنین سایر نمازهای واجب در هر زمان جایز

۱. وَتَّيْرَه. (مترجم)

۲. به سرخی پدیدآمده در طرف شرق افق قبل از طلوع آفتاب «حُمْرَة مَشْرِقِيَه» می‌گویند. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۸)

۳. اگر حُمْرَة مَشْرِقِيَه طلوع کرد، ابتدا نماز فریضه را می‌خواند، و بعد از فریضه اگر هنوز خورشید طلوع نکرده بود، نافله را به نیت ادا می‌خواند. و اگر خورشید طلوع کرده بود و خواست نافله را به جا آورد، به نیت قضا می‌خواند. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۸)

است، به شرطی که باعث تنگی وقت نماز واجب کنونی نشود. به همین ترتیب، نافله‌ها و قضای نافله‌ها را نیز می‌تواند در هر زمانی بخواند، به شرطی که وارد وقت نماز واجب نشده باشد.

احکام وقت نمازها

شامل هشت مسئله است:

اول: هرگاه یکی از عذرهایی که مانع نماز هستند، مثل جنون و حیض، برایش پیش بیاید، و قبل از پیش آمدن آن به اندازه طهارت و خواندن نماز از وقت اذان گذشته باشد، واجب است [بعد از برطرف شدن عذر] قضای نماز را به جا آورد و اگر کمتر از آن گذشته باشد، قضا لازم نیست. اگر عذرش (که مانع نماز است) برطرف شود و به اندازه طهارت و خواندن یک رکعت از نماز وقت داشته باشد، نماز را به نیت ادا به جا می‌آورد و اگر کوتاهی کند،^۱ باید قضایش را به جا آورد.

اگر قبل از غروب [برای نماز ظهر و عصر] یا قبل از فجر [برای نماز مغرب و عشا] عذرش برطرف شود و تنها به اندازه طهارت^۲ و اقامه یکی از دو نماز وقت داشته باشد، باید همان نمازی را که وقت مخصوصش است بخواند^۳ و اگر قبل از غروب به اندازه طهارت و پنج رکعت نماز وقت داشته باشد، باید هر دو نماز [ظهر و عصر] را بخواند.^۴

۱. یعنی سریع نماز را نخواند و وقت تمام شود. (مترجم)

۲. منظور از طهارت وضو، غسل یا تیمم است. (مترجم)

۳. یعنی باید فقط عصر را بخواند، یا اگر قبل از اذان صبح بود، فقط عشا را بخواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۱)

۴. اگر قبل از اذان صبح بود و به اندازه طهارت و چهار رکعت وقت داشت، باز هم باید هر دو نماز (مغرب و عشا) را بخواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۱)

دوم: نوجوانی که [قبل از بلوغ] نمازهایش را - به طور مرتب - به نیت استحباب می خوانده است، اگر با واقعه ای که طهارت را باطل نمی کند بالغ شود^۱ و وقت نماز باقی مانده باشد، نمازش را دوباره [به نیت وجوب] می خواند، ولی اگر از وقت نماز کمتر از یک رکعت مانده باشد، بر همان نیت مستحب که داشته است باقی بماند و نیت را به نماز واجب تجدید نمی کند.

سوم: اگر انسان راهی داشته باشد که به وقت نماز یقین پیدا کند، نمی تواند به ظن و گمان خود اکتفا کند، اما اگر نتوانست به وقت نماز یقین پیدا کند، باید سعی کند [تا از وقت نماز مطمئن شود]؛ اگر ظن و گمان غالب برایش پدید آمد که وقت داخل شده است، نماز را بخواند و اگر فهمید ظن و گمانش اشتباه بوده و هنوز وقت نماز نبوده است، [دو حالت دارد:] اگر قبل از این که وقت نماز شود نمازش تمام شد، باید بعد از این که وقتش رسید نماز را دوباره بخواند، اما اگر وقت داخل شد و هنوز نمازش تمام نشده بود، حتی اگر فقط سلام نماز باقی مانده باشد، نیاز نیست نماز را دوباره بخواند.

اگر کسی قبل از داخل شدن وقت نماز، عمداً یا نادانسته یا به سبب فراموشی نماز بخواند، نمازش باطل است.^۲

چهارم: قضای نمازهای یک روز باید به ترتیب به جا آورده شوند؛ یعنی اگر خواندن یک نماز واجب را شروع کرد و به یاد آورد نماز واجب قبل از آن را که مربوط به همین روز بوده نخوانده است، اگر امکان داشته باشد باید از نیت خود به

۱. مثلاً پانزده سال یا نه سالش کامل شود. (مترجم)

۲. اگر با شنیدن اذان نماز بخواند و بعد بفهمد هنوز وقت داخل نشده است، باید دوباره نمازش را بخواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۲)

تیت نماز قبل تغییر دهد، وگرنه باید به ترتیب نمازها را از نو بخواند.^۱

اما برای قضای نمازهای دو روز مختلف، ترتیب لازم نیست و مثلاً می‌توان نماز صبح یک روز را قبل از به‌جا آوردن قضای نماز ظهرِ روز قبل از آن به‌جا آورد.

پنجم: اقامه نوافل مبتدئه^۲ هنگام طلوع خورشید و غروب و در طول روز و بعد از نماز صبح و عصر، مکروه نیست.

ششم: مستحب است نوافلی را که در شب انجام نداده است هرچه سریع‌تر به جا آورد، هرچند در روز باشد؛ و نوافل ازدست‌رفته روز را هرچه سریع‌تر به جا آورد، هرچند در شب باشد و منتظر روز نماند.

هفتم: به جا آوردن همه نمازها در اول وقت بهتر است، به‌جز نماز مغرب و عشاء کسی که از عرفات [به سمت مزدلفه] به راه افتاده است، که در این صورت به تأخیر انداختن آن تا وقتی به مزدلفه برسد بهتر است، حتی اگر تا یک‌چهارم شب طول بکشد.

همچنین مستحب است نماز عشا را تا ناپدید شدن سرخی مغربی^۳ به تأخیر بیندازد. کسی که نافله می‌خواند [مستحب است] نماز ظهر و عصر را تا اقامه

۱. مثلاً اگر فردی شروع به خواندن نماز ظهر کرد و به یاد آورد نماز صبح آن روز را نخوانده است، تا وقتی وارد رکعت سوم نشده است، وقت دارد به نیت نماز صبح قضا شده‌اش عدول کند، اما در رکعت سوم به بعد، دیگر این عدول ممکن نیست، و در این صورت نماز ظهر را کامل می‌کند و سپس قضای صبح را به جا می‌آورد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۳)

۲. نوافلی که دارای زمان و کیفیت خاصی نیستند و تنها برای نزدیکی به خدا خوانده می‌شوند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۳)

۳. شَفَقُ حُمْرَة مغربیه، سرخی پدیدآمده در افق غربی پس از غروب آفتاب است. (مترجم)

نوافل به تأخیر اندازد. زن مستحاضه نیز نماز ظهر و مغرب را به تأخیر بیندازد.^۱

هشتم: اگر به گمان این که نماز ظهرش را خوانده است، نماز عصر را شروع کند و سپس در حال خواندن نماز عصر به یاد آورد نماز ظهر را نخوانده است، نیت خود را به نماز ظهر تغییر دهد؛ و اگر به یاد نیاورد و نماز عصر خود را تمام کرد [دو حالت پیش می‌آید:] یا اقامه نماز عصر در اول وقت ظهر [وقت مخصوص ظهر] بوده است؛ که در این صورت نمازش باطل است و باید نماز ظهر و سپس عصر را بخواند؛ یا تمام یا بخشی از نماز در وقت مشترک دو نماز بوده است که در این حالت نماز عصر خوانده شده صحیح است و تنها نماز ظهر خود را به جا می‌آورد.

مقدمه سوم: قبله

مباحث آن عبارت‌اند از: [جهت] قبله، فردی که رو به قبله است، چیزهایی که رو به قبله بودن در آن‌ها شرط است، و احکام اشتباهات.

اول: قبله

قبله برای کسی که در مسجدالحرام است کعبه، برای کسی که در حرم است مسجدالحرام، و برای کسی که خارج از حرم خود حرم است.

منظور از قبله جهت کعبه است، نه خود ساختمان. و اگر ساختمان از بین رفت، باید در جهت کعبه نماز گزارد؛ کسی که در ارتفاع بالاتری از کعبه قرار دارد به‌سوی آن و در جهت آن نماز می‌گزارد. اگر کسی درون کعبه نماز بگزارد، به‌سوی هرکدام از دیوارهای آن که بخواهد می‌ایستد، اگرچه خواندن نماز واجب درون ساختمان کعبه مکروه است. اگر

۱. زن مستحاضه‌ای که غسل بر او واجب است، نماز ظهر را تا آخر وقتش به تأخیر می‌اندازد، تا آن و نماز عصر را با یک غسل بخواند و همچنین نماز مغرب را تا آخر وقتش به تأخیر می‌اندازد، تا نماز مغرب و عشا را با یک غسل بخواند. (مترجم)

کسی بر بام کعبه نماز بگزارد، باید مقداری فضا در پیش روی خود باقی بگذارد و به سمت آن نماز بخواند،^۱ اما لازم نیست روبه روی خودش چیزی قرار دهد و به سوی آن نماز بخواند.^۲ اگر [داخل کعبه] به سوی در کعبه درحالی که باز باشد نماز بخواند، نیز باید همین طور عمل کند.^۳

اگر صف نمازگزاران در مسجدالحرام طولانی شود، به طوری که تعدادی از نمازگزاران، خارج از جهت کعبه نماز بخوانند، نماز افرادی که در جهت کعبه نیستند باطل است.

مردم هر سرزمین باید به سوی رکنی که رو به سرزمینشان است نماز بخوانند؛ اهل عراق به سوی رکن عراقی، یعنی همان رکنی که حجرالاسود در آن است، مردم شام به سوی رکن شامی، مردم مغرب به سوی رکن مغربی، و مردم یمن به سوی رکن یمنی.

قبله مردم عراق در جهت جنوب غربی واقع می شود. اگر کسی بتواند ستاره جدی^۴ را تشخیص دهد، شمال و جنوب را تشخیص خواهد داد. حال اگر به سوی جنوب بایستد، قبله بین صورت و دست راست او قرار خواهد گرفت.

دوم: فردی که رو به قبله است

۱. یعنی نباید در قسمت های انتهایی ضلع های بام کعبه به نماز بایستد، به طوری که چیزی از کعبه روبه رویش نباشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۵)

۲. مانند آنچه بعضی از اهل سنت به آن معتقدند که در نماز خواندن بر بام کعبه چیزی را به عنوان قبله مقابل خودشان قرار می دهند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۵)

۳. یعنی لازم نیست وسیله خاصی را روبه رویش قرار دهد، ولی مقداری با فاصله از درب بایستد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۵)

۴. جدی یا آلفای خرس بزرگ، ستاره ای است که در صورت فلکی خرس کوچک قرار دارد. این ستاره در حال حاضر به عنوان ستاره قطبی برای پیدا کردن قطب شمال در نیم کره شمالی زمین استفاده می شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۶)

اگر جهت قبله را می‌داند، واجب است برای نماز در جهت قبله بایستد و اگر نتوانست جهت را تشخیص دهد، باید بر علائمی که او را به گمان می‌رساند تکیه کند.

اگر سعی کند جهت قبله را بیابد و فردی دیگر خلاف جهتی را که او یافته بود به او خبر دهد، به هرکدام که گمان می‌کند صحیح‌تر است عمل می‌کند؛ در صورتی که راهی برای یافتن جهت قبله نداشت و شخصی کافر جهت قبله را به او گفت، اگر گمانش بر صحت خبر او باشد، طبق خبر او عمل می‌کند؛ به جهت قبله‌ای که برای شهر تعیین شده است اعتماد می‌کند، مگر هنگامی که بداند آن قبله به اشتباه تعیین شده باشد. کسی که خودش امکان تشخیص قبله را ندارد، مثل نابینا، به تشخیص دیگران اعتماد می‌کند.

کسی که در تعیین جهت قبله نتواند به علم یا گمان برسد اگر وقت داشت، به هریک از چهار جهت یک بار نماز می‌خواند و اگر وقت کمتر از این بود، به آن تعداد از جهت‌ها که زمان اجازه می‌داد نماز می‌خواند و اگر تنها به اندازه یک نماز وقت داشت، به هر جهت که خواست می‌خواند.

مسافر هنگام نماز باید به سمت قبله بایستد و در صورت ضرورت می‌تواند سوار بر مرکب^۱ - درحالی که رو به قبله قرار می‌گیرد - برخی از نمازهای واجب^۲ را بخواند؛ اگر نتوانست همه نماز را به سمت قبله بخواند، هر قدر از نمازش را که می‌تواند رو به قبله بخواند؛ و هرگاه مرکب از جهت قبله منحرف شد، تا حد امکان به سوی قبله بچرخد؛ و اگر باز هم نتوانست، فقط تکبیرة الاحرام را به طرف قبله بگوید؛ و اگر این کار را نیز نتوانست انجام دهد، به هر سو که نماز بخواند کفایت می‌کند، حتی اگر رو به قبله نباشد.

کسی که مجبور است - به سبب تنگی وقت - در حال راه رفتن نماز بخواند نیز به

۱. مانند اسب و شتر و همچنین ماشین و هواپیما و سایر وسایل نقلیه جدید. (مترجم)

۲. نمازهای یومیه. (شرح شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۱۸)

همین صورت عمل می‌کند. کسی که بر مرکب سوار است اگر بتواند رکوع و سجود و واجبات نماز را به جا آورد، جایز است در حالت اختیار اعمال نماز واجب را بر روی مرکب به جا آورد.

سوم: آنچه برایش رو به قبله می‌ایستند

رو به قبله بودن در نمازهای واجب - در صورت امکان - واجب است. همچنین هنگام ذبح،^۱ هنگام احتضار و تدفین، و نماز بر میت رو به قبله بودن واجب است؛ اما در نوافل رو به قبله ایستادن بهتر است.^۲ نماز [نافله] در حال سواره، در سفر یا حَضَر^۳ مجاز است، اما این که به سوی قبله نباشد در حضر کراهت مؤکد دارد، البته تا زمانی که پشت به قبله نشود و اگر پشت به قبله شد، نمازش باطل می‌شود.

هرجا امکانش نبود وجوب رو به قبله بودن ساقط می‌شود، مانند نماز مطاردۀ^۴ و هنگام ذبح حیوان صائله^۵ و مُتَرَدِّیه^۶ که نمی‌توان آن را رو به قبله کرد.

چهارم: احکام اشتباهات

سه مسئله:

اول: فرد نابینا چون خودش نمی‌تواند جهت‌یابی کند به راهنمایی دیگران

۱. یعنی باید حیوانی را که می‌خواهیم ذبح کنیم رو به قبله قرار دهیم. (مترجم)

۲. البته پشت به قبله نبودن در نافله واجب است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۸)

۳. وطن یا جایی که قصد ده روز ماندن دارد. (مترجم)

۴. ترس شدید مثل زمان جنگ و جدال. (مترجم)

۵. مانند حیوانی که دچار جنون یا مرضی شده که رو به قبله کردنش دشوار است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۸)

۶. مانند حیوانی که در چاه افتاده است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۹)

مراجعه می‌کند، و اگر باوجود فرد بینا به دلیل داشتن علامتی که خودش به دست آورده است به نظر خودش اتکا کند و به یک سمت نماز بخواند، نمازش صحیح است، و در غیر این صورت^۱ باید نماز را دوباره بخواند.

دوم: اگر نمازگزار نماز را یا به حکم گمانش یا به دلیل تنگی وقت به سمتی بخواند که بعداً معلوم شود به سوی قبله نبوده است، اگر انحراف او از قبله در حدّ چپ و راست بوده باشد و پشت به قبله نباشد، نمازش صحیح است و نیازی به تکرار آن ندارد، چه وقت نماز تمام شده باشد و چه هنوز وقت باقی باشد. اما اگر پشت به قبله بود و وقت نماز تمام نشده باشد، باید نماز را تکرار کند، ولی اگر وقت نماز گذشته بود، نیازی به تکرار نیست. اما اگر در حین نماز بفهمد خطا کرده است، در هر صورت و به هر جهتی که ایستاده است به سمت قبله برمی‌گردد و نیازی به تکرار نماز نیست.

سوم: اگر برای یک نماز جهت قبله را با تلاش بیابد و نماز بخواند، سپس در وقت نماز دیگری وارد شود و نمازگزار به صحت جهت قبله شک کند، باید از نو جست‌وجو کند، در غیر این صورت به همان جهت قبلی نماز می‌خواند.

مقدمه چهارم: احکام لباس نمازگزار

مسائل هشت‌گانه:

اول: خواندن نماز با لباسی که از پوست مردار تهیه شده باشد - حتی اگر حلال گوشت باشد - جایز نیست، چه دباغی شده^۲ باشد و چه نشده باشد.

۱. یعنی: اگر به نظر خودش تکیه کند و در تشخیص قبله اشتباه کند. (شرح شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۱۱۹)

۲. یعنی آن را با ماده‌ای خاص نرم می‌کنند و رطوبت و بوی بد آن را از بین می‌برند و برای استفاده آماده می‌کنند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۰)

حیوان حرام گوشت که در حین حیات ذاتاً پاک بوده و قابلیت ذبح شرعی داشته است^۱ اگر ذبح شرعی شود، پاک است، ولی در نماز نباید از آن استفاده شود، و در غیر از نماز می توان بدون دباغی از آن استفاده کرد، البته مکروه است.

دوم: پشم، مو، گُرک و پَر حیوانات حلال گوشت پاک است، چه از حیوان زنده جدا شده باشد، چه از ذبح شده و چه از مردار، و نماز خواندن با آن جایز است. اگر از مردار گنده شده باشد، فقط محل اتصال آن با بدن حیوان باید شسته شود، و همه اجزای بدون روح^۲ حیوان مرده ای که زنده اش پاک است همین حکم را دارد.^۳ حیوانی که در حال حیاتش نجس باشد [پس از ذبح] تمام موارد ذکر شده آن نجس است.

در صورتی که لباسی از اجزای بدون روح حیوان حرام گوشت درست شده باشد، نماز خواندن با آن صحیح نیست، حتی اگر ذبح شرعی شده باشد، مگر خَز^۴ خالص که نماز خواندن با آن جایز است؛ اما نماز خواندن در لباس خزی که در آن خز روباه و خرگوش مخلوط باشد جایز نیست.^۵

سوم: نماز با پوست سنجاب صحیح است، ولی با پوست انواع روباه و خرگوش

۱. مانند شیر و ببر و ... (مترجم)

۲. مثل شاخ یا دندان یا ... (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۰)

۳. پاک است و نماز با آن صحیح است. (مترجم)

۴. پوست کوبیده شده سمور آبی، سمور دریایی، روباه دریایی و راسو، و پوشیدن خز این حیوانات در نماز اشکالی ندارد، هرچند تذکیر نشده باشند، و پوشیدن خز این ها همراه با پوست در نماز در صورتی ممکن است که ذبح شرعی شده باشد، و ذبح شرعی آن همانند سایر حیواناتی است که خون جهنده دارند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۱)

۵. اگر شک کند لباسی از اجزای بدون روح حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، نماز با آن جایز نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۱)

جایز نیست.

چهارم: پوشیدن حریر خالص برای مردان جایز نیست و نماز خواندن با آن نیز جایز نیست، مگر هنگام جنگ که مستحب است تکه‌ای از پارچه حریر بر سینه بگذارد و هنگام ضرورت، به عنوان مثال زمانی که سرمای شدید مانع از بیرون آوردن آن از تن باشد، اما پوشیدن لباس حریر خالص در تمام حالات برای زن‌ها جایز است. همچنین استفاده مردان از حریر برای پوششی که با آن نماز کامل نیست، مثل بند لباس یا کلاه، جایز نیست،^۱ اما سوار شدن روی آن و گستردن آن [به عنوان زیرانداز] جایز است.

نماز خواندن با لباسی که با حریر لبه‌دوزی شده باشد مکروه است؛ اما وقتی حریر با انواع دیگری از پارچه‌ها مخلوط باشد، به گونه‌ای که از حالت حریر خالص خارج شود، پوشیدن آن و نماز خواندن با آن جایز است، چه مقدار آن از حریر بیشتر باشد و چه کمتر، که در این صورت [یعنی کمتر بودن] مکروه خواهد بود.

پنجم: نماز خواندن با لباس غصبی جایز نیست؛ و اگر صاحب لباس به غصب‌کننده یا شخصی دیگر اجازه استفاده بدهد، نماز با آن جایز است، اگرچه غصب محقق شده باشد،^۲ ولی اگر به صورت مطلق اجازه دهد،^۳ نماز خواندن با آن

۱. البته همراه داشتن حریر در نماز، اگر جزئی از لباس نباشد، جایز است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۲)

۲. مانند این که فردی بگوید: «به فلانی اجازه می‌دهم با لباس نماز بخواند»، در این صورت برای آن شخص، نماز خواندن با آن لباس جایز است و تفاوتی ندارد او شخصی غاصب باشد یا نباشد. اما اگر به صورت مطلق بگوید: «اگر کسی خواست، می‌تواند با لباس نماز بخواند»، در این صورت شخصی که خودش غاصب است اجازه نماز خواندن با آن را ندارد، اما سایرین می‌توانند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۳)

۳. یعنی به طور کلی گفته است اگر کسی با لباس من نماز بخواند اشکال ندارد، و در اینجا به طور خاص به غاصب اجازه نداده است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۳)

برای افراد غیر از غاصب جایز خواهد بود.^۱

ششم: نماز خواندن با کفشی که کفی آن باعث شود انگشت شست پا در هوا معلق بماند و بر زمین تکیه نداشته باشد جایز نیست؛ و نماز خواندن با کفش و صندل، در صورتی که این گونه نباشد، جایز است.

هفتم: نماز خواندن با غیر از هر چیزی که ذکر شد صحیح است، به شرطی که یا مالک آن بوده باشد یا برای استفاده از آن اجازه گرفته باشد؛ و این که لباس نمازگزار پاک باشد. و حکم لباس نجس را پیش از این بیان کردیم.^۲

نماز خواندن با یک لباس برای مرد جایز است، اما زن باید با دو تکه لباس نماز بخواند، پیراهن سرتاسری و شال، به گونه ای که تمام بدن او پوشیده شود، به جز صورت و دست ها تا مچ و روی پاها.^۳

عریان نماز خواندن، به شرطی که عورتین را بپوشاند، برای مردان جایز است، هر چند کراحت دارد؛ و اگر لباسی برای پوشاندن عورتین نداشته باشد، می تواند با هر چیزی - حتی با برگ درختان - عورت خود را بپوشاند. و اگر چیزی برای پوشاندن عورتین نداشته باشد، اگر مطمئن باشد کسی او را نمی بیند، می تواند

۱. حتی اگر لباس های کوچک مثل کمر بند و جوراب غصبی باشد، باز هم نماز با آن جایز نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۲۳)

۲. در برخی حالات، از نجاست لباس چشم پوشی شده و می توان با لباس نجس نماز خواند، مثلاً نماز خواندن با جوراب و کمر بند و لباس هایی که به ته های نماز در آن ها مجاز نیست جایز است، حتی اگر نجس باشند؛ یا خروج خون از بدن در بین نماز باطل کننده نماز نیست. همچنین برخی دیگر از احکام لباس نجس که بیان شد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۴)

۳. خانمی که وسط نماز مقداری از مویش از زیر شال یا روسری بیرون آمده باشد مویش را می پوشاند و به نماز ادامه می دهد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۵)

عریان و ایستاده نماز بخواند؛ و اگر مطمئن نباشد، باید نشسته نماز بگذارد، و در هر دو حالت به جای رکوع و سجود اشاره می‌کند.^۱

کنیز و دختر غیربالغ می‌توانند بدون شال و مقنعه نماز بخوانند. و اگر کنیز در حین نماز آزاد شود، باید سرخود را بپوشاند، اما اگر برای این کار نیاز باشد حرکات و عمل فراوانی انجام دهد، باید نمازش را از نو بخواند. اگر دختر در حین نماز با چیزی که باعث ابطال نماز نمی‌شود بالغ شود، نیز همین حکم را دارد.^۲

هشتم: نماز خواندن با لباس سفید مستحب است، و نماز خواندن با لباس سیاه مکروه نیست.

نازک بودن لباس نمازگزار مردی که تنها یک لباس به تن دارد مکروه است، و اگر لباسش آن قدر نازک باشد که زیر آن معلوم باشد،^۳ نماز خواندن با آن جایز نیست.

موارد مکروه:

پیراهن را داخل شلوار قرار دادن، یا خود را با یک پارچه بزرگ پوشاندن،^۴ یا با عمامه بدون تَحْتُ الحَنَک نماز گزاردن؛ ضمناً پوشیدن عمامه بدون تحت‌الحنک در غیرنماز نیز

۱. یعنی به جای خم‌وراست شدن، با سر یا دست یا چشم یا سایر اعضای بدن اشاره کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۵)

۲. به جز نکاتی که اینجا گفته شد، در سایر احکام لباس نمازگزار (مانند طهارت و غصبی نبودن و ...) زن و مرد یکسان‌اند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۶)

۳. یعنی عورتش نمایان باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۶)

۴. با پارچه بزرگ پوشاندن به‌طوری که دو سر آن روی یک کتف قرار بگیرد و با دست گرفته شود. (مترجم)

۵. قسمتی از تای عمامه را باز می‌کنند و از یک سمت از زیر گلو رد می‌کنند و در طرف دیگر روی شانه می‌اندازند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۷)

مکروه است. پوشیدن روبند برای مرد و پوشیه و نقاب برای زن کراهت دارد و اگر این‌ها مانع صحت قرائت باشد، حرام خواهد بود. نماز با قَبای بسته‌شده - مگر در حال جنگ - مکروه است. مکروه است امام جماعت بدون عبا باشد. همراه داشتن شیء آهنی آشکار، و نماز با لباسی که صاحبش^۱ متهم است نیز مکروه است. نماز خواندن زن با خلخال و پابندی که صدا داشته باشد، و همچنین پوشیدن لباس دارای تصاویر^۲ و انگشتی که تصویر داشته باشد نیز مکروه است.

مقدمه پنجم: مکان نمازگزار

نماز در همه مکان‌هایی که نمازگزار مالکش باشد یا از مالکش اجازه داشته باشد، جایز است.

اجازه [نماز خواندن] می‌تواند در مقابل دریافت اجرت و مانند آن حاصل شود، یا به صورت اباحه باشد [و مالک در مقابلش چیزی طلب نکرده باشد]؛ که در این صورت یا صریح است، مانند این که بگوید: در آنجا نماز بخوان؛ یا به صورت ضمنی است مثل اجازه او برای بودن در آن مکان،^۳ یا از طریق شواهد حالیه است، مثلاً نشانه‌ای وجود داشته باشد که نشان دهد مالک ناراضی نیست.

نماز خواندن در مکان غصبی برای غاصب و کسی که علم به غصبی بودن مکان دارد صحیح نیست و اگر عمداً و با آگاهی در مکان غصبی نماز بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر فراموش کند یا نداند مکان غصبی است، نمازش صحیح خواهد بود؛ و اگر از

۱. یعنی صاحبش به عدم رعایت نجس و پاکی متهم است. (مترجم)

۲. مقصود، تصویر انسان یا حیوان است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۸)

۳. مانند این که مالک اجازه داده باشد شب در آن مکان اقامت کند که قطعاً نمازش را هم می‌تواند در آنجا بخواند.

(احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۸)

[حکم] حرمت نماز در مکان غصبی اطلاع نداشته باشد، معذور نخواهد بود.

اگر وقت نماز تنگ شود و او در حال خارج شدن [از مکان غصبی] باشد، نمازش صحیح است،^۱ ولی اگر در حال خارج شدن نباشد و نماز بخواند، نمازش صحیح نیست.

اگر با اجازه وارد ملک دیگری شود، سپس مالک بگوید باید بیرون بروی، واجب است خارج شود، و اگر در این حال نماز بخواند، نمازش باطل است. اما اگر وقت تنگ باشد، در حال خارج شدن نماز می‌خواند.

نماز خواندن مرد در مکانی که یک طرف یا مقابلش زنی نماز می‌خواند جایز نیست و تفاوتی ندارد زن به مرد اقتدا کرده باشد یا فرادا نماز بخواند. و تفاوتی ندارد زن، محرم او باشد یا نامحرم. اما اگر بینشان حائلی باشد یا ده ذراع^۲ از یکدیگر فاصله داشتند، این منع رفع می‌شود. و اگر زن به قدری پشت سر او باشد که محل سجده اش برابر با [یعنی در کنار] پاهای مرد قرار گیرد، منع ساقط می‌شود. اگر [مرد و زن] در مکانی باشند که نتوانند از یکدیگر دور شوند،^۳ مرد اول نماز می‌خواند و سپس زن.

نماز خواندن در مکان نجسی که نجاست به لباس و بدن نمازگزار سرایت نکند و مکان [قرار دادن] پیشانی پاک باشد اشکال ندارد.

و نماز در این مکان‌ها کراهت دارد:^۴

۱. نماز در حال خروج به این شکل است که تا جایی که توانست رو به قبله می‌ایستد و رکوع و سجده را به جا می‌آورد، و اگر نتوانست، رو به قبله بودن نمی‌خواهد و رکوع و سجود را با اشاره انجام می‌دهد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۹)

۲. فاصله آرنج تا نوک انگشتان (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۹)

۳. یعنی امکان نداشته باشد زن پشت سر مرد بایستد. (مترجم)

۴. تمامی موارد مکروهی که گفته شده است، هم برای نمازهای واجب و هم نوافل است. (احکام الشریعة بین

حمام،^۱ محل قضای حاجت، محل خواب شتر، لانه مورچه،^۲ محل جریان آب، زمین شوره زار، روی یخ، قبرستان - مگر این که میان او و قبرها حائلی باشد، حتی اگر حائل یک چوب بلند باشد، یا ده ذراع با قبرها فاصله داشته باشد-، آتشکده، و شراب خانه - البته اگر نجاست به بدن و لباس سرایت نکند -، کناره راه های اصلی، و خانه های مجوس؛ اما در دیرها و کلیساها اشکال ندارد.

همچنین خواندن نماز در مقابل آتش افروخته یا تصاویر، و خواندن نماز واجب داخل کعبه و روی بام آن، و خواندن نماز در اسطبل اسب و الاغ و قاطر مکروه است. اما در آغل گوسفندان مکروه نیست. همچنین خواندن نماز در خانه ای که در آن مجوسی باشد مکروه است، اما وجود یهودی و مسیحی مشکلی ندارد. نماز خواندن در مقابل قرآن گشوده شده و همچنین نماز خواندن رو به دیواری که از چاه فاضلاب که در آن ادرار هست رطوبت گرفته باشد، و نماز خواندن روبه روی یک انسان مکروه است، مگر این که آن شخص حجت بر مردم باشد مثل امام (علیه السلام)،^۳ و خواندن نماز مقابل در باز مکروه است.

مقدمه ششم: چیزهایی که می توان بر آنها سجده کرد

سجده بر این موارد جایز نیست: آنچه از زمین نیست، مثل پوست، پشم، مو و کرک؛ و آنچه از زمین است، اما معدنی به شمار می رود، مثل نمک، عقیق، طلا، نقره و قیر، مگر

السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص (۴۱)

۱. مقصود، محل غسل است. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص (۴۱)

۲. منظور زمینی است که مورچه ها در آن سوراخ ها و لانه های فراوانی دارند. (احکام الشریعة بین السائل و

المجیب، جزء دوم، صلاة، ص (۴۱)

۳. پشت به قبر معصومین (علیهم السلام) ایستادن جایز نیست. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة،

در حال ضرورت؛^۱ و همچنین چیزهایی که از زمین می‌روید و خوردنی است،^۲ مثل نان و میوه‌ها، یا پوشیدنی است مثل پنبه و کتان. سجده بر گل‌ولای جایز نیست و اگر مجبور شد باید اشاره کند.

سجده بر کاغذ جایز است،^۳ ولی اگر داخلش نوشته داشته باشد، مکروه است. نباید نمازگزار بر بدن خود سجده کند، اما اگر به‌خاطر گرما نتواند بر زمین سجده کند، می‌تواند بر لباس خود سجده کند و اگر نتوانست، بر پشت دست خودش سجده می‌کند. آنچه گفته شد تنها دربارهٔ پیشانی است نه بقیهٔ اعضای سجده.

محل سجده باید ملک شخص باشد، یا اجازهٔ آن را داشته باشد و نجس نباشد. اگر در مکان محدودی مانند خانه و مشابه آن نجاستی باشد و جای دقیق آن را نداند، سجده در هیچ جای آن جایز نیست، اما اگر در مکان بزرگی باشد، به‌جهت دفع سختی، سجده در آن جایز است.^۴

مقدمهٔ هفتم: اذان و اقامه

شامل چهار مبحث است:

اول: آنچه برایش اذان و اقامه گفته می‌شود

۱. سجده بر کاشی و سرامیک در صورتی که تکه‌های سنگ در آن پدیدار باشد، صحیح است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۴۲)

۲. البته سجده بر گیاهانی که حیوانات می‌خورند جایز است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۴۲)

۳. می‌توان بر دستمال کاغذی نیز سجده کرد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۳۰)

۴. چون اگر آنجا هم بگوییم نمی‌تواند سجده کند، مشقت بسیار زیادی پیش می‌آید. (مترجم)

اذان و اقامه در نمازهای پنج‌گانه واجب یومیّه بر مرد و زن واجب است،^۱ فرقی نمی‌کند ادا باشد یا قضا، فرادا باشد یا جماعت. البته زن باید اذان و اقامه را آهسته بخواند^۲ و اذان و اقامه در نمازهایی که با صدای بلند خوانده می‌شود^۳ بیشتر تأکید شده است و بیشترین تأکید برای نماز صبح و مغرب است.

اذان برای نوافل و همچنین برای نمازهای واجب دیگر به غیر از نمازهای پنج‌گانه واجب نیست و مؤذن برای آن‌ها سه بار می‌گوید: (الصلاة).

هنگام به جا آوردن قضای نمازهای پنج‌گانه، باید برای هر کدام از آن‌ها اذان و اقامه بگوید، اما اگر برای اولین نماز اذان گفت و برای نمازهای بعدی فقط اقامه بگوید کفایت می‌کند، ولی فضیلتش کمتر می‌شود.

نماز ظهر جمعه با اذان و اقامه خوانده شود و نماز عصرش اقامه دارد؛ برای نماز ظهر و عصر روز عرفه نیز همین حکم برقرار است.

اگر امام به جماعت نماز بخواند و عده‌ای دیگر بیایند، تا وقتی صفوف نماز متفرق نشده باشند، اذان و اقامه نمی‌گویند، هرچند کراهِت دارد و اگر متفرق شدند، اذان و اقامه

۱. البته گفتن اذان و اقامه برای کودکی که هنوز به سن تکلیف نرسیده است و نمازهایش را به نیت مستحب به جا می‌آورد واجب نیست.

همچنین اگر وقت تنگ بود، گفتن اذان و اقامه لازم نیست، و اگر به اندازه گفتن یکی وقت داشت، اقامه را بگوید.

اگر کسی در قسمتی از اذان شک کرد، اگر هنوز در حال گفتن اذان بود، از همان قسمت دوباره تا آخر اذان را می‌گوید، و اگر اذانش تمام شده بود، به شکش اعتنا نمی‌کند؛ و حکم در اقامه نیز همین‌گونه است. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۴۵)

۲. البته این حکم برای زمانی است که مردی صدای او را می‌شنود، یا در مکانی نماز می‌خواند که ممکن است مردی وارد شود و صدایش را بشنود. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۴۴)

۳. یعنی نماز صبح و مغرب و عشا. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۴۴)

می‌گویند.

اگر نمازگزار برای نماز فرادا اذان بگوید و بعد بخواهد به جماعت ملحق شود، مستحب است دوباره اذان و اقامه بگوید.^۱

دوم: مؤذن

مؤذن باید عاقل، مسلمان، مؤمن و مرد باشد، اما بلوغ شرط نیست و همین که مُمَيِّز باشد کفایت می‌کند.

مستحب است مؤذن عادل و دارای صدایی رسا^۲ و بینا باشد، اوقات [نمازهای یومیّه] را بداند، با طهارت باشد و روی بلندی بایستد.

جایز است زن برای زنان اذان بگوید. اگر نمازگزار در نماز فرادا سهواً اذان نگوید و نماز را آغاز کند، نمازش را ادامه می‌دهد. اگر کسی پیدا نشود که بدون اجرت اذان بگوید، اجرت مؤذن از بیت‌المال پرداخته می‌شود.

سوم: چگونگی اذان

باید اذان را بعد از داخل شدن وقت بگویند. هنگام صبح می‌شود قبل از طلوع فجر اذان گفت، ولی بعد از طلوع باید دوباره تکرار شود.

بخش‌های اذان عبارت‌اند از: چهار تکبیر [الله اکبر]، شهادت به توحید (أشهد أن لا

۱. همچنین اگر فردی، غیر از امام‌جماعت، اقامه بگوید، صحیح است و امام تکبیرة الاحرام می‌گوید و نماز را شروع می‌کند. حتی کسی که می‌خواهد فرادا نماز بخواند می‌تواند به اذانی که دیگری گفته است اکتفا کند، و تنها اقامه بگوید و نمازش را بخواند. (احکام‌الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۴۶)

۲. البته این‌ها مستحب است و اگر مؤذن صدای رسایی نداشت، یا حتی اگر زبانش می‌گرفت و بعضی حروف را خوب تلفظ نمی‌کرد یا بعضی قواعد نحوی را رعایت نمی‌کرد، اشکالی ندارد و اذانش صحیح است. (احکام‌الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۴۸)

اله إلا الله)، بعد شهادت به رسالت (أشهد أن محمداً رسول الله)، و بعد شهادت به ولایت (أشهد أن علياً و الأئمة من وُلده حجج الله)، و بعد شهادت به هدایت (أشهد أن المهدي و المهديين من وُلده حجج الله)، سپس بگوید: «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ»، سپس «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» بعد «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» و تکبیر [الله اکبر] و تهلیل [لا اله الا الله] و هر کدام از این بخش ها را دو بار تکرار می کند.^۱

اقامه نیز همین بخش ها را دارد، با این تفاوت که در اقامه همه بخش ها دو بار گفته می شود و بعد از «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» دو بار «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» و در انتها تهلیل [لا اله الا الله] فقط یک مرتبه گفته می شود.

در اذان و اقامه، ترتیب بخش ها باید رعایت شود.

در اذان و اقامه، هفت چیز مستحب است:

- * رو به قبله بودن؛
- * توقف در آخر هر بند از اذان و اقامه؛
- * اذان را با تأنی و آرام بگوید؛
- * اقامه را به سرعت و پیوسته بگوید؛
- * بین اذان و اقامه سخن نگوید؛
- * بین اذان و اقامه با یک نماز دورکعتی یا با یک نشستن یا سجده فاصله بیندازد، به جز در نماز مغرب که بهتر است «با یک گام یا با لحظه ای سکوت» بین آن ها فاصله بیندازد.

۱. یعنی «الله اکبر» اول اذان را چهار بار و سایر بخش ها را دو بار تکرار می کند. (مترجم)

★ اگر مرد اذان می‌گوید، با صدای بلند اذان بگوید.

👉 استحباب تمامی این مستحبات در اقامه بیشتر است.

★ (ترجیح)^۱ در اذان مکروه است، مگر به دلیل اطلاع‌رسانی به تعداد بیشتری از مردم.

★ گفتن: «الصلاة خیرٌ مِنَ النوم» در اذان حرام است.

چهارم: مسائلی در احکام اذان

اول: اگر کسی هنگام خواندن اذان یا اقامه بخوابد و بعد بیدار شود، مستحب است از ابتدا شروع کند، البته جایز است از همانجا که خوابش برده بود ادامه دهد، و کسی که از هوش برود نیز همین حکم را دارد.

دوم: اگر کسی اذان بگوید و بعد مرتد شود، سایر افراد می‌توانند به اذان او اکتفا کنند و فقط اقامه بگویند؛ و اگر در بین گفتن اذان مرتد شود و دوباره از ارتدادش بازگردد، اذان را از ابتدا شروع می‌کند.

سوم: مستحب است کسی که اذان را می‌شنود خودش نیز آن را زمزمه کند.

چهارم: هنگامی که مؤذن گفت «قد قامت الصلاة»، حرف زدن شدیداً مکروه می‌شود، مگر درباره چیزهایی که به تدبیر امور نمازگزاران مربوط باشد.

پنجم: مکروه است مؤذن به چپ و راست رو برگرداند، اما مؤذن باید هنگام اذان به قبله رو کند.

ششم: اگر چند نفر خواهان اذان گفتن باشند، اولویت با فرد عالم‌تر و سپس با فرد پرهیزکارتر است و در صورت تساوی افراد مؤذن با استخاره از قرآن انتخاب

۱. منظور گفتن شهادتین با صدای آهسته است و سپس آن را دوباره با صدای بلند بگوید، درحالی‌که برخی از عامه قائل به مستحب بودنش شده‌اند. (شرح شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۱۳۶)

می‌شود.

هفتم: اگر یک گروه خواهانِ اذان گفتن بودند، جایز است همه با هم اذان بگویند، و در صورت داشتن وقت، بهتر است یکی پس از دیگری اذان بگویند.

هشتم: اگر امام جماعت صدای اذان گفتنِ فردی را بشنود، می‌تواند به همان اذان برای آغاز نماز کفایت کند، حتی اگر مؤذنِ تیتِ فرادا داشته باشد.

نهم: اگر در حین اذان یا اقامه حدثی از فرد سر بزند، طهارت حاصل می‌کند و از همان جا ادامه می‌دهد، البته درباره اقامه بهتر است بعد از طهارت، اقامه را دوباره از ابتدا شروع کند.^۱

دهم: اگر در حین نماز از نمازگزار حدثی سر بزند، طهارت حاصل می‌کند و نماز را از ابتدا می‌خواند و اقامه را تکرار نمی‌کند، مگر این که سخن گفته باشد.

یازدهم: اگر کسی بخواهد پشت سر امام جماعتی که نمی‌شود به او اقتدا کرد نماز بخواند،^۲ باید برای خودش اذان و اقامه بگوید؛ و اگر بترسد نماز را از دست بدهد، می‌تواند با دو تکبیر و گفتنِ «قد قامت الصلاة» نماز را به جا آورد. و اگر این امام جماعت در بخشی از اذان اشکال داشته باشد، مستحب است مأوم صحیح آن را بخواند.

* * *

۱. طهارت داشتن هنگام اذان و اقامه مستحب است. (مترجم)

۲. چون شروط امامت در او نبوده است. (مترجم)

بخش دوم: افعال نماز

افعال نماز به دو دسته تقسیم می‌شود: واجب و مستحب.^۱ و واجباتش هشت چیز است:

واجبات نماز

اول: نیت

نیت در نماز جزو ارکان^۲ است و اگر نمازگزار عمداً یا از روی فراموشی در نیت خللی ایجاد کند، نماز منعقد نمی‌شود. حقیقت و اصل نیت این است که در ذهنش بداند چه نمازی می‌خواند؛ یعنی در ذهنش این چهار ویژگی مشخص باشد: واجب یا مستحب بودن نماز، قصد قربت، تعیین نمازی که می‌خواند، و ادا یا قضا بودن آن؛ و نیازی نیست به زبان آورده شود.

وقت نیت هنگام انجام اولین جزء از تکبیرة الاحرام است، و واجب است نیت تا آخر نماز ادامه یابد، به‌طوری که نیت اول نماز از بین نرود.

اگر نیت کند از نماز خارج شود، نمازش باطل نمی‌شود. همچنین اگر نیت کند کاری انجام دهد که نماز را باطل می‌کند، بازهم نمازش باطل نمی‌شود، مگر این که آن عمل را انجام دهد [که در آن صورت] نمازش باطل می‌شود. اگر قصدش از افعال نماز ریا یا کاری غیر از نماز باشد، نیز نمازش باطل می‌شود.

تغییر دادن نیت نماز در شرایطی جایز است: تغییر نیت نماز ظهر جمعه به نماز نافله

۱. واجبات نماز عبارت‌اند از: نیت، تکبیرة الاحرام، قیام، رکوع، سجود، تشهد، سلام؛ و مستحبات نماز عبارت‌اند از: دعا، قنوت، تعقیبات و ... (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۵۲)

۲. رکن در نماز، افعالی هستند که چه عمداً و چه سهواً یا از روی فراموشی کم یا زیاد شوند، نماز باطل می‌شود؛ و ارکان نماز پنج تا هستند: نیت، تکبیرة الاحرام، قیام، رکوع، و دو سجده. (مترجم)

برای کسی که یادش برود سورۀ جمعه را بخواند و سورۀ دیگری خوانده باشد. همچنین تغییر نیت نماز واجب کنونی به نماز قضای قبلی، درحالی که وقت برای خواندن نماز کنونی باقی باشد.

دوم: تکبیرة الاحرام

تکبیرة الاحرام در نماز (رکن) است و نماز بدون آن صحیح نیست، حتی اگر به سبب فراموشی در آن خللی ایجاد شود [نماز باطل می شود].

شکل آن این است که بگوید: «الله اکبر»؛ و با گفتن معنی اش نماز منعقد نمی شود. و اگر در حرفی از حروف آن خلل ایجاد شود، نیز نماز منعقد نمی شود. اگر نتواند به طور صحیح آن را ادا کند، مانند اشخاص ناتوان در نطق،^۱ لازم است یاد بگیرد و اگر وقت کافی داشته باشد، نماز را بدون آن آغاز نمی کند. ولی اگر وقت نماز تنگ شد، با ترجمۀ تکبیرة الاحرام وارد نماز می شود.

فرد لال تا حد امکان باید تکبیرة الاحرام را بگوید و اگر اصلاً نتواند سخن بگوید، به همراه اشاره به آن معنایش را در قلبش حاضر می کند.^۲

رعایت ترتیب در آن واجب است^۳ و اگر برعکس بگوید، نماز منعقد نمی شود.

واجب است بعد از تکبیرة الاحرام، شش تکبیر بگوید که در مجموع هفت تکبیر می شود؛ و تکبیر اول، تکبیر آغاز نماز است.

۱. یعنی کسی که نتواند آن ها را به درستی به زبان بیاورد، چه عرب بوده باشد و چه غیر عرب. (شرح شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۱)

۲. یعنی با انگشتش، مثلاً به آسمان اشاره کند و کنایه از الله اکبر باشد. (شرح شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۲)

۳. یعنی ابتدا باید کلمۀ (الله) را بگوید و بعد کلمۀ (اکبر) را بگوید. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۵۶)

اگر تکبیر بگوید و نیت آغاز نماز داشته باشد و دوباره تکبیر بگوید و باز نیت آغاز کند، نمازش باطل می‌شود. اگر سومین تکبیر را بگوید و با آن نیت آغاز نماز کند، نماز منعقد می‌شود و باید بعد از آن شش بار تکبیر بگوید. واجب است نمازگزار ایستاده تکبیر بگوید، پس اگر نمازگزار توانایی ایستادن داشته باشد، ولی نشسته یا در حال برخاستن تکبیر بگوید نمازش منعقد نمی‌شود.

مستحبات تکبیر چهار چیز است:

این که لفظ جلاله (الله) بدون مدّ بین حروف تلفظ شود و لفظ (اکبر) بر وزن (أفعل) باشد، و امام جماعت طوری تکبیر بگوید که نمازگزاران صدای او را بشنوند. نمازگزار دست‌هایش را هنگام تکبیر به گونه‌ای بالا ببرد که کناره انگشت میانی‌اش به موازات گوش برسد و انگشت شست، باز و به سمت گلو باشد.

سوم: قیام

قیام در صورت توانایی از ارکان است و اگر نمازگزار عمداً یا سهواً خللی در آن ایجاد کند، نمازش باطل است. اگر بتواند بدون کمک گرفتن بایستد، باید چنین کند و اگر نتواند بدون کمک گرفتن بایستد، واجب است از هر وسیله‌ای که ممکن بود کمک بگیرد، البته کمک گرفتن از دیوار حتی با وجود توان هم جایز است.

اگر بتواند بخشی از نماز را ایستاده بخواند، باید همان قدر که می‌تواند بایستد و اگر نتواند، نشسته نماز می‌خواند. فردی که نشسته نماز می‌خواند اگر بتواند فقط برای رکوع بایستد باید چنین کند، در غیر این صورت نشسته رکوع می‌کند. اگر نتواند نشسته نماز بخواند، به پهلو می‌خوابد^۱ و نماز می‌خواند، و اگر نتواند به پشت می‌خوابد^۱ و نماز

۱. به طوری که صورت و سینه‌اش به سمت قبله باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة،

می‌خواند، و در این دو حالت اخیر، رکوع و سجده را با اشاره به جا می‌آورد.

اگر فردی در حین نماز نتواند بر حالتی باقی بماند، به کمتر از آن منتقل می‌شود و نماز را ادامه می‌دهد، مثلاً اگر ایستاده باشد و نتواند ادامه دهد، می‌نشیند و اگر نشسته باشد و نتواند، به پهلو می‌خوابد. و اگر به پهلو خوابیده باشد و نتواند به پشت می‌خوابد؛ و عکس آن نیز صحیح است.^۲ اگر کسی نتواند سجده کند، آنچه بر آن سجده می‌کند را بالا می‌آورد و اگر نتوانست، به جای سجده اشاره می‌کند.

و سنت در این بخش [در حالت نماز نشسته] دو چیز است: این که نمازگزار هنگام قرائت چهارزانو بنشیند، هنگام رکوع دوزانو بنشیند، و در تشهد به حالت تَوَكُّع بنشیند.^۳

چهارم: قرائت

قرائت واجب است و منظور از آن، خواندن سوره حمد در هر نماز دورکعتی و در دو رکعت اول نمازهای چهاررکعتی و سه رکعتی است. باید سوره حمد به طور کامل خوانده شود. در صورتی که عمداً حمد را اشتباه بخواند نمازش صحیح نیست، حتی اگر یک حرف یا حتی تشدید [حروف] یا اعراب آن‌ها را اشتباه بگوید.^۴ «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه‌ای از سوره حمد است و قرائت آن به همراه حمد واجب است. قرائت ترجمه سوره (حمد)

۱. شبیه محتضر، یعنی کف پاهایش رو به قبله باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۵۸)

۲. یعنی اگر کسی نمی‌تواند و نمازش را درحالی که به پشت خوابیده است می‌خواند و در بین نماز حالش بهتر شد و توانایی‌اش را پیدا کرد، باید به پهلو دراز بکشد یا بنشیند یا حتی اگر نتوانست، بایستد و نماز را ایستاده ادامه دهد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۵۹)

۳. یعنی بر ران پای چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ قرار دهد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۵۹)

۴. رعایت قوانین تجوید در نماز لازم نیست و همین قدر که به گونه‌ای قرائت کند که معنا را برساند کفایت می‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۶۱)

کفایت نمی‌کند. رعایت ترتیب کلمات و آیات سورۀ حمد به همان صورتی که نقل شده واجب است و اگر عمداً خلاف آن خوانده شود، باید از ابتدا بخواند و اگر از روی فراموشی در قرائت اشتباه کند، تا زمانی که به رکوع نرفته است باید دوباره قرائت کند؛ ولی اگر به رکوع رفت، نمازش را ادامه می‌دهد، حتی اگر یادش بیاید.

کسی که نمی‌تواند به درستی قرائت کند واجب است یاد بگیرد و اگر وقت نماز تنگ باشد، باید تا جایی که بتواند بخواند، یا «بسم الله الرحمن الرحيم» سورۀ حمد را ده بار بخواند؛ و اگر نتوانست، هر قدر از قرآن را که می‌داند بخواند، یا به اندازه‌ای که معادل قرائت باشد «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر» بگوید، و پس از آن واجب است [قرائت را] یاد بگیرد. فرد لال زبان خود را به نیت قرائت حرکت می‌دهد و معانی را از قلبش عبور می‌دهد.

نمازگزار در رکعت‌های سوم و چهارم، سورۀ حمد را باید بخواند، فرقی نمی‌کند امام باشد یا مأموم یا فرادا نماز بخواند؛ و اگر نتوانست، ده بار «بسم الله الرحمن الرحيم» بخواند و اگر نتوانست، تسبیحات بگوید.^۱

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب، در صورت وسعت وقت و امکان یادگیری و داشتن اختیار، خواندن یک سورۀ کامل بعد از حمد واجب است. اگر نمازگزار سوره را قبل از حمد بخواند، باید حمد را بخواند و دوباره بعد از حمد همان سوره یا سوره‌ای دیگر را بخواند.^۲ خواندن هیچ چیزی از سوره‌های عزائم^۳ در نمازهای واجب جایز نیست.^۱ و

۱. یعنی سه مرتبه تسبیحات اربعه. (شرح شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۷)

۲. بسم الله الرحمن الرحيم قسمتی از هر سوره است، و بسم الله در هر سوره، مخصوص همان سوره است. پس قبل از این که بسم الله را بگوید باید بداند قصد خواندن چه سوره‌ای را دارد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۶۲)

۳. سوره‌هایی که در آنها سجده واجب وجود دارد. (مترجم)

خواندن سوره‌ای که وقت نماز با قرائت آن تمام می‌شود نیز همین حکم را دارد. خواندن دو سوره در یک رکعت بعد از حمد جایز است.^۲

(جهر) [خواندن سوره حمد با صدای بلند] در نماز صبح و دو رکعت اول نماز مغرب و دو رکعت اول نماز عشا واجب است، اما در نمازهای ظهر و عصر و رکعت سوم نماز مغرب و دو رکعت آخر نماز عشا، (اخفات) [آرام خواندن حمد و سوره] واجب است.^۳

کمترین مقدار بلندی صدا آن است که اگر فردی از نظر شنوایی سالم باشد و در نزدیکی نمازگزار باشد، صدایش را بشنود؛ و آرام خواندن به این معناست که انسان اگر شنوا باشد، صدای خودش را بشنود. قرائت با صدای بلند در نماز برای زنان واجب نیست.^۴

۱. البته نمازش باطل نیست.

و شخصی هم که در حال نماز واجب است و آیه‌ای را می‌شنود که سجده واجب دارد بعد از تمام شدن نماز سجده می‌کند.

و در نماز نافله، خواندن سوره‌های عزائم اشکال ندارد، و اگر خواند، به موضع سجده که رسید، سجده‌اش را انجام می‌دهد و برمی‌خیزد و قرائتش و نمازش را ادامه می‌دهد. اگر سجده در آخر سوره بود (سوره علق)، بعد از سجده برمی‌خیزد و بعد به رکوع می‌رود و نماز را ادامه می‌دهد. و همچنین اگر در نافله بود و شخص دیگری آیه سجده‌دار خواند و او گوش داد، اگر در حال قرائت بود، به سجده می‌رود و برمی‌خیزد و نماز را ادامه می‌دهد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۶۳)

۲. البته خواندن بیش از دو سوره جایز نیست. نمازگزار می‌تواند سوره‌ای را که در حال خواندن آن است رها کند و مشغول خواندن سوره دیگری شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۶۳)

۳. البته اگر شخصی به دلیل جهل یا فراموشی، در جایی که باید نماز را به صورت جهر و بلند بخواند، آهسته و به صورت اخفات بخواند (یا بالعکس) اشکالی ندارد و نیازی نیست که نماز را دوباره بخواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۶۴)

۴. اگر زنی نمازش را به صورت جهری و بلند بخواند (هرچند نباید این کار را می‌کرد) نمازش صحیح است، چه نامحرم صدایش را بشنود و چه نشنود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۶۴)

مستحبات قرائت:

* بلند خواندن «بسم الله...» حمد و سوره در جاهایی که آهسته خواندن آن سوره‌ها لازم است.^۱

* ترتیل در قرائت، و وقف در جاهایی که لازم است.

* خواندن سوره بعد از حمد در نوافل.

* خواندن سوره‌های کوتاه در نماز ظهر و عصر و مغرب، مثل سوره (قدر) و (کافرون)، و خواندن سوره (اعلی) و (طارق) و شبیه آن‌ها در نماز عشا، و خواندن سوره (مدثر) و (مزمل) و شبیه آن‌ها در نماز صبح.

* خواندن سوره (هل اتی) در نماز صبح روز دوشنبه و پنج‌شنبه، و خواندن سوره (جمعه) و (اعلی) در نماز مغرب و عشاء شب جمعه، و سوره (جمعه) و (توحید) در نماز صبح روز جمعه، و خواندن سوره (جمعه) و (منافقون) در نماز ظهر و عصر جمعه.

* در نوافل روز، خواندن سوره‌های کوتاه با صدای آهسته، و در نوافل شب، خواندن سوره‌های طولانی با صدای بلند سنت است و اگر وقت تنگ باشد، در نوافل شب نیز سوره‌های کوتاه می‌خواند.

* خواندن سوره «قل یا ایها الکافرون» در هفت موضع^۲ از نمازها سنت است و اگر در این مواضع سوره (توحید) را آغاز کند، جایز خواهد بود.

۱. مثلاً در نماز ظهر که باید حمد و سوره آهسته خوانده شود، خوب است «بسم الله الرحمن الرحیم» را در ابتدایشان با صدای بلند و جهری بخوانیم. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۶۵)

۲. هفت موضع: در رکعت اول، در نمازهای نافله ظهر و مغرب و نافله‌های شب و نافله صبح و نماز واجب صبح، و در رکعت اول از شش رکعت نماز مستحبی که قبل از احرام می‌خوانند، و در رکعت اول از دو رکعت نماز طواف. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۶۵)

★ همچنین سنت است در دو رکعت اول نماز شب، سی بار (توحید) بخواند و در باقی رکعت‌ها سوره‌های طولانی قرائت شود.

★ مستحب است امام قرائت را تا زمانی که صدایش به بلندی [فریاد] نرسد، به گوش افراد پشت سرش برساند؛ و شهادتین را نیز مستحب است به همین صورت [با صدای واضح و رسا] بگوید.

★ اگر در نماز، آیات رحمت خوانده شد، مستحب است نمازگزار آن نعمت‌ها را از خداوند طلب کند و اگر آیات عذاب خوانده شد، به خدا پناه ببرد.

مسائل هفت گانه:

اول: گفتن (آمین) در پایان سوره حمد جایز نیست.

دوم: موالات در قرائت، شرط صحت است و اگر در حین خواندن یک سوره از سوره‌ای دیگر بخواند، یا به نیت قطع قرائت سکوت کند، باید از نو بخواند. اما اگر هنگام قرائت ساکت شود و نیت قطع قرائت نداشته باشد یا نیت قطع کند، ولی قرائت را قطع نکند، نمازش را ادامه می‌دهد.

سوم: سوره (ضحی) و «الم نشرح» یک سوره هستند، و سوره (فیل) و «لایلاف [قریش]» نیز به همین صورت؛ یعنی در هر رکعت از نماز هر دو را با هم می‌خواند و نمی‌تواند بعد از حمد فقط یکی از آن‌ها را به‌تنهایی به‌عنوان سوره قرائت کند، و همچنین نیازی به گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» بین آن‌ها نیست.

چهارم: اگر شخصی ندانسته یا از روی فراموشی در جایی که باید نماز را بلند بخواند آهسته بخواند یا بالعکس، نماز را دوباره نمی‌خواند.

پنجم: اگر فردی نمی‌تواند سوره حمد را بخواند، می‌تواند به‌جای آن ده مرتبه

«بسم الله الرحمن الرحيم» این سوره را تکرار کند یا دوازده بار تسبیح بگوید، به این صورت که «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» را سه مرتبه تکرار کند.

ششم: اگر شخصی در نماز نافله یکی از سوره‌های عزائم^۱ را بخواند، یا اگر شخص دیگری بخواند و او بشنود، به آیه سجده‌دار که رسید باید به سجده برود و سپس برخیزد و قرائتش را تمام کند و به رکوع رود. اگر آیه سجده‌دار در آخر سوره بود،^۲ بعد از خواندن آن به سجده برود و سپس مستحب است برخیزد و سوره حمد را بخواند و بعد به رکوع برود تا از حال قرائت به رکوع رفته باشد.

هفتم: معوذتین^۳ جزو قرآن هستند و می‌توان آن‌ها را در نمازهای واجب یا مستحب قرائت کرد.

پنجم: رکوع

در هر رکعت از نماز، یک بار رکوع واجب است، به جز در نماز کسوف و آیات.^۴ رکوع از ارکان نماز است و در صورتی که عمداً و سهواً در آن خللی ایجاد شود، نماز باطل می‌شود؛ که توضیح آن خواهد آمد.^۵

واجبات رکوع پنج تاست:

۱. سوره‌هایی که در آن‌ها آیه‌ای وجود دارد که تلاوت یا استماع آن، سجده را واجب می‌کند. (مترجم)

۲. سوره علق. (مترجم)

۳. یعنی سوره‌های (قلق) و (ناس). (مترجم)

۴. در نماز کسوف و آیات، در هر رکعت چند مرتبه رکوع انجام می‌شود؛ که توضیح آن در مبحث نماز آیات خواهد آمد. (مترجم)

۵. توضیح آن در مبحث احکام خلل در نماز خواهد آمد. (مترجم)

اول: نمازگزار به قدری خم شود که بتواند دست‌هایش را روی زانوهایش بگذارد و اگر دست‌هایش به قدری دراز باشد که بدون خم شدن به زانوهایش می‌رسد، به اندازه یک فرد عادی خم می‌شود. اگر به دلیل عارضه‌ای نتواند خم شود، تا آنجا که ممکن است اقدام به خم شدن می‌کند و اگر اصلاً نتوانست خم شود، به اشاره بسنده می‌کند. و اگر - مادرزادی یا به سبب بیماری - شکل ایستادنش همانند حالت رکوع باشد، باید به مقدار کمی هم که شده خم شود تا ایستادن و رکوعش با یکدیگر متفاوت باشد.

دوم: طمأنینه و آرام بودن بدن در صورت توانایی، به اندازه‌ای که بتواند ذکر واجب رکوع را بگوید؛^۱ و اگر بیمار باشد و نتواند [هنگام رکوع چند ثانیه آرامش بدنش را حفظ کند] از او ساقط می‌شود، همان‌طور که اگر اصلاً نتواند رکوع کند، انجامش ساقط می‌شود.

سوم: سر برداشتن از رکوع واجب است، و جایز نیست قبل از این که از حالت رکوع بلند شود بلافاصله به سجده برود، مگر این که عذری داشته باشد؛ و اگر برای سر برداشتن از رکوع نیاز داشته باشد به چیزی تکیه کند، واجب است چنین کند.

چهارم: آرام بودن بدن پس از سر برداشتن از رکوع؛ یعنی صاف بایستد و بدنش ساکن باشد، حتی اگر برای یک لحظه کوتاه باشد.

پنجم: ذکر تسبیح رکوع یعنی خواندن یک ذکر، چه الله اکبر باشد، چه

۱. جایز نیست شخص عجله کند و به اندازه‌ای که ذکر رکوعش کامل شود در رکوع ساکن نماند، اما اگر از روی غفلت این کار را کرد رکوعش صحیح است و نیاز نیست دوباره رکوعش را به جا آورد، و نیازی به تکرار نماز هم نیست. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۶۹)

لااله الا الله، و چه الحمد لله یا شکراً لله؛ و کمترین مقدار آن در حالت اختیار، یک تسبیح کامل است، که عبارت است از: «سبحان ربی العظیم و بحمده» یا «سبحان ربی العلی و بحمده» یا گفتن سه مرتبه «سبحان الله»؛ و در صورت ضرورت، یک تسبیح کوچک کفایت می‌کند.

برای رفتن به رکوع، گفتن تکبیر واجب است.

سنت‌های رکوع:

مستحب است: نمازگزار در تکبیر قبل از رکوع، دست‌ها را تا موازات گوش‌هایش بالا بیاورد، سپس دست‌ها را بیندازد و رکوع کند؛ و دست‌ها را در حالی روی زانوهایش بگذارد که انگشت‌هایش از یکدیگر باز باشد. اگر یکی از دست‌ها مشکل داشته باشد، دست دیگر را روی زانو بگذارد.

مستحب است زانوهایش را به عقب براند و کمرش را راست کند و گردنش را در موازات پشتش قرار دهد؛ و قبل از ذکر رکوع دعا کند و تسبیح رکوع را سه، پنج، هفت مرتبه یا بیشتر تکرار کند. امام‌جماعت صدای خود را در حین رکوع بالا ببرد و بعد از سر برداشتن بگوید: «سمع الله لمن حمده» و بعد دعا بخواند.

مکروه است: نمازگزار در حالتی رکوع کند که دست‌هایش زیر لباسش باشند.

ششم: سجده

در هر رکعت، دو سجده واجب است و هر دو سجده (با هم)، (یک رکن) هستند و با ایجاد خلل عمدی یا سهوی در هر دو سجده، نماز باطل می‌شود. ولی در صورت اخلال سهوی در یکی از آن‌ها نماز باطل نخواهد شد.

واجبات سجده شش تا ست:

اول: سجده بر هفت عضو از بدن: پیشانی، کف دستان، زانوها، و انگشت

شست هر دو پا.

دوم: گذاردن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است. سجده بر دنباله عمامه کفایت نمی کند.

سوم: در سجده باید به اندازه ای خم شد که پیشانی و پاها در یک سطح قرار بگیرند. اگر در محل قرار گرفتن پا و پیشانی اختلاف کمی باشد اشکال ندارد، ولی نباید این اختلاف بیشتر از ارتفاع یک خشت آجر باشد.

اگر چیزی مانع سجده شود، باید هر طور می تواند سجده را انجام دهد، و اگر لازم بود آنچه را بر آن سجده می کند با دست بردارد و بر پیشانی بگذارد، باید چنین کند. و اگر انجام هیچ یک از این ها برایش مقدور نبود، اشاره می کند.

چهارم: ذکر سجده همان گونه است که در ذکر رکوع گفتیم، البته به جای (العظیم) و (العلی) باید گفت: (الاعظم) و (الاعلی).^۱

پنجم: آرام بودن بدن در سجده واجب است، مگر ضرورتی باشد که مانع شود.

ششم: سر برداشتن از سجده اول و نشستن به طوری که بدن آرام بگیرد.

گفتن تکبیر برای رفتن به سجده و سر برداشتن از آن واجب است.

مستحبات سجده:

هنگام تکبیر گفتن برای رفتن به سجده، دست هایش را تا روبه روی صورتش بالا ببرد، به گونه ای که کنار انگشت هایش تا نزدیک گوش هایش برسد و انگشت شست باز و به سمت گلو باشد، که این [شیوه] نماز ملائکه است. سپس برای سجده طوری به سمت

۱. یعنی بگوید: «سبحان ربی الاعلی و بحمده» یا «سبحان ربی الاعظم و بحمده». (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۷۰)

زمین فرود بیاید که ابتدا دست‌هایش به زمین برسد، و محل پیشانی در سجده هم‌سطح یا پایین‌تر از موضع ایستادن باشد، و بینی را به خاک بگذارد و دعا کند و تا حد امکان به ذکر تسبیح سجده بیفزاید. بین دو سجده دعا کند و به حالت (تَوَرُّک) ^۱ بنشیند، و بعد از سجده دوم با آرامش بنشیند. سپس هنگام برخاستن دعا کند و به دست‌هایش تکیه کند و اول زانوها را بلند کند [بعد دست‌ها را از زمین جدا کند].

«اقعاء» ^۲ بین دو سجده مکروه است.

مسائل سه گانه:

اول: اگر کسی مانعی برای قرار دادن پیشانی بر زمین داشته باشد، مثلاً دُم‌لی داشته باشد که پیشانی‌اش را به‌طور کامل نیپوشانده، زمین را می‌کند، به‌گونه‌ای که بخش سالم پیشانی با زمین تماس پیدا کند و اگر نتوانست، روی یک طرف از پیشانی‌اش سجده کند؛ و اگر مانعی داشت، روی چانه‌اش سجده می‌کند.

دوم: سجده‌های قرآن پانزده تاست: چهار سجده واجب، که در سوره‌های (فصلت) و (سجده) و (نجم) و (علق) قرار دارند و یازده سجده دیگر که مستحب است و عبارت‌اند از: در سوره (اعراف) و (رعد) و (نحل) و (بنی‌اسرائیل) و (مریم)، و در سوره (حج) در دو موضع، و در سوره (فرقان) و (نمل) و (ص) و سوره (انشقاق).

۱. یعنی بر روی ران پای چپ بنشینند و روی پای راستش را بر کف پای چپ قرار دهد. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۷۴)

۲. یعنی باسن را روی زمین بگذارد و دو پایش را درون سینه جمع کند، به‌طوری که زانوهاش مقابل صورتش قرار بگیرد و دو ساق و دو ران پایش راست و عمود بر زمین باشد. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۷۴)

در سوره‌های چهارگانه عزائم، سجده هم بر خواننده و هم شنونده‌ای که گوش می‌کند واجب است و برای کسی که تنها به گوشش خورده باشد مستحب است، و برای سایر سجده‌ها در هر صورت مستحب است.

در این سجده‌ها، تکبیر و تشهد و سلام واجب نیست و نیز طهارت و رو به قبله بودن شرط نیست و اگر فراموش کرد، می‌تواند آن را بعداً به جا آورد.

سوم: دو سجده شکر هنگام تجدید نعمت و دفع بلا و بعد از نمازها مستحب است و بهتر است در بین آن‌ها دو طرف پیشانی و گونه‌ها را به خاک بمالد.

هفتم: تشهد

تشهد در هر نماز دورکعتی به تعداد یک مرتبه، و در نماز سه و چهار رکعتی به تعداد دو مرتبه واجب است؛ و اگر در هر دو یا یکی از آن‌ها عمداً خللی ایجاد کند، نماز باطل می‌شود.

واجبات در هر تشهد پنج تاست:

نشستن به میزان تشهد، خواندن شهادتین، و صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) به صورت زیر: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.»

کسی که تشهد را به طور کامل نیاموخته است اگر وقت کم بود، باید هرآنچه را می‌داند به جا آورد، و بر او واجب است بعداً آنچه را نمی‌داند بیاموزد.

مستحبات تشهد:

نشستن به حالت (تَوَكُّع): یعنی روی ران چپ بنشیند و دو پایش را از زیرش بیرون بیاورد و روی پای چپ را بر زمین بگذارد و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد؛ همچنین حمد و خواندن دعا بیش از مقدار واجب.

هشتم: سلام

(سلام) واجب است و بدون آن [نمازگزار] از نماز خارج نمی‌شود، به این صورت که بگوید: «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»^۱

مستحبات سلام:

اگر نمازگزار به صورت فرادا نماز می‌خواند، یک سلام به سوی قبله بگوید و با گوشه چشم خود به سمت راست اشاره کند. در نمازجماعت، امامجماعت و مأموم با صورت خود به سمت راست اشاره کنند و سلام دهند. و اگر کسی سمت چپ آن‌ها باشد، با صورت خود به سمت چپ اشاره کند و دوباره سلام دهند.

پنج چیز در نماز مستحب است:

اول: دعا کردن بعد از هر دو تکبیر از تکبیرهای شش گانه بعد از تکبیره الاحرام، به این گونه که سه تکبیر بگوید و دعا کند،^۲ بعد دو تکبیر بگوید و دعا کند^۳ و سپس دوباره دو تکبیر بگوید و دعا کند.^۴ اولین تکبیر از تکبیرهای

۱. گفتن «السلام علیک ایها النبی ..، السلام علینا و علی عباد الله» - قبل از سلام - مشکلی در نماز ایجاد نمی‌کند و می‌تواند قبل از سلام هر دعای دیگری که خواست بخواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۷۷)

۲. «اللهم انت الملك الحق لا اله الا انت سبحانک انی ظلمت نفسی فاغفر لی ذنبی، انه لا یغفر الذنوب الا انت» (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۷۸)

۳. «لیک و سعیدک و الخیر فی یدیک و الشر لیس الیک و المهدی من هدیت لا ملجأ منک الا الیک سبحانک و حنانیک تبارکت و تعالیت سبحانک رب البیت» (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۷۸)

۴. «وجهت وجهی للذی فطر السماوات و الارض عالم الغیب و الشهادة حنیفاً مسلماً و ما انا من المشرکین انّ صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له بذلک امرت و انا من المسلمین» آنگاه اعوذ بالله می‌گوید و شروع به خواندن حمد می‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۷۸)

هفت‌گانه را تکبیرة الاحرام قرار دهد، و هنگام گفتن آن نیت نماز کند و آن را ابتدای نماز قرار دهد.

دوم: قنوت در رکعت دوم هر نماز، قبل از رکوع و بعد از قرائت [حمد و سوره]. مستحب است در قنوت دعاها و اذکاری را که در روایات آمده است بخواند و در غیر این صورت هر دعایی را خواست بخواند و کمترین مقدار آن سه مرتبه «سبحان الله» است. قنوت بعد از رکوع پایانی در هر نماز نیز مستحب است.

نماز جمعه دو قنوت دارد: در رکعت اول، قبل از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع.

اگر قنوت را فراموش کرد، بعد از رکوع قضای آن را به جا می‌آورد.

سوم: در حالت قیام، چشم‌هایش را به سجده‌گاهش، در حین قنوت به کف دست‌هایش، در حال رکوع به فاصله میان پاهایش، هنگام سجده به نوک بینی‌اش، و در حال تشهد به ران‌هایش معطوف کند؛ و بهتر آن است که نمازگزار در طول نماز چشم‌هایش را به زیر افکند.

چهارم: دست‌ها را در حالت قیام، روی ران‌ها به موازات زانوهایش قرار دهد و در حالت قنوت، مقابل صورت، در حالت رکوع روی زانو‌ها، در حالت سجده در کنار گوش‌ها، و در حالت تشهد روی ران‌هایش قرار دهد.

پنجم: تعقیبات؛ و کمترین مقدار آن سه بار تکبیر گفتن است، در هر حالتی این تکبیرها را ترک نکند، زیرا این تکبیرها کامل‌کننده ده مقام حج و کمال معرفت هستند.^۱ بهترین تعقیب نماز تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) است و بعد از آن، خواندن

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه، مراجعه کنید به جلد سوم از کتاب متشابهات، سؤال ۹۳.

(احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۸۰)

دعاهایی که روایت شده است و اگر ممکن نبود، هرچه می‌تواند.

پایان: مبطلات نماز

دو گونه هستند:

اول: چیزهایی که چه عمدی و چه سهوی انجام شود نماز را باطل می‌کند، و عبارت‌اند از: هر چیزی که طهارت را باطل می‌کند، چه تحت اختیار انسان قرار گیرد و چه بدون اختیار باشد، مثل خروج ادرار و مدفوع و سایر چیزهایی که وضو^۱ را باطل می‌کند، و جنابت و حیض و مشابه آن‌ها که از مبطلات غسل باشد.^۲

دوم: چیزهایی که تنها در صورتی نماز را باطل می‌کند که از روی عمد باشد، و عبارت‌اند از: گذاشتن دست راست روی دست چپ، برگرداندن سر به پشت، سخن گفتن با دو حرف یا بیشتر (مگر این که برای یادآوری تعداد رکعت‌ها به امام باشد که در این صورت نمازش باطل نمی‌شود، مثلاً امام نماز ظهر را سه رکعت بخواند و تشهد بگوید و سلام دهد، که در این صورت مأموم به او می‌گوید: «ما فقط سه رکعت خواندیم» تا به امام یادآور شود، و اشکالی برای مأموم نخواهد بود که - بعد از یادآوری به امام - بایستد و با امام رکعت چهارم را به پایان برساند)، قهقهه زدن، انجام حرکات و کارهای فراوانی که جزو اعمال نماز نباشد، گریه کردن برای امور دنیوی، خوردن و آشامیدن اگر زیاد باشد، اما خوردن به مقدار کم - مانند آنچه از غذا در میان دندان‌ها باشد - نماز را باطل نمی‌کند. خوردن آب برای کسی که نماز وتر می‌خواند و تشنه است و می‌خواهد صبح آن روز روزه بگیرد - به شرطی که به قبله پشت نکند - نماز را باطل نمی‌کند.

۱. مانند باد و خواب و بیهوشی. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۸۲)

۲. مانند نفاس و استحاضه و مس میت. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۸۲)

بستن و بافتن مو [و جمع کردن در وسط سر] برای مرد مکروه است.

مکروهات نماز

به چپ و راست نگرستن، خمیازه کشیدن، کشیدن دست‌ها برای رفع خستگی و خواب، انجام کار بیهوده، فوت کردن محل سجده، خارج کردن خلط از سینه یا سر، آب دهان انداختن، صدای مفاصل انگشتان را درآوردن، آه کشیدن، اشاره کردن با یک حرف، و جلوی ادرار و مدفوع و باد شکم را گرفتن. همچنین اگر پاپوش نمازگزار تنگ باشد، مستحب است برای نماز آن را از پا خارج کند.

مسائل چهارگانه

اول: اگر شخص در حال نماز عطسه کند، مستحب است «الحمد لله» بگوید، و همچنین اگر کسی غیر از او عطسه کرد، مستحب است به او «یرحمکم الله» بگوید.

دوم: اگر کسی به نمازگزار سلام کند، جایز است با همان لفظ پاسخ دهد، مثلاً اگر به او بگویند «سلام علیکم»، نباید بگوید «و علیکم السلام».

سوم: خواندن دعاهایی که دارای تسبیح یا ستایش خداوند است یا طلب چیزی از امور مباح دنیوی و اخروی در حال قیام و نشستن و رکوع و سجود جایز است. نمازگزار نمی‌تواند برای چیزی که حرام است دعا کند و اگر چنین کند و بداند خواسته‌اش حرام است، نمازش باطل می‌شود.

چهارم: نمازگزار می‌تواند برای جلوگیری از تلف شدن مال یا فرار کسی که به نمازگزار بدهکار است یا به خطر افتادن جان کودک یا مشابه این‌ها نماز را قطع

کند، ولی به صورت اختیاری نمی تواند نماز را قطع کند.^۱

۱. همچنین اگر وسط نماز، کاری انجام دهد که نمی داند نماز را باطل می کند یا نه، نمی تواند به خاطر شک نماز را به هم بزند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۸۴)

بخش سوم: سایر نمازها

این بخش چند فصل دارد:

فصل اول: نماز جمعه

شامل سه مبحث است: [کیفیت] نماز جمعه، افرادی که بر آنها واجب است، و آداب نماز جمعه.

اول: کیفیت نماز جمعه

مثل نماز صبح دو رکعت است و همین دو رکعت به جای نماز ظهر نیز محسوب می شود. مستحب است در نماز جمعه، حمد و سوره بلند خوانده شوند. وقت آن از اذان ظهر تا پایان وقت ظهر است.^۱

اگر امام یا مأموم در حال خواندن نماز جمعه باشد و وقت تمام شود، باید نماز را به پایان برسانند، ولی اگر وقت کاملاً تمام شود، نمی توانند نماز جمعه بخوانند؛ و اگر نماز جمعه را ترک کردند، باید قضای نماز ظهر را به جا آورند نه نماز جمعه را.

اگر نماز جمعه بر او واجب شد، ولی او نماز ظهر را به جا آورده بود، باید برای رسیدن به نماز جمعه تلاش کند؛ اگر به نماز جمعه رسید صحیح است، و اگر نرسید دوباره نماز ظهر را می خواند و نماز ظهر اولش کافی نیست.

اگر نمازگزار یقین کند به اندازه خطبه و دو رکعت کوتاه وقت دارد، نماز جمعه واجب می شود، ولی اگر یقین یا گمان قوی داشته باشد که وقت چنین کاری را ندارد، نماز جمعه از دست رفته است و باید نماز ظهر بخواند.

۱. مقصود از پایان وقت ظهر، یعنی تا چند دقیقه مانده به غروب آفتاب به اندازه خواندن نماز عصر.

نکته: مدت زمان نماز جمعه باید در حد معمول باشد، نه خیلی طولانی و خسته کننده و نه خیلی کوتاه که به ارکان آن صدمه بزند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۸۶)

اگر به خطبه‌های نماز جمعه - در ابتدای نماز - نرسید، ولی به یک رکعت از نماز جمعه رسید یا حتی به رکوع رکعت دوم رسید، نماز جمعه او درست است، ولی اگر تکبیر گفت و رکوع را به جا آورد و پس از آن شک کرد به رکوع امام رسیده است یا نه، نماز جمعه او درست نیست و باید نماز ظهر بخواند.

نماز جمعه فقط با شرایط زیر واجب می‌شود:

اول: وجود حاکم عادل (امام معصوم علیه السلام)، یا هر کسی که امام او را منصوب کرده باشد. اگر در وسط نماز جمعه امام فوت کند، نماز جمعه باطل نمی‌شود، بلکه جایز است جماعت کسی را جلو بیندازند تا نماز جمعه را برایشان تمام کند.^۱ اگر برای شخصی که از طرف امام علیه السلام معین شده است مبطلات نماز پیش آید - مثل بیهوش شدن، دیوانه شدن یا سر زدن حدث - همین حکم جاری است.

دوم: تعداد افراد با احتساب خود امام حداقل باید پنج نفر باشد.^۲ اگر هنگام خطبه یا بعد از خطبه و قبل از ورود به نماز پراکنده شوند، وجوب نماز جمعه از بین می‌رود، ولی اگر وارد نماز شدند - حتی به اندازه یک تکبیر - بر آن‌ها واجب است نماز را به پایان برسانند، حتی اگر یک نفر بیشتر باقی نمانده باشد.

سوم: دو خطبه؛ و در آن چند چیز واجب است:

۱. نیازی نیست کسی که جلو فرستاده می‌شود از سوی همه جماعت انتخاب شود، بلکه اگر عده‌ای به او اشاره کنند جلو برود کافی است، و او نماز را ادامه می‌دهد و لازم نیست از ابتدا بخواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب: جزء دوم، صلاة، ص ۸۷)

۲. تعداد افراد نماز جمعه، با حضور بانوان نیز تکمیل می‌شود، اما با حضور کودک غیر بالغ که متمیز باشد تکمیل نمی‌شود. اگر هنگام اذان ظهر تعدادشان به پنج نفر نرسید، نماز جمعه برایشان واجب نیست و می‌توانند نماز ظهر بخوانند، البته اگر امید آمدن نفرات دیگر و تکمیل پنج نفر را دارند بهتر است صبر کنند. اگر امام معین در آنجا حضور نداشته باشد، نماز جمعه مستحب است، اما اگر در مکانی دیگر امام تعیین شده از طرف امام وجود داشت، باید خودش را برای نماز به آنجا برسانند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۸۸)

★ ستایش خدا؛

★ صلوات بر پیامبر و خاندانش (علیهم السلام)؛

★ پند و اندرز؛

★ خواندن یک سوره کوتاه یا یک آیه.

از اهل بیت (علیهم السلام) روایت شده است: خدا را سپاس گوید و ثنای الهی به جا آورد، سپس به تقوا توصیه کند، و [در انتهای خطبه] یک سوره کوتاه از قرآن را بخواند، سپس [در بین دو خطبه] بنشیند، و بعد از آن برخیزد و [در خطبه دوم] حمد و ثنای خدا را به جا آورد، آنگاه بر پیامبر و خاندانش و ائمه مسلمین درود و صلوات بفرستد و برای زن و مرد مؤمن استغفار کند. جایز است دو [خطبه] را پیش از زوال خورشید بخواند، به طوری که وقتی از آن فارغ شود خورشید به میانه و وقت نماز ظهر رسیده باشد. واجب است خطبه پیش از نماز باشد و اگر با خواندن نماز شروع کند، نماز جمعه صحیح نخواهد بود. خطیب نماز جمعه وقتی خطبه‌ها را بیان می‌کند - در صورت توانایی - باید ایستاده باشد، و فاصله انداختن بین دو خطبه با نشستنی کوتاه واجب است؛ و هنگام ایراد خطبه، طهارت برای امام واجب است، ولی برای مأمومین واجب نیست. و اگر در خطبه حدیثی از امام سر زد، طهارت حاصل و خطبه را کامل می‌کند. بر امام واجب است صدای خود را تا حدی بالا ببرد که حداقل چهار نفر - و بیشتر - از مأمومین بشنوند.

چهارم: نماز جمعه به جماعت برگزار می‌شود و فرادای آن صحیح نیست. اگر امام معصوم حضور داشته باشد، حضور در نماز جمعه و اقامه آن بر او واجب می‌شود، و اگر مانعی برایش پیش آمد، می‌تواند کسی را جایگزین خود کند.

پنجم: نباید دو نماز جمعه با فاصله کمتر از پنج و نیم کیلومتر برگزار شود؛ اگر هم‌زمان با هم برگزار شدند، هر دو باطل هستند. اگر یکی از آن دو نماز جمعه - حتی اگر به اندازه یک تکبیر الحرام - جلوتر باشد و زودتر برگزار شود، دیگری باطل می‌شود و اگر هیچ‌یک

زودتر شروع نشده باشد، هر دو باید ظهر را دوباره بخوانند.

دوم: افرادی که نماز جمعه بر آنها واجب است:

با هفت شرط نماز جمعه واجب می شود:

★ رسیدن به سن تکلیف؛

★ مرد بودن؛

★ آزاد بودن؛

★ در سفر نبودن؛

★ نایبنا، مریض و لنگ نباشد؛

★ پیر و ناتوان نباشد؛

★ از محل زندگی او تا نماز جمعه بیشتر از یازده کیلومتر فاصله نباشد.

تمام این افراد اگر با وجود سختی در محل نماز حاضر شوند، خواندن نماز جمعه بر آنان واجب است و با حضور آنها نماز جمعه برگزار می شود، به غیر از افرادی که تکلیف از آنان برداشته شده است. اگر کافر به نماز جمعه آمد، نمازش صحیح نیست و تعداد افراد نماز جمعه با حضور او تکمیل نمی شود، هر چند بر او نیز واجب بوده است. اگر شروط نماز جمعه حاصل شود، شرکت کردن در آن برای روستایی و شهری واجب خواهد شد و برای چادر نشینان - مثل عشایر و بادیه نشینان - اگر ساکن شده باشند، [نماز جمعه] واجب است.

مسائل ده گانه

اول: اگر برده به طور ناقص آزاد شده باشد، نماز جمعه بر او واجب نیست.

همچنین اگر مولایش با او قرارداد کرده باشد برخی از روزها در اختیار خودش و

برخی روزها در اختیار مولایش باشد، و جمعه در روزهایی قرار بگیرد که در اختیار خودش است، باز هم نماز جمعه بر او واجب نمی‌شود. همین حکم برای بنده مُکاتب^۱ و بنده مُدبّر^۲ نیز جاری است.

دوم: شخصی که نماز جمعه از او ساقط شده است جایز است نماز ظهر را در اول وقت بخواند و واجب نیست آن را به تأخیر بیندازد تا نماز جمعه تمام شود، بلکه حتی تأخیر آن مستحب هم نیست، مگر شخصی که گمان می‌کند در نماز جمعه حاضر خواهد شد، و پس از این که در محل نماز جمعه حضور پیدا کرد نماز جمعه بر او واجب می‌شود.

سوم: سفر بعد از اذان ظهر جایز نیست، چرا که نماز جمعه واجب شده است؛ و پس از اذان صبح کراهت دارد.

چهارم: گوش سپردن به خطبه‌های نماز جمعه واجب است و سخن گفتن در طول آن حرام است، ولی نماز جمعه را باطل نمی‌کند.

پنجم: شروط امام جمعه: ۱- کامل بودن عقل؛ ۲- ایمان؛ ۳- عدالت؛ ۴- حلال زاده بودن؛ ۵- مرد بودن، البته اگر در مأمومین مردی وجود داشته باشد.

امام جمعه می‌تواند برده، جذامی یا کور باشد یا دچار پستی باشد یا کر و لال باشد؛ در این صورت، با کری و کوری اش نماز می‌خواند و با اشاره خطبه را بخواند، ولی در این حالت واجب نیست غیر این گروه [کر و لال‌ها] در نماز جمعه حاضر

۱. مکاتب: شخصی که با مولایش قراردادی بسته مبنی بر این که مبلغی را پرداخت کند و آزاد شود، ولی هنوز آزادی‌اش کامل نشده است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۹۳)

۲. مدبر: شخصی که مولایش به او گفته است بعد از مرگ من آزاد می‌شوی. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۹۳)

شوند.

ششم: اگر مسافر قصد کند ده روز یا بیشتر در یک شهر بماند یا بدون نیت بیش از سی روز در یک شهر اقامت کند، نماز جمعه بر او واجب می شود.

هفتم: اذان دوم روز جمعه بدعت است.

هشتم: بعد از اذان ظهر روز جمعه، خرید و فروش حرام می شود و اگر کسی چنین کند گناه کرده، ولی معامله اش صحیح است. اگر نماز جمعه بر یکی از دو طرف معامله واجب نباشد، معامله برای همان شخص جایز و برای دیگری حرام خواهد بود.

نهم: اگر امام معصوم یا آن شخصی که از طرف او منصوب شده است موجود نباشد، ولی بتوان نماز جمعه را برگزار کرد، نماز جمعه مستحب خواهد شد.

دهم: اگر نمازگزار به هر دلیلی - مثلاً به دلیل شلوغی و ازدحام - نتوانست دو سجده رکعت اول را همراه امام به جا آورد، اگر بتواند باید سجده ها را به جا آورد و قبل از رکوع رکعت دوم خودش را به امام برساند، و در این صورت نمازش صحیح است. اما اگر نتوانست، به تبعیت از امام در دو سجده پسند می کند (یعنی امام سجده [رکعت] دوم را به جا می آورد، در حالی که او [مأموم] دو سجده [رکعت] اول را به جا می آورد)؛ و اگر نادانسته یا از روی سهو دو سجده را به نیت رکعت دوم انجام دهد، اشکالی ندارد و رکعت دوم را خودش می خواند و [نماز را] تمام می کند.

سوم: آداب نماز جمعه

*** غسل کردن**

*** بیست رکعت نماز مستحب: شش رکعت هنگام برآمدن خورشید، شش**

رکعت هنگام ارتفاع آن در آسمان، شش رکعت نیز قبل از زوال، و دو رکعت هنگام ظهر.^۱

می‌تواند بعد از ظهر هم این بیست رکعت نماز مستحبی را بخواند، ولی بهتر است تا قبل از ظهر بخواند. و جایز است بین دو نماز واجب^۲ شش رکعت از نماز نافله را بخواند.

* زودتر به محل نماز جمعه برود، بعد از این که:

* سر خود را اصلاح کند؛

* ناخن‌های خود را کوتاه کند؛

* سیل خود را کوتاه کرده؛

* با آرامش و وقار به سوی مصلی برود؛

* خود را معطر کند و بهترین لباس خود را بر تن کند؛

* قبل از حرکت به سمت مصلی دعا کند.

خطیب:

* انسان بلیغی باشد؛

* و اهل نماز اول وقت باشد.

۱. مدت زمان بین طلوع آفتاب و اذان ظهر را سه قسمت می‌کنیم: قسمت اول زمان برآمدن خورشید است، قسمت دوم زمان ارتفاع خورشید، و قسمت سوم قبل از زوال. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۹۵)

۲. ظهر و عصر، یا جمعه و عصر. (مترجم)

صحبت کردن در خطبه‌ها برای خطیب مکروه است، مگر درباره خطبه‌ها.

و برای او مستحب است:

★ معمّم باشد، چه در تابستان و چه در زمستان؛

★ بُرد یمانی بپوشد؛

★ به چیزی تکیه کند؛

★ در ابتدای ورود سلام کند؛

★ قبل از خطبه بنشیند؛

★ و اگر امام شروع به خواندن سوره‌ای کرد و هنوز از نصف سوره نگذشته بود،

بهتر است به جای آن در رکعت اول سوره جمعه، و در رکعت دوم سوره منافقون را

بخواند، مگر این که سوره کافرون یا توحید را خوانده باشد.^۱

مستحب است نماز ظهر جمعه را بلند بخواند.

کسی که نماز ظهر می‌خواند بهتر است در محل برگزاری نماز جمعه بخواند.

اگر امام جمعه کسی باشد که اقتدا به او صحیح نیست،^۲ برای نمازگزار جایز است

نمازش را زودتر از امام بخواند؛ و اگر همراه امام دو رکعت بخواند^۳ و بعد از سلام امام با دو

رکعت دیگر نماز ظهر را تمام کند، بهتر است.

۱. اگر سوره کافرون یا توحید را شروع کرده باشد، نمی‌تواند آن را رها کند و به جایش جمعه یا منافقون را بخواند.

(احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۹۵)

۲. مثلاً ایمان به حق نداشته باشد، یا ... (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۹۶)

۳. نیت فرادا دارد، ولی حرکاتش را همزمان با امام انجام می‌دهد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء

دوم، صلاة، ص ۹۶)

فصل دوم: نماز عیدین^۱

شامل نماز، و سنت‌های آن

اقامه نماز عید در صورت حضور امام معصوم (علیه السلام) با شروطی که برای نماز جمعه ذکر شد،^۲ واجب است. واجب است نماز عید به جماعت خوانده شود و ترک آن جایز نیست، مگر این که عذر داشته باشد، که در این صورت جایز است نماز را فرادا و به تیت مستحب بخواند. اگر شرایط اقامه نماز عید دچار اشکال شد، وجوبش از بین می‌رود و اقامه آن، چه به جماعت و چه فرادا، مستحب می‌شود.

وقت نماز عید از طلوع خورشید تا هنگام ظهر است و اگر وقت آن گذشت، قضا ندارد.

چگونگی اقامه نماز عید: هفت مرتبه تکبیرة الاحرام بگوید و حمد و سوره را بخواند. بهتر است در رکعت اول سوره اعلی خوانده شود، سپس پنج مرتبه تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر به صورت مرسوم قنوت بخواند،^۳ سپس تکبیر بگوید و رکوع و دو سجده به جا آورد، بعد برخیزد و حمد و سوره را بخواند. بهتر است در رکعت دوم، سوره غاشیه خوانده شود، سپس چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند، سپس تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع برود.

بنابراین نسبت به نمازهای عادی نه تکبیر اضافه می‌شود؛ یعنی علاوه بر هفت تکبیر ابتدای نماز و دو تکبیر هنگام رکوع و تکبیرهای سجده‌های نماز، در رکعت اول پنج تکبیر

۱. منظور از عیدین، عید فطر و عید قربان است. عید غدیر به این دو افزوده می‌شود، چراکه نماز در آن نیز واجب است. (شرح شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۱۷۷)

۲. حضور امام معصوم یا نماینده او، حداقل تعداد پنج نفر، جماعت خواندن، دو خطبه، مسافت بین دو نماز بیشتر از پنج و نیم کیلومتر. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۹۶)

۳. یعنی در قنوت، دعاهایی را که از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است بخواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۹۸)

و در رکعت دوم چهار تکبیر می‌گوید.

سنت‌های نماز عید

بهتر است در صحرا خوانده شود، به جز در مکه.^۱ و بهتر است به زمین سجده شود. مؤذن برای نماز عید سه بار بگوید: (الصلاة)، چون تنها برای پنج نماز واجب یومیّه اذان گفته می‌شود.

همچنین امام برای نماز عید پابرنه، پیاده، با آرامش و وقار، و در حال ذکر خدا به‌سوی محل اقامه نماز برود.

در عید فطر، قبل از خارج شدن برای رفتن به نماز غذا بخورد و در عید قربان بعد از نماز از گوشت قربانی بخورد.

مستحب است در عید فطر پس از چهار نماز تکبیر بگوید، که اولین آن‌ها [پس از] نماز مغرب شب عید فطر و آخرین آن‌ها [پس از] خود نماز عید است. در عید قربان، برای کسی که در منا باشد مستحب است پس از پانزده نماز تکبیر بگوید، که اولین آن‌ها [بعد از] نماز ظهر روز عید قربان است، و برای کسی که در سایر شهرهاست پس از ده نماز [مستحب می‌شود]؛ و چنین می‌گوید: «الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله، والله أكبر، والحمد لله على ما هدانا و له الشكر على ما أولانا» و در عید قربان اضافه می‌کند: «و رزقنا من بهيمة الأنعام».

بیرون رفتن [برای نماز] با سلاح مکروه است؛

و مکروه است نماز نافله را قبل یا بعد از نماز عید بخواند، به جز در مسجد النبی ﷺ در

۱. در مکه، بهتر است در مسجد الحرام خوانده شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة،

مدینه، که در آنجا دو رکعت نماز قبل از خروج [از مسجد] به جا می‌آورد.

مسائل پنج گانه:

اول: تکبیر اضافه شده در نماز عید واجب است و قنوت نیز واجب است، ولی دعای به خصوصی برایش مشخص نشده است و هر دعایی را می‌توان خواند، البته بهتر است این دعا خوانده شود: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَالْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِ حُجَجُ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْمَهْدِيَّ وَالْمَهْدِيِّينَ مِنْ وَلَدِهِ حُجَجُ اللَّهِ، اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ، وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا، وَلِمُحَمَّدٍ ﷺ ذُخْرًا وَشَرَفًا وَكَرَامَةً وَمَزِيدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِكَ، وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ، وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَادَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُرْسَلُونَ.»^۱

دوم: اگر عید با روز جمعه هم‌زمان شد، کسی که در نماز عید حضور داشته باشد برای حضور در نماز جمعه مختار است، و امام باید در خطبه نماز عید آن‌ها را

۱. «شهادت می‌دهم معبودی جز خدای یکتا نیست که شریکی ندارد، و شهادت می‌دهم محمد بنده و فرستاده اوست. و شهادت می‌دهم علی و امامان از فرزندان حجت‌های خدا هستند. و شهادت می‌دهم مهدی و مهدیون از فرزندان حجت‌های خدا هستند. بار خدایا، ای صاحب بزرگی و عظمت، ای صاحب بخشش و قدرت، ای صاحب عفو و رحمت، ای صاحب تقوا و مغفرت، از تو درخواست می‌کنم در این روزی که آن را برای مسلمانان عید قرار دادی و برای محمد ﷺ ذخیره و شرف و کرامت و افزونی گرداندی، بر محمد و آل محمد درود فرستی، با بهترین درودی که برای بنده‌ای از بندگان فرستادی؛ و بر فرشتگان و پیامبران درود فرستی، و مردان و زنان مؤمن - زنده و درگذشته‌شان - را بیامری. بار خدایا، از تو درخواست می‌کنم بهترین آنچه را بندگان فرستاده‌ات از تو خواسته‌اند، و به تو پناه می‌برم از آنچه بندگان فرستاده‌ات از آن به تو پناه جسته‌اند.» (مترجم)

از این موضوع آگاه سازد.

سوم: دو خطبه نماز عید فطر و قربان بعد از نماز خوانده می شود و مقدم کردن آن ها بر نماز بدعت است. و گوش دادن به دو خطبه واجب است.

چهارم: منبر را از مسجد جامع به صحرا نَبَرند،^۱ بلکه مستحب است از گِل چیزی شبیه منبر ساخته شود.

پنجم: اگر در روز عید خورشید طلوع کرد، برای کسی که نماز عید برایش واجب شده است رفتن به سفر حرام می شود تا نماز عید را به جا بیاورد. سفر بعد از اذان صبح و قبل از طلوع، جایز و البته مکروه است.

فصل سوم: نماز کسوف (آیات)

شامل سبب نماز، چگونگی اقامه نماز، و حکم آن است.

اول: سبب نماز آیات

نماز آیات در زمان کسوف خورشید، خسوف ماه و زلزله واجب می شود؛ و برای بادهای سیاه و دیگر حوادث ترسناک آسمانی نیز واجب می شود.

وقت نماز آیات در کسوف، از لحظه آغاز آن تا پایان کسوف است و اگر مدت زمان کسوف به اندازه اقامه نماز نباشد، نماز واجب نخواهد بود. درباره باد و دیگر حوادث ترسناک آسمانی نیز به همین گونه است.^۲ اما درباره زلزله، در هر صورت نماز واجب می شود، حتی اگر مدت زیادی طول نکشد و حتی اگر زمین از حرکت ایستاده باشد، باید

۱. چون - همان طور که بیان شد - مستحب است نماز عید در صحرا خوانده شود. (مترجم)

۲. زمانش از ابتدای شروع آیه و حادثه تا پایان آن است و اگر وقت نشود، نماز واجب نخواهد بود. (احکام الشریعة

بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۳)

نماز را به نیت ادا بخواند.

اگر کسی نداند خورشیدگرفتگی صورت گرفته است تا این که تمام شود، قضا بر او واجب نخواهد بود، مگر این که خورشیدگرفتگی کامل باشد و تمام قرص خورشید تاریک شده باشد، که در این صورت قضا خواهد داشت، ولی در غیر از کسوف کامل، اگر نداند و وقت تمام شود، قضا واجب نخواهد بود؛ اما اگر کسی بداند و از روی کم کاری یا فراموشی نماز را اقامه نکند، در تمام حالات، قضا بر او واجب می شود.

دوم: کیفیت نماز آیات

با هفت تکبیر نماز را آغاز می کند (تکبیر اول تکبیره الاحرام است و به دنبال آن شش تکبیر واجب)، سپس سوره حمد و بعد یک سوره می خواند و رکوع می کند، سپس سر خود را بلند می کند و اگر در قرائت اول سوره را کامل خوانده باشد، در قرائت دوم دوباره حمد و یک سوره می خواند، اما اگر در قرائت اول یک سوره کامل را نخوانده بود، در قرائت دوم از جایی که متوقف شده بود تلاوت را ادامه دهد و تا پنج رکوع به همین ترتیب ادامه دهد، پس از رکوع پنجم، دو سجده به جا می آورد، سپس برمی خیزد و حمد و سوره را می خواند و دوباره پنج رکوع - مانند رکوع های رکعت اول - به جا آورد (و بعد از آن، دو سجده به جا می آورد)؛ تشهد می خواند و سلام می دهد.

مستحب است: [نماز آیات] به جماعت خوانده شود و آن قدر طول بکشد تا کسوف تمام شود و اگر نماز قبل از پایان کسوف تمام شد، دوباره آن را به جا آورد. همچنین مستحب است مدت زمان هر رکوع به اندازه مدت قرائت حمد و سوره باشد، و در صورت وجود زمان کافی سوره های طولانی خوانده شود؛ و بعد از هر بار (سر) برآوردن از رکوع تکبیر بگوید، به جز در رکوع پنجم و دهم که در آن ها می گوید: «سمع الله لمن حمده»؛ و

مستحب است پنج قنوت بخواند.^۱

حکم نماز آیات

سه مسئله:

اول: اگر نماز آیات با یکی از نمازهای واجب پنج‌گانه هم‌زمان شد، هرکدام از آن‌ها را که خواست اول می‌خواند، مگر این‌که وقت نماز واجب حاضر تنگ باشد، که در این صورت باید اول آن را بخواند.

دوم: اگر وقت خسوف ماه و وقت نماز نافله شب هم‌زمان شود، خواندن نماز آیات اولویت دارد حتی اگر وقت نافله تمام شود، که در این صورت قضای نافله را به جا می‌آورد.

سوم: اگر اضطراب پیش بیاید، می‌تواند نماز کسوف [آیات] را روی مرکب یا در حال راه رفتن بخواند.

فصل چهارم: نماز میّت

شامل چند مبحث است:

اول: کسی که برایش نماز میّت خوانده می‌شود

هرکسی که در ظاهر به شهادتین اقرار کند یا کودک بالای شش سال که حکم مسلمان را داشته باشد؛ و در این حکم، مرد و زن و آزاد و برده برابر هستند. خواندن نماز برای کودک زیر شش سال - اگر زنده متولد شده باشد - مستحب است، اما اگر نوزاد سقط شده باشد - حتی اگر روح در او دمیده شده باشد - نماز میّت برایش خوانده

۱. قبل از رکوع دوم و چهارم در رکعت اول، و قبل از رکوع ششم و هشتم و دهم در رکعت دوم. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۳)

نمی‌شود.

دوم: کسی که نماز میت را می‌خواند

کسی که در میراث اولویت دارد در نماز خواندن برای میت نیز اولویت دارد. پدر میت نسبت به پسر میت اولویت دارد، و همچنین فرزند بر پدر بزرگ و برادر و عمو اولویت دارد، و برادری که با میت از یک پدر و مادر باشند نسبت به برادری که فقط از یک جهت با میت نسبت دارد اولویت دارد. برای میت زن، شوهر نسبت به مردان فامیل آن زن اولویت دارد، حتی اگر نزدیکان او باشند.

اگر کسانی که در خواندن نماز بر میت اولویت دارند یک گروه باشند، از میان آنان مردان بر زنان، و آزاد بر بنده اولویت دارد، و ولی برای نماز میت پیش قدم نمی‌شود، مگر در صورتی که تمام شرایط امامت^۱ در او وجود داشته باشد، وگرنه شخص دیگری مقدم می‌شود.

اگر چند نفر از کسانی که در خواندن نماز برای میت اولویت دارند با یکدیگر برابر باشند، فقیه‌ترین و بعد از آن با تقواترین آنان مقدم می‌شود. هیچ‌کس حق اقامه نماز را برای میت ندارد، مگر با اجازه ولی میت، چه ولی میت شرایط امامت را داشته باشد و چه نداشته باشد، البته در صورتی که خود ولی میت مکلف باشد.

امام معصوم برای اقامه نماز میت بر همه افراد اولویت دارد، و همچنین فرد هاشمی، اگر شرایط امامت را دارا باشد و ولی میت او را برگزیند، بر دیگران اولویت دارد.

اگر همه نمازگزاران زن باشند، امامت نماز میت توسط یک زن جایز است، البته کراهت دارد از صف اول جدا شود، بلکه همه در یک صف می‌ایستند؛ و هنگامی که

۱. عدالت، ایمان، پاکی تولد، بلوغ، عقل، مرد بودن؛ در صورتی که بین مأمومین مردی وجود داشته باشد و ...
(احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۸۱)

نمازگزاران مردانی باشند که عریان هستند، بازهم به همین ترتیب است [و همه در یک صف می ایستند]؛ در غیر از این دو حالت، امام جلوتر از صف اول می ایستد، حتی اگر فقط یک نفر به او اقتدا کند.

اگر چند زن برای نماز به یک مرد اقتدا کنند، باید پشت سر او بایستند و اگر چند مرد نیز حضور داشتند، باید زنان پشت سر مردان بایستند. اگر زن حائضی در میان نمازگزاران باشد، مستحب است در صفی جدا بایستد.

سوم: کیفیت نماز میت

نماز میت پنج تکبیر است و دعا میان آن‌ها واجب نیست، بلکه مستحب است و بهتر است به عنوان دعا آنچه محمد بن مهاجر از مادرش - ام سلمه - از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است خوانده شود. ایشان فرموده است: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگامی که برای میتی نماز می خواند، تکبیر می گفت و شهادت می داد، سپس تکبیر می گفت و بر انبیا درود می فرستاد و دعا می نمود، سپس تکبیر می گفت و برای مؤمنان دعا می کرد، سپس تکبیر چهارم را می گفت و برای مرده دعا می نمود، و سپس تکبیر (پنجم) را می گفت و از حالت نماز خارج می شد.» اگر میت منافق باشد، نمازگزار می تواند بعد از تکبیر چهارم نماز را تمام کند، یا بعد از تکبیر چهارم میت را نفرین کند و نماز را با پنج تکبیر تمام کند.

در نماز میت این امور واجب است: تیت، رو به قبله ایستادن، و سر جنازه را در سمت راست نمازگزار قرار دادن.

طهارت نمازگزار از شرایط نماز نیست. فاصله زیاد از میت جایز نیست. فقط بعد از غسل و کفن کردن میت می توان برایش نماز خواند؛ و اگر میت کفن نداشته باشد، باید جنازه را در قبر قرار داده و عورتش پوشانده شود و سپس برایش نماز بخواند.

سنت های نماز میت

امام برای میت مرد، مقابل وسط بدن او بایستد و برای میت زن مقابل سینه اش

بایستد. اگر یک میت مرد و یک میت زن با هم باشند، مرد را جلوی روی امام و نزدیک به او و بعد از آن زن را قرار دهند، به گونه‌ای که وسط بدن مرد و سینه زن در یک راستا باشد تا امام بتواند هم‌زمان در محلی که فضیلت بیشتری دارد بایستد. اگر میت کودکی نیز باشد، او را بعد از زن قرار می‌دهند.

از جمله سُنّت‌ها این است که نمازگزار طهارت داشته باشد و کفش خود را از پا درآورد و در اولین تکبیر و سایر تکبیرها دست‌های خود را بالا ببرد. مستحب است بعد از تکبیر چهارم برای میت اگر مؤمن باشد، دعا کند و اگر منافق باشد، نفرینش کند و اگر از مستضعفین بود، متناسب با وضعیت او دعا کند. اما اگر حقیقت را درباره میت نداند، دعا کند او را با آن کسی که در ولایتش بوده محشور نماید و اگر کودک باشد، دعا کند این کودک باعث صلاح حال پدرش و شفاعت‌کننده او باشد. هنگامی که نمازگزار از نماز فارغ شد، در مجلس بایستد تا جنازه برداشته شود. نماز میت را در محلی که برای این کار است بخوانند و خواندن آن در مسجد جایز است. مکروه است برای یک جنازه دو بار نماز خوانده شود.

مسائل پنج‌گانه

اول: کسی که در حین نماز به امام برسد او را دنبال می‌کند و هنگامی که امام نمازش را به پایان رساند، آنچه را از نماز باقی مانده است به ترتیب کامل می‌کند.^۱ و اگر جنازه بلند شود یا دفن شود، نمازش را کامل می‌کند، حتی بر قبر.

دوم: اگر مأموم یک تکبیر یا بیشتر را زودتر از امام بگوید، آن را دوباره همراه امام تکرار می‌کند.

۱. یعنی تکبیرهای باقی‌مانده را بدون خواندن دعا، پشت‌سرهم می‌گوید. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت، ص ۸۴)

سوم: اگر برای جنازه‌ای نماز خوانده نشد [و او را دفن کردند]، جایز است بر قبر او نماز خوانده شود، هرچند مدت زیادی از آن گذشته باشد؛ و نماز برای مؤمن ترک نمی‌شود.

چهارم: نماز میت را در هر زمان می‌توان خواند، مگر این که وقت نماز واجب تنگ شده باشد. اگر بترسند برای میت مشکلی پیش بیاید - و برای نماز واجب وقت کافی باشد - نماز خواندن بر میت مقدم می‌شود.

پنجم: اگر در حین نماز برای یک جنازه، میت دیگری را برای نماز بیاورند، امام می‌تواند نماز را رها کند و برای هر دو میت یک نماز بخواند، یا نماز را برای میت اول تمام کند و برای جنازه دوم جداگانه نماز بخواند.

فصل پنجم: نمازهای مستحب

این نمازها به دو نوع تقسیم می‌شوند: نمازهای نافله روزانه که آن را بیان کردیم و نمازهای دیگر که به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - نمازهای مستحبی که وقت معینی ندارند

شامل نمازهای بسیاری می‌شود و ما موارد مهم آن‌ها را ذکر می‌کنیم که عبارت‌اند از:

اول: نماز طلب باران:

مستحب است هنگام خشک شدن رودها و کم شدن باران خوانده شود. کیفیت آن مانند نماز عید است، با این تفاوت که در قنوت‌های این نماز از خداوند لطف و رحمت الهی با فروفرستادن باران را طلب می‌کند. و می‌تواند هر دعایی را که برایش مقدور است بخواند، در غیر این صورت از دعاهایی که در روایات از اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده است می‌خواند.

سنت‌های نماز طلب باران:

مردم سه روز روزه بگیرند و در روز سوم برای اقامه نماز خارج شوند. مستحب است روز سوم (دوشنبه) باشد و اگر میسر نشد (جمعه) باشد. با پای برهنه و با سکینه و وقار به صحرا بروند، و نماز را در مساجد اقامه نکنند و همراه خود پیرمردان، کودکان و پیرزنان را نیز ببرند. از اهل ذمه،^۱ کسی را با خود همراه نکنند و کودکان را از مادرانشان جدا کنند. هنگامی که امام از نماز فارغ شد، ردای خود را دور خود برعکس کند^۲ و با صدای بلند رو به قبله صد بار تکبیر بگوید و به سمت راست خود صد بار «سبحان الله» و به سمت چپ صد بار «لا اله الا الله» و رو به مردم صد بار «الحمد لله» بگوید و نمازگزاران در همه این‌ها با او همراهی کنند؛ سپس خطبه بخواند و به درگاه خداوند بسیار تضرع کند. اگر اجابت دعا به تأخیر افتاد، دوباره از شهر خارج شوند [و این اعمال را تکرار کنند] تا مورد رحمت قرار گیرند. خواندن این نماز نه تنها هنگام کم شدن باران جایز است، بلکه هنگام خشک شدن چشمه‌ها و چاه‌ها نیز جایز است.

دوم: نماز استخاره،^۳ نماز حاجت،^۴ نماز شکر،^۱ و نماز زیارت^۲

۱. افراد غیرمسلمان - مانند یهودی و مسیحی - که در حکومت اسلامی زندگی می‌کنند و به حکومت اسلامی متعهدند. (مترجم)
۲. یعنی سمت راست ردا را بر روی شانه چپ و سمت چپ را بر روی راست بیندازد. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۵)
۳. امام صادق (علیه السلام) خطاب به یکی از اصحابش که سؤال پرسیده بود، اگر برای من امری رخ داد و کسی را برای مشورت کردن نیافتم چه کنم؟ فرمود: «با پروردگارت مشورت کن. پرسید: چگونه؟ حضرت فرمود: حاجت را در نظر بگیر، سپس در دو برگه (بله) و (خیر) را بنویس و آن دو را در دو گلوله گلی قرار بده، سپس دو رکعت نماز بخوان و آن‌ها را زیر سجاده‌ات بگذار و بگو: «یا الله انی آشاورک فی امری هذا و انت خیر مُستشار و مُشیر فَأُشیر عَلَیَّ بِمَا فیهِ صلاح و حسن عاقبة»، سپس دستت را داخل کن. اگر در آن (بله) بود، انجام بده و اگر (نه) بود، ترک کن.» (کافی، ج ۳، ص ۴۷۳، ح ۸) (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۵)
۴. امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «اگر حاجتی داشتی، دو رکعت نماز بخوان و بر محمد و آل محمد صلوات بفرست و حاجتت را بخواه تا خداوند به تو عطا کند.» (کافی، ج ۳، ص ۴۷۹، ح ۱۰) (احکام الشریعة بین السائل والمجیب،

ب- نمازهای مستحبی که وقت معینی دارند

که پنج تاست:

اول: نافله ماه مبارک رمضان

در روایات آمده است خواندن هزار رکعت نماز در این ماه، علاوه بر نمازهای نافله معین روزانه، مستحب است، به این صورت که در هر شب بیست رکعت بخواند، هشت رکعت بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت بعد از نماز عشاء؛ و در ده شب آخر ماه، هر شب سی رکعت به ترتیب ذکر شده بخواند [۱۲ رکعت بعد از مغرب و ۱۸ رکعت بعد از عشاء]، و در سه شب افراد^۳ در هر شب صد رکعت بخواند. اگر در شبهای افراد فقط صد رکعت را به جا آورد کفایت می کند،^۴ پس هشتاد رکعت بر عهده اش باقی می ماند^۵ و باید در هر جمعه ده رکعت بخواند، یعنی نماز علی و فاطمه و نماز جعفر (علیه السلام) را به جا آورد؛ و در آخرین جمعه ماه، بیست رکعت نماز علی (علیه السلام) و در شامگاه آن جمعه بیست رکعت نماز فاطمه (علیه السلام) را بخواند.

نماز امیرالمؤمنین (علیه السلام) به این صورت است: چهار رکعت است که هر دو رکعت یک تشهد

جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۶)

۱. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هنگامی که خداوند به تو نعمتی داد، دو رکعت نماز بخوان: در رکعت اول بعد از حمد، توحید و در رکعت دوم کافرون، و در رکوع و سجده رکعت اول «الحمد لله شکرأ شکرأ و حمدأ»، و در رکوع و سجده رکعت دوم «الحمد لله الذی استجاب دعائی و اعطانی مسألتی» را بخوان.» (کافی، ج ۳، ص ۴۸۱) (احکام الشریعة

بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۶)

۲. دو رکعت مانند نماز صبح. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۶)

۳. نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم. (مترجم)

۴. یعنی در شب نوزدهم، بیست رکعت و در شب بیست و یکم و بیست و سوم سی رکعت را بخواند. (احکام الشریعة

بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۷)

۵. ۳۰+۳۰+۲۰ که آن را نخوانده است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۷)

و سلام دارد و در هر رکعت: حمد یک بار و «قل هو الله احد» پنجاه بار خوانده می‌شود.

نماز فاطمه (علیها السلام) دو رکعت است: در رکعت اول، حمد یک بار و «قدر» صد بار، و در رکعت دوم حمد یک بار و سوره «توحید» صد بار خوانده می‌شود.

نماز جعفر (علیه السلام) چهار رکعت است: چهار رکعت با دو سلام است. در رکعت اول، حمد یک بار و «اذا زلزلت» یک بار خوانده می‌شود، سپس پانزده بار می‌گوید «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»، آنگاه رکوع می‌کند و ده بار همین ذکر را می‌گوید.^۱ و هنگامی که از رکوع بلند شد، ایستاد ده بار همان را می‌گوید، و در سجده نیز ده بار این ذکر را می‌گوید و بین دو سجده که نشست ده بار می‌گوید و در سجده دوم نیز ده بار، و زمانی که از سجده دوم سر برداشت نیز [ده بار] می‌گوید. بنابراین در هر رکعت، هفتاد و پنج بار این ذکر گفته می‌شود. در رکعت دوم [بعد از حمد]، (عادیات) و در رکعت سوم «اذا جاء نصر الله و الفتح» و در رکعت چهارم «قل هو الله احد» خوانده می‌شود. مستحب است در سجده آخر دعای مخصوص آن را بخواند.

دوم: نماز شب عید فطر

دو رکعت است؛ در رکعت اول (حمد) یک بار و «قل هو الله احد» هزار بار، و در رکعت دوم (حمد) یک بار و «قل هو الله احد» یک بار خوانده می‌شود.

سوم: نماز روز غدیر^۲

وقت آن روز هجدهم ماه ذی‌حجه، نیم ساعت قبل از زوال خورشید است.

چهارم: نماز شب نیمه شعبان^۱

۱. سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۷)

۲. دو رکعت است که در هر رکعت بعد از حمد، توحید و قدر و آیت الکرسی، هرکدام ده بار خوانده می‌شود و دعای بعد از آن در کتاب‌های ادعیه موجود است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۸)

پنجم: نماز شب مبعث^۲ و روز مبعث

چگونگی این نمازها و آنچه در آن و بعد از آن گفته می شود در کتابهای ادعیه بیان شده است.

پایان

نشسته یا ایستاده خواندن همه نمازهای نافله جایز است، گرچه بهتر است ایستاده خوانده شود؛ و اگر هر دو رکعت نشسته را به جای یک رکعت ایستاده حساب کند، بهتر است.

۱. چهار رکعت است که در هر رکعت بعد از حمد، صد بار توحید بخواند و وقت آن بعد از عشاء آخر (نیمه شب) تا فجر اول است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۸)

۲. دوازده رکعت است که در هر رکعت بعد از حمد، ناس و فلق و توحید، چهار بار خوانده می شود، سپس دعایی را که در کتابهای ادعیه نقل شده است می خواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۸)

بخش چهارم: شامل پنج فصل است

فصل اول: اشکالاتی که در نماز رخ می‌دهد

می‌تواند از روی عمد، سهو، یا شک باشد.

عمد

هرکس عمداً در یکی از واجبات نماز خللی ایجاد کند نمازش را باطل کرده است و تفاوتی ندارد آنچه در آن اخلال ایجاد کرده، شرطی برای نماز^۱ باشد، جزئی از نماز باشد^۲ یا مربوط به کیفیت نماز باشد^۳ یا واجبی را ترک گفته باشد. همچنین اگر آنچه را باید ترک کند [عمداً] انجام دهد، یا چیزی را که واجب است - به دلیل ندانستن وجوب آن - انجام ندهد، نمازش باطل می‌شود، به جز آهسته یا بلند خواندن در موضع خودشان. اگر نداند لباس یا مکان نمازش غصبی است یا نداند لباس یا بدن یا محل سجده‌اش نجس است، نیازی به تکرار [نماز] نیست.

چند نکته:

اول: اگر از غصبی بودن آب اطلاع داشته باشد و با آن آب وضو بگیرد و نماز بخواند، هم طهارت و هم نماز را باید دوباره به جا آورد، ولی در صورت عدم آگاهی نیازی به تکرار هیچ کدام نیست.

دوم: اگر با لباسی که از پوست حیوان تهیه شده است نماز بخواند و بعداً بفهمد پوست مردار بوده است، [دو حالت دارد:] اگر آن را از مسلمانی گرفته باشد یا از بازار مسلمانان خریده باشد، نیازی به تکرار نیست، اما اگر از غیرمسلمان

۱. مانند طهارت و رو به قبله بودن. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۹)

۲. مانند قرائت و سجده. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۹)

۳. مانند صحیح انجام ندادن سجده. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۰۹)

خریده باشد یا آن را جایی پیدا کرده باشد، باید نمازش را دوباره بخواند.

سوم: اگر نداند آن لباس از جنس چیزی است که نماز خواندن در آن صحیح است و با آن نماز بخواند، باید [نمازش را] تکرار کند.

سهو

اگر در یکی از ارکان نماز اخلاص ایجاد شود، باید نماز را تکرار کند. مثلاً کسی که قیامش صحیح نباشد تا هنگامی که نیت کند^۱ و کسی که نیتش صحیح نباشد تا تکبیر بگوید. یا کسی که تکبیرش صحیح نباشد تا قرائت را آغاز کند، یا در رکوعش اشکالی باشد تا سجده کند. یا کسی که دو سجده اش اشکال داشته باشد تا به رکوع رکعت بعدی برود. همچنین اگر یک رکعت به نمازش بیفزاید یا رکوع یا دو سجده اضافه کند، باید نمازش را تکرار کند، چه عمدی باشد و چه سهوی.

اگر در انجام رکوع شک داشته باشد و رکوع کند و سپس به یاد آورد رکوع کرده است، نمازش باطل می‌شود. اگر یک رکعت کم خوانده باشد و قبل از انجام کاری که باطل کننده نماز است به یاد آورد، نمازش را تمام می‌کند، حتی اگر نماز دورکعتی باشد. و اگر بعد از انجام کاری که انجام دادن عمدی و سهوی آن، نماز را باطل می‌کند به یاد آورد، نماز را تکرار می‌کند. و اگر عملی را انجام داده است که تنها در صورت عمدی بودن باطل کننده نماز است، مانند سخن گفتن، نماز را کامل می‌کند و دو سجده سهو به جا آورد.

اگر سلام دادن را فراموش کرد و بعداً به یاد آورد، سلام را به جا می‌آورد و نمازش

۱. یعنی تا قبل از این که وارد رکن بعدی شود فرصت دارد تا خلل پیش آمده را جبران کند، اما اگر وارد رکن بعدی شد، باید نماز را دوباره بخواند. مثلاً قیامش صحیح نیست و تا پیش از نیت فرصت دارد قیامش را تصحیح کند، یا مثلاً اگر در دو سجده اش خلل ایجاد شده باشد، تا قبل از رکوع بعدی می‌تواند آن را جبران کند، وگرنه باید نماز را دوباره بخواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۱۰)

صحیح است، حتی اگر کاری انجام داده باشد که عمدی یا سهوی اش نماز را باطل کند. اگر دو سجده را ترک کند و نداند از دو رکعت مختلف بوده است یا از یک رکعت، باید نماز را تکرار کند، و اگر دو سجده از دو رکعت متفاوت باشد و نداند از کدام دو رکعت بوده است، نماز را تکرار نمی‌کند و دو سجده را قضا می‌کند و دو سجده سهو نیز به جا آورد.

اگر در واجبی که رکن نیست اشکالی وارد کند

[سه حالت دارد:]

- اشکالی که با وجود آن نماز صحیح است و نیازی به تکرار عمل نیست.
- اشکالی که باید جبران شود و به سجده سهو نیاز ندارد.
- اشکالی که باید جبران شود و بعد از نماز باید دو سجده سهو انجام دهد.

[اما جزئیات این سه حالت:]

اول: کسی که فراموش کند قرائت یا بلند و آهسته خواندن در جایگاه‌های مخصوص به آن را، یا فراموش کند قرائت سوره حمد یا سوره را تا به رکوع برود، یا ذکر در رکوع یا آرامش در رکوع را تا زمانی که سر خود را بلند کند، یا بلند کردن سر از رکوع، یا آرامش در آن تا سجده کند، یا ذکر در سجده، یا سجده بر هفت عضو، یا آرامش در سجده تا سر خود را بلند کند، یا بلند کردن سر از سجده، یا آرامش در آن تا سجده دوم را انجام دهد، یا ذکر در سجده دوم، یا سجده بر هفت عضو در آن، یا آرامش در آن تا زمانی که سر خود را از آن بلند کند، [اگر این موارد را سهواً انجام ندهد، نمازش صحیح است و نیازی به تکرار نیست].^۱

۱. در همه این‌ها نماز صحیح است و نیاز به تدارک و جبران عمل نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۱۲)

دوم: کسی که قرائت (حمد) را فراموش کند و اقدام به خواندن سوره کند و به یاد بیاورد باید اول (حمد) را بخواند و بعد دوباره سوره را از اول بخواند. همچنین اگر کسی رکوع را فراموش کند و قبل از به سجده رفتن به یاد آورد، باید برخیزد و رکوع کند، سپس سجده را به جا آورد. همچنین اگر کسی یک یا دو سجده را ترک کند یا تشهد را نخواند و قبل از رکوع آن را به یاد آورد، برمی گردد و عمل ترک شده را انجام می دهد و از همان موضع نمازش را ادامه می دهد و دوباره آنچه را لازم است - مثل (قرائت) یا تسبیح - می خواند و سپس به رکوع می رود و در این دو حالت سجده سهو لازم نیست. اگر صلوات بر پیامبر و خاندانش (علیهم السلام) را فراموش کند و سلام دهد، بعد از سلام نماز باید آن را قضا کند.

سوم: اگر کسی [یک] سجده یا تشهد را فراموش کند و بعد از انجام رکوع به یاد بیاورد، بعد از اتمام نماز آن را قضا می کند، بعد از آن دو سجده سهو انجام دهد.

سه مسئله درباره شکایات نماز

اول: اگر کسی در نماز واجب دو [و سه] رکعتی - مانند نماز صبح، نماز مسافر، نماز عیدین اگر واجب باشند، نماز کسوف و نماز مغرب - شک کند، باید نماز را تکرار کند.

دوم: اگر در قسمتی از افعال نماز خود شک کند و به یاد آورد و در همان موضع باشد، آن عمل را دوباره انجام می دهد و نماز را کامل می کند،^۱ و اگر به عمل دیگری منتقل شده بود، نماز را ادامه می دهد، چه این عمل رکن باشد چه رکن نباشد، و فرقی ندارد در دو رکعت اول نماز باشد یا دو رکعت آخر.

تبصره: اگر نیت نماز تحقق یابد و شک کند که مثلاً برای نماز ظهر نیت

۱. مانند هنگامی که در تکبیره الاحرام شک کند، قبل از این که قرائت را شروع کرده باشد. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۱۳)

کرده یا نماز عصر، یا برای نماز واجب نیت کرده یا مستحب، دوباره نیت می‌کند.

سوم: وقتی در تعداد رکعت‌های نماز چهار رکعتی شک کند، اگر شک در دو رکعت اول باشد یا نداند چند رکعت نماز خوانده است، باید نماز را تکرار کند؛ اگر یقین داشت دو رکعت اول را به جا آورده است و در بقیه رکعت‌ها شک کند، باید احتیاط کند.

چهار مسئله درباره احتیاط

اول: کسی که شک کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، بنا را بر سه می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و تشهد می‌گوید و سلام می‌دهد، و بعد از آن یک رکعت نماز ایستاده یا دو رکعت نماز نشسته می‌خواند.

دوم: کسی که شک کند سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، بنا را بر چهار می‌گذارد، تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد و مانند حالت اول احتیاط می‌کند.^۱

سوم: کسی که شک کند دو رکعت خوانده یا چهار رکعت، بنا را بر چهار می‌گذارد، تشهد می‌گوید و سلام می‌دهد و سپس دو رکعت نماز ایستاده می‌خواند.

چهارم: کسی که شک کند دو رکعت یا سه یا چهار رکعت خوانده است، بنا را بر چهار می‌گذارد، تشهد می‌گوید و سلام می‌دهد و سپس دو رکعت نماز ایستاده و دو رکعت نماز نشسته می‌خواند.

در تمامی حالات فوق‌الذکر - و دیگر حالت‌ها - بهتر است نمازگزار بنا را بر تعداد

۱. بعد از آن، یک رکعت نماز ایستاده یا دو رکعت نماز نشسته بخواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۱۴)

کمتر بگذارد. حال اگر این تعداد، کمتر از چهار رکعت باشد، نمازش را کامل می‌کند و سلام می‌دهد و سپس دو سجده سهو به جا می‌آورد؛ و اگر چهار رکعت^۱ بود، نماز را با سلام پایان می‌دهد و دو سجده سهو انجام می‌دهد. و اگر در رکعت چهارم^۲ بود، نماز را کامل می‌کند و سلام می‌دهد و دو سجده سهو به جا آورد.

پنج مسئله درباره شکایات نماز

اول: اگر گمان نمازگزار بر یکی از طرفین شک بیشتر شد، بنا را بر همان طرف می‌گذارد و گمانش در حکم یقین خواهد بود.

دوم: در نماز احتیاط، فقط فاتحه خوانده می‌شود.

سوم: اگر قبل از انجام نماز احتیاط عملی مرتکب شود که باطل‌کننده نماز باشد، نمازش باطل می‌شود.

چهارم: اگر در عملی که جبران‌کننده شک است شک بر او عارض شود، به آن توجه نمی‌کند و نمازش را ادامه دهد. همین حکم برای شک مأموم در نمازجماعت - که باید به نماز امامجماعت اعتماد کند - برقرار است. در نمازجماعت، اگر نمازگزاران مراقب اشتباه امامجماعت باشند، برای امامجماعت شکی وجود نخواهد داشت. اگر زیاد شک می‌کند، سهوش حکمی ندارد [و به سهوش توجه نمی‌کند]. و برای تشخیص زیاد بودن [شک]، آن مقداری است که به‌طور معمول به آن زیاد گفته شود؛ و کسی که یک مرتبه در هر روز در نمازش

۱. مانند هنگامی که در تشهد رکعت چهارم شک می‌کند که چهار رکعت خوانده است یا پنج رکعت. (احکام الشریعة

بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۱۶)

۲. قبل از رکوع شک کند این رکعت، رکعت چهارم نماز است یا پنجم. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء

دوم، صلاة، ص ۱۱۶)

شک می‌کند (کثیرالشک) محسوب می‌شود.

پنجم: کسی که در تعداد رکعت‌های نماز نافله شک کند بنا را بر عدد بیشتر می‌گذارد، اما اگر بنا را بر عدد کمتر بگذارد، بهتر است.

پایان: دو سجده سهو

به جا آوردن دو سجده سهو در مواردی که ذکر شد،^۱ [همچنین در موارد زیر] واجب است: اگر کسی سهواً در نماز سخن بگوید یا در غیر از محلش در نمازش سلام بدهد یا بین رکعت چهار و پنج شک کند.

در نماز جماعت، اگر امام جماعت عملی را مرتکب شود که سجده سهو را واجب می‌کند و این عمل متوجه مأموم نیز بشود، مأمومین هم باید سجده سهو به جا آورند، ولی اگر آن عمل تنها به امام یا تنها به مأموم مربوط شود، فقط خود او باید سجده سهو را به جا آورد.

جایگاه دو سجده سهو

بعد از سلام نماز است، به دلیل کم یا زیاد شدن [برخی اعمال در نماز]؛ به این صورت که: (ابتدا نیت می‌کند و سپس) مستحب است تکبیر بگوید، سپس سجده می‌کند، سپس سر از سجده برمی‌دارد، دوباره سجده می‌کند، سپس سر از سجده برمی‌دارد، یک

۱. وقتی در نماز چهار رکعتی به طور یقینی در انجام دو رکعت اول شک کرده باشد، «بنا را بر کمتر می‌گذارد و پس از تکمیل نماز، دو سجده سهو به جا می‌آورد». و کسی که یک سجده یا تشهد را فراموش کند و بعد از رکوع به یاد آورد «قضایش را انجام می‌دهد و دو سجده سهو به جا می‌آورد». کسی که دو سجده از دو رکعت متفاوت را فراموش کرده باشد «دو سجده قضا انجام می‌دهد و دو سجده سهو به جا می‌آورد». و کسی که در تعداد رکوع‌های نماز آیات شک کند «بنا را بر کمتر می‌گذارد و دو سجده سهو به جا می‌آورد.» (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۱۶)

تشهد کوتاه^۱ می‌خواند و بعد از آن سلام می‌دهد.

گفتن ذکر در سجده‌های سهو واجب نیست، بلکه مستحب است. اگر کسی عمداً سجده سهو را ترک کند، نمازش باطل نمی‌شود، بلکه باید آن را بعداً انجام دهد، حتی اگر مدت زیادی بگذرد.

فصل دوم: قضای نماز

شامل مباحث زیر است: سبب قضا، قضای نماز و ملحقاتش.

سبب قضا

اموری که موجب می‌شود [وجوب] قضای نماز ساقط شود^۲ هفت تاست: خردسالی، جنون، بیهوشی، حیض، نفاس، کفر اصلی^۳ و عدم توانایی انجام اموری که اقامه نماز را مباح می‌کند، یعنی وضو، غسل یا تیمم؛ در غیر این‌ها، قضای نماز واجب است، مثل ترک نماز واجب از روی عمد یا سهو، جز در نماز جمعه و عیدین^۴ و همچنین خوابیدن به گونه‌ای که تمام وقت نماز را شامل شود. اگر عقل شخص مکلف به دلیلی از طرف خودش - مثل مستی یا استفاده از داروی خواب‌آور - زایل شود، قضای نماز بر او واجب می‌شود، چون غالباً این امور باعث زوال عقل می‌شوند. اگر غذای مضری بخورد و باعث بیهوشی‌اش شود، لازم نیست نماز را قضا کند.^۵ وقتی مسلمانی مرتد شود یا کافری

۱. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (احکام الشریعة بین

السنائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۱۷)

۲. یعنی با وجود آن قضای نماز واجب نیست. (مترجم)

۳. شخصی که کافر متولد شود. (مترجم)

۴. زیرا این نمازها قضا ندارند و در صورت قضا شدن نماز جمعه، نماز ظهر قضا می‌شود. (مترجم)

۵. قضای نماز مریض: اگر بیماری او به گونه‌ای است که وجوب نماز را درک می‌کند، نماز بر او واجب است و هر طور که می‌تواند باید بخواند، ولی اگر بیماری‌اش به گونه‌ای است که قوه ادراک ندارد، حکم مجنون و بیهوش را

مسلمان شود و دوباره کافر شود، قضای نمازهای مدت ارتدادش بر او واجب است.

قضای نماز

قضای نماز واجبی که زمانش گذشته است واجب است و به جا آوردن قضای نماز «نافله زمان دار» مستحب مؤکد است، اگرچه به دلیل بیماری که عقل را از بین نمی برد قضا شده باشد. مستحب است برای هر دو رکعت [نافله قضا شده] یک مُد طعام صدقه بدهد و اگر نتوانست، برای هر روز یک مُد صدقه دهد.

قضای نماز به محض به یاد آوردن واجب می شود، به شرطی که وقت نمازی که فرارسیده تنگ نشده باشد. باید نماز قضا به همان ترتیب قضا شدن خوانده شود، مثلاً اول نماز ظهر، بعد عصر و سپس مغرب و بعد عشا را بخواند، و فرقی ندارد نماز قضای همان روز باشد^۱ یا روز دیگری که وقتش گذشته است.^۲ اگر چند نماز قضا داشته باشد که از نظر ترتیب قبل از نماز حاضر قرار نگرفته باشد،^۳ واجب نیست پیش از نماز حاضر خوانده شود.

اگر نماز قضایی بر عهده اش بوده و آن را فراموش کرده باشد و نمازی را که وقتش رسیده است به جا آورده باشد، تکرار نماز واجب نیست، ولی اگر در بین نماز به یاد بیاورد،

دارد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۱۹)

۱. مثلاً اگر نماز صبح همان روز قضا شده باشد، باید قبل از نماز ظهر آن را بخواند و اگر نماز صبح روز دیگری قضا شده باشد، لازم نیست قبل از نماز ظهر حاضر بخواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۲۰)

۲. مثلاً روزی که نماز ظهر و عصرش قضا شده است و می خواهد قضای آن را به جا آورد، ابتدا باید قضای ظهر و سپس عصر را بخواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۲۰)

۳. مثلاً نماز عشا روزهای قبلش قضا شده است و قصد خواندن نماز ظهر حاضرش را دارد. در این مثال، صحت نماز ظهر متوقف بر خواندن نماز عشا نیست؛ ولی اگر نماز صبح همان روز قضا شده باشد، باید ابتدا نماز صبح را قضا کند و سپس نماز ظهر را ادا کند، وگرنه نماز ظهر او باطل است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۲۰)

نیت نمازش را به نماز قضا برمی گردانند، و اگر درحالی که می داند نماز قضا بر ذمه دارد نماز حاضر را بخواند، باید نماز را تکرار کند. اگر کسی در حال خواندن نماز نافله به یاد بیاورد نماز قضای واجب را نخوانده است، باید نماز واجب را از ابتدا شروع کند.^۱ قضای نمازی که در سفر بوده است به صورت شکسته است، حتی اگر در وطنش بخواند؛ و نمازی که در وطنش قضا شده است به صورت کامل خوانده شود، حتی اگر در سفر باشد.

ملحقات نماز قضا

شامل دو مسئله است:

اول: کسی که یکی از نمازهای یومیّه اش را به جا نیاورده است و نمی داند کدام نماز بوده است، باید یک نماز صبح و یک نماز مغرب و یک نماز چهاررکعتی به نیت قضای آنچه بر ذمه اش است بخواند. اگر چند مرتبه به همین شکل نمازش قضا شده باشد و نداند چه نمازی بوده است، باید آن قدر نماز قضا بخواند^۲ تا اطمینان حاصل کند به مقدار لازم نماز قضا خوانده است.

دوم: اگر نماز معینی^۳ از او قضا شود و نداند چند بار نمازش قضا شده است، باید آن قدر نماز قضایش را تکرار کند تا به یقین برسد به مقدار لازم نماز قضا خوانده است؛ و اگر چندین نماز از او قضا شده باشد و نداند چه نمازی بوده است و تعداد و

۱. یعنی نمی شود نیت نماز مستحبی را به واجب برگرداند، بلکه نماز نافله را تمام می کند و سپس قضای نماز را به جا می آورد. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۲۱)

۲. یعنی یک صبح، یک مغرب؛ و همچنین یک چهاررکعتی به نیت «ما فی الذمه» (آنچه بر ذمه دارد) بخواند و همین ترتیب را ادامه دهد تا وقتی به اطمینان برسد نماز قضایی بر ذمه اش نمانده است. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۲۱)

۳. مثلاً می داند نماز صبحش قضا شده است، ولی تعداد آن را نمی داند. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۲۱)

نوع آن‌ها را نیز نداند، باید چندین روز پشت سرهم نماز قضا بخواند تا به یقین برسد به مقدار لازم نماز قضا خوانده است.

فصل سوم: نماز جماعت

شامل چند مبحث می‌شود:

اول: خواندن همه نمازهای واجب به جماعت مستحب است

نماز جماعت در نمازهای روزانه مستحب مؤکد است. به جماعت خواندن نماز فقط در نماز جمعه و عیدین، با وجود شرایط آن واجب می‌شود. اقامه جماعت در هیچ‌یک از نمازهای مستحبی جز نماز طلب باران و عیدین - اگر شرایط وجوب آن محقق نشود -^۱ جایز نیست.

نماز جماعت با رسیدن به رکوع امام و رسیدن به امام درحالی که در رکوع باشد محقق می‌شود. نماز جماعت حداقل با دو نفر که یکی از آن‌ها امام باشد اقامه می‌شود. اگر بین امام و مأوم چیزی جلوی دیده شدن امام را بگیرد، نماز جماعت صحیح نیست، مگر این که مأوم زن باشد.^۲

اگر امام به قدر قابل توجهی در مکانی بالاتر از مأوم باشد - مثل قرار داشتن روی ساختمان‌ها - نماز جماعت منعقد نمی‌شود، و جایز است امام بر بلندی زمین شیب‌دار قرار بگیرد. اگر مأوم بر بنای بلندی بالاتر از امام قرار داشته باشد، جایز است.

اگر بین امام جماعت و مأوم صف‌های به هم متصل وجود نداشته باشد، نباید فاصله

۱. اگر شرایط وجوب نماز فطر و قربان مهیا نشود، واجب نخواهند بود. (مترجم)

۲. حائل یا مانعی که وجود آن مانع نماز جماعت نیست، حائلی است که مانع برقراری اتصال نباشد و از شنیده شدن صدای امام یا مکتب جلوگیری نکند، مانند پارچه یا دیواری که از چوب نازک و ... باشد، نه مانند دیوار ضخیم که از برقراری اتصال ممانعت می‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۲۵)

آن دو بیش از حد معمول باشد (بیش از یک متر بین امام و مأموم فاصله نباشد)، البته اگر میانشان صفوف متصل به یکدیگر وجود نداشته باشد. اما اگر صفوف به طور متوالی باشند، اشکال نخواهد داشت.^۱

خواندن «حمد و سوره» برای مأموم مکروه است، مگر این که نماز جهریه^۲ باشد و مأموم صدای امام یا همهٔ او را نشنود، و اگر امام از افرادی باشد که نمی‌توان به او اقتدا کرد، خواندن حمد و سوره واجب می‌شود.^۳

متابعت از امام واجب است، پس اگر مأموم ندانسته یا از روی فراموشی سرش را بلند کند، باید برگردد و از امام تبعیت کند؛ همچنین اگر ندانسته قبل از امام برای رکوع یا سجده خم شود با این گمان که امام خم شده است، باید برگردد و به امام ملحق شود. اما اگر مأموم با علم به حالت امام قبل از او به رکوع برود، اگر نیت فرادا کرده باشد، باید نمازش را فرادا تمام کند، وگرنه نمازش باطل است.

جایز نیست مأموم جلوتر از امام قرار بگیرد. مأموم باید امام خود را مشخص کند؛ پس اگر جلوی او دو نفر باشند و او قصد کند هر دو یا یکی از آنها را امام قرار دهد، ولی شخصی را معین نکند، نماز منعقد نمی‌شود. اگر دو نفر نماز بخوانند و هر کدام بگویند من امام هستم، نماز هر دو صحیح است؛ اما اگر هر دو بگویند من مأموم هستم یا شک کنند مأموم هستند یا امام، نماز هر دو باطل است.

جایز است کسی که نماز واجب می‌خواند به دیگری که او نیز نماز واجب می‌خواند اقتدا کند، حتی اگر دو نماز متفاوت باشند؛ و در بعضی از شرایط شخصی که نماز

۱. مثلاً کسی که در صف سوم ایستاده است فاصله‌اش با امام بیش از یک متر باشد، ولی اتصالش با صف‌های جلو برقرار است. (مترجم)

۲. نمازی که واجب است حمد و سوره بلند خوانده شود، نماز صبح و مغرب و عشا است. (مترجم)

۳. زیرا نماز او فراداست، نه جماعت. (مترجم)

مستحبی می‌خواند می‌تواند به کسی که نماز واجب یا نماز مستحبی می‌خواند اقتدا کند، و نیز کسی که نماز واجب می‌خواند می‌تواند به کسی که نماز مستحبی می‌خواند اقتدا کند.^۱

مستحب است: اگر مأوم فقط یک مرد باشد، در سمت راست امام قرار گیرد، اما اگر چند مرد یا یک زن باشد، پشت سر امام می‌ایستند. اگر امام زن باشد، سایر زنان در دو سمت او بایستند. همچنین مرد عریانی که برای جماعتی که عریان هستند امامت می‌کند، بنشیند و مأومین نیز در کنار او بنشینند و فقط کمی زانوهای امام جلوتر باشد. مستحب است اگر کسی نمازش را افراد می‌خواند و نماز جماعتی بر پا شود، آن نماز را تکرار کند، چه امام شود و چه مأوم. اگر مأوم قرائت خود را قبل از امام به پایان رساند، به تسبیح خداوند بپردازد تا امام به رکوع برود. مستحب است اهل فضل در صف اول قرار گیرند.

این‌ها در نماز جماعت مکروه است: قرار دادن کودکان در صف اول؛ مأوم به تنهایی در یک صف بایستد، مگر زمانی که صفوف پر شده باشند؛ خواندن نماز نافله در حین اقامه نماز جماعت.

وقت ایستادن برای نماز جماعت هنگامی است که مؤذن «قد قامت الصلاة» را بگوید، و بهتر از آن، بعد از پایان شهادت‌های چهارگانه^۲ است.

دوم: شرایط لازم برای امام جماعت

ایمان، عدالت، عقل، حلال‌زاده بودن؛ و اگر مأومین بالغ باشند و نماز واجب

۱. هنگامی که شخص نمازش را افراد بخواند، سپس جمعیتی حاضر شوند تا با آنان نماز جماعت بخواند، مستحب است نمازش را دوباره بخواند و با این که نمازش مستحب است، ولی می‌تواند به امامی که نمازش واجب است و به عکس اقتدا کند. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۲۸)

۲. بعد از أشهد أن المهدی و المهدیین من أولیه حجج الله. (مترجم)

می خوانند، بالغ باشد. کسی که نشسته نماز می خواند نباید امام کسی شود که ایستاده نماز می خواند. اُمّی^۱ نمی تواند برای غیر اُمّی امام باشد. آزاد بودن امام جماعت شرط نیست. در صورتی که مأمومین مرد باشند یا مرد و زن با هم باشند، مرد بودن امام شرط است. زن می تواند فقط برای زنان امامت کند؛ همچنین خنثی^۲ فقط برای افراد خنثی امام می شود. جایز نیست زن برای مردان یا افراد خنثی امامت کند.

اگر امام جماعت به گونه ای قرائت می کند که معنی را تغییر می دهد یا فهمیده نمی شود، امامتش برای کسی که می تواند صحیح قرائت کند جایز نیست. همچنین کسی که [در تلفظ] حروف را تغییر می دهد - مانند کسی که لکنت دارد یا شبیه به آن -^۳ نمی تواند برای کسی که صحیح قرائت می کند امامت کند. لازم نیست امام جماعت نیت امامت داشته باشد. صاحب مسجد^۴ و صاحب امارت^۵ و صاحب خانه برای امامت اولویت دارد، و شخص هاشمی نیز در صورت دارا بودن شرایط امامت، اولویت دارد.

اگر بین چند نفر برای امامت [جماعت] اختلاف پیش بیاید، کسی اولویت دارد که مأمومین برای امامت مقدم کنند؛ اگر دچار اختلاف شدند، فقیه ترین و بعد از آن باتقواترین فرد اولویت دارد. مستحب است امام طوری شهادتین^۶ را بر زبان جاری کند که افراد

۱. کسی که نمی تواند بخواند و بنویسد و قرآن را صحیح بخواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۲۹)

۲. کسی که مرد یا زن بودنش قابل تشخیص نباشد یا تشخیص مشکل باشد. (مترجم)

۳. مانند کسی که نمی تواند تلفظ حرف "ر" یا "ع" را صحیح ادا کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۰)

۴. امام جماعتی که همیشه در آن مسجد نماز می خواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۰)

۵. کسی که امام او را امیر قرار داده باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۰)

۶. یعنی: شهادت: «ان لا اله الا الله» و شهادت: «انّ محمداً عبده و رسوله» در تشهد میانه و آخر. (شرح شرائع

پشت سرش بشنوند. اگر امام در حال نماز بمیرد یا بیهوش شود، شخص دیگری از همان جمع نایب امام می شود تا نماز را برایشان کامل کند.^۱ همچنین اگر برای امام جماعت ضرورتی پیش بیاید، می تواند شخص دیگری را نایب خود قرار دهد و اگر این کار را از روی اختیار انجام دهد، نیز جایز است.

مکروه است کسی که در وطن خود است، به مسافر اقتدا کند؛ همچنین نایب شدن کسی که در تعداد رکعت های نماز از بقیه عقب تر است؛ و امامت شخص جذامی، و کسی که پیری دارد، و کسی که حد شرعی بر او جاری شده و توبه کرده است؛^۲ و همچنین کسی که ختنه نشده باشد؛ و امامت کسی که نمازگزار به امامت او تمایل ندارد؛ و امامت اعرابی بر مهاجرین.^۳ و امامت کسی که تیمم کرده برای کسانی که با آب طهارت گرفته اند، مکروه است.

سوم: احکام نماز جماعت

که دوازده مسئله دارد:

اول: اگر بعد از نماز ثابت شود امام جماعت فاسق، کافر یا بدون طهارت بوده است، نماز مأوم باطل نیست، و اگر نمازگزار [از قبل] می دانسته باید نمازش را دوباره بخواند؛ و اگر در بین نماز بفهمد، نیتش را به فرادا تغییر می دهد و نمازش را

الإسلام، ج ۱، ص ۲۱۵)

۱. و می توانند فرادا نماز را به پایان برسانند. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۰)
 ۲. امامت کسی که گناهی مرتکب شده است که باید بر او حد جاری شود، ولی بر او حد جاری نشده باشد و او از گناهش توبه کرده باشد صحیح است. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۱)
 ۳. اعرابی در این زمان یعنی کسانی که دنبال دنیا هستند و به امر دین اهتمام کمی دارند، و مهاجرین افرادی هستند که جان و مال و توانشان را در راه یاری دین و بالا بردن کلمة الله فدا کرده اند. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۲)

به پایان می‌رساند.

دوم: اگر مأموم وارد شود و امام جماعت در حالت رکوع باشد و بترسد جماعت را از دست بدهد، می‌تواند رکوع کند و در حال رکوع راه برود تا به صف نماز برسد.

سوم: اگر مأومین یک خنثی و یک زن باشند، واجب است خنثی پشت سر امام جماعت بایستد و زن پشت سر خنثی.

چهارم: اگر امام در محرابی که درون دیوار است نماز بخواند، کسی که پشت سر او قرار دارد و او را می‌بیند، نمازش صحیح است؛ ولی کسانی که در دو طرف امام ایستاده‌اند و او را نمی‌بینند، نمازشان صحیح نیست؛ و افرادی که در صف‌های بعدی ایستاده‌اند، نمازشان صحیح است، چون آنان کسی را می‌بینند که امام را می‌بیند.

پنجم: جایز نیست مأوم بدون عذری، تبعیت از امام را ترک کند، مگر این که قصد فرادا کند.^۱

ششم: نماز جماعت در یک کشتی و در چند کشتی صحیح است، فرقی ندارد کشتی‌ها به هم متصل باشند یا نباشند.

هفتم: اگر مأوم نماز نافله‌ای را شروع کند و سپس امام جماعت نماز را آغاز کند، اگر مأوم بترسد به جماعت نرسد، نمازش را قطع می‌کند و به جماعت ملحق می‌شود، در غیر این صورت مستحب است دو رکعت نافله را [که شروع کرده است] تمام کند؛ و اگر مأوم در حال خواندن نماز واجب بوده است، بهتر است نیتش را به نماز مستحبی تغییر دهد و دو رکعت را تمام کند؛ و اگر

۱. و اگر امام در نمازش دچار اشتباه شود و سوره را نخواند و وارد رکوع شود، بر مأومین واجب است از امام تبعیت کنند و همراه او به رکوع بروند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۵)

امام جماعت (امام معصوم) باشد، نمازش را قطع می‌کند و به‌همراه امام از نو شروع می‌کند.^۱

هشتم: اگر قسمتی از نماز جماعت را از دست بدهد، ابتدای نمازش را از همان جایی که به جماعت رسیده است حساب می‌کند و ادامه نماز را خودش به جا می‌آورد؛ حتی اگر به رکعت چهارم امام رسید، به‌همراه امام وارد نماز می‌شود و هنگامی که امام نمازش را سلام داد، می‌ایستد و ادامه نمازش را می‌خواند؛ و در رکعت دوم خودش حمد و سوره، و در دو رکعت آخر فقط حمد را می‌خواند.^۲

نهم: اگر بعد از رکوع رکعت آخر به امام رسید، تکبیر بگوید و با او به سجده برود، و پس از سلام امام می‌ایستد و نمازش را می‌خواند^۳ و نیازی به تکبیر گفتن دوباره ندارد. اگر بعد از سجده آخر رسید، تکبیر گفته، همراه امام می‌نشیند، و بعد از سلام امام می‌ایستد و نمازش را شروع می‌کند، و نیازی نیست دوباره تکبیر بگوید.

دهم: جایز است مأموم - به سبب ضرورتی - قبل از امام سلام بدهد و از حالت نماز خارج شود و جماعتش صحیح است.

یازدهم: اگر زنان در صف آخر نماز ایستاده باشند و چند مرد قصد ملحق شدن

۱. اگر امام جماعت امام معصوم باشد، نماز جماعت پشت سر او واجب نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۳)

۲. لازم به ذکر است هنگامی که مأموم به دلیل تبعیت از امام در تشهد می‌نشیند، نشستن او تفاوتی نخواهد داشت و نیازی نیست به حالت نیم‌خیز بنشیند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۴)

۳. سجده‌ای که همراه امام انجام داده است جزو رکعت اول او محسوب نمی‌شود، و پس از این که ایستاد نمازش را از رکعت اول بدون نیاز به تکبیر دوباره می‌خواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۴)

به جماعت را داشته باشند و برای مردان در پشت امام جایی نباشد، واجب است زن‌ها عقب‌تر بروند.

دوازدهم: اگر کسی که [در رکعت‌ها] نمازش از بقیه عقب‌تر است نایب امام قرار گیرد، هنگامی که نماز مأمومین به پایان رسید، به آن‌ها اشاره می‌کند تا نمازشان را تمام کنند؛ و سپس می‌ایستد و بقیه نمازش را می‌خواند.

مبحث پایانی: مسائل مربوط به مسجدها

مستحب است مسجد را روباز بسازند، به گونه‌ای که سقف نداشته باشد، مگر حصیر و ساقه درخت نخل، همانند سایبانی که موسی (علیه السلام) بنا نموده بود. وضوخانه مسجد نزدیک درهای آن باشد، و مناره مسجد کنار دیوار مسجد باشد نه وسط آن. با پای راست وارد مسجد و با پای چپ خارج شود. نعلین و کفش خود را بررسی کند.^۱ هنگام ورود و خروج از مسجد دعا کند.^۲

تخریب مسجدی که در حال خراب شدن است جایز است، اما غیر از آن جایز نیست، و مستحب است تعمیر شود. استفاده از وسیله مسجد در غیر آن جایز است؛ و جارو کردن و روشن کردن چراغ در مسجد مستحب است.

حرام است

تزئین کردن مسجد و کشیدن تصاویر بر آن، و فروختن وسایل آن، و این که چیزی از

۱. تا مطمئن شود خالی از نجاست و سایر کثافات است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۵)

۲. مانند دعایی که حضرت زهرا (علیها السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند که آن حضرت هنگام ورود به مسجد این دعا را می‌خواند: «بسم الله اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک» و هنگام خروج این دعا را می‌خواند: «بسم الله اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب فضلک» (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۴) (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۵)

مسجد برای راه‌ها و املاک استفاده شود؛ و اگر چیزی از مسجد را بگیرد، باید آن را به آن مسجد یا به مسجدی دیگر برگرداند. اگر مسجد از بین برود، تملک آن جایز نیست. آوردن نجاست به داخل مسجد جایز نیست، و برطرف کردن نجاست [از اشیای نجس] در مسجد، و خارج کردن سنگ‌ریزه از مسجد حرام است و اگر کسی چنین کند، باید آن را برگرداند. باز کردن درب خانه به مسجد حرام است،^۱ مگر این که خانه معصوم باشد. خوردن غذا در مسجد کراهت دارد. مسجد را محلی برای غذا خوردن قرار دادن کراهت شدید دارد.

مکروه است

بلند ساختن مسجد و ساختن پنجره‌هایی [بر روی دیوار مسجد]، و ساختن محراب در دیوار، و این که مسجد را راه عبور قرار دهند.^۲

مستحب است

از خرید و فروش و جای دادن دیوانگان، و اجرای احکام و اعلام گمشدگان، و اقامه حدود و شعر خواندن، و بلند کردن صدا، و صنعتگری و خوابیدن در مسجد اجتناب شود. مکروه است کسی که دهانش بوی سیر یا پیاز می‌دهد به مسجد برود؛ انداختن خلط سینه و آب دهان در مسجد و گشتن شپش در آن مکروه است و اگر چنین کرد زیر خاک پنهانش کند. آشکار کردن عورت در مسجد [اگر بیننده‌ای نباشد] و پرتاب سنگ‌ریزه مکروه است.

مسائل سه‌گانه

۱. یعنی همسایه‌های مسجد حق ندارند از داخل خانه خود دری به مسجد باز کنند. (مترجم)

۲. یعنی از یک در وارد و از در دیگر خارج شوند. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء دوم، صلاة،

اول: اگر کلیسا یا دیر^۱ ویران شود، اگر متعلق به اهل ذمه باشد، تعرّض به آن جایز نیست، اما اگر [این ویرانه] در سرزمینی باشد که با جنگ فتح شده باشد یا اهل آن از بین رفته باشند، استفاده از آن برای مسجد جایز است.

دوم: اقامه نماز واجب در مسجد بهتر از خانه است، و نافله برعکس است [یعنی خواندن آن در خانه بهتر است].

سوم: نماز در مسجد جامع برابر با صد نماز، و در مسجد قبیله (محلّه) برابر با بیست و پنج نماز، و در مسجد بازار برابر با دوازده نماز است.

* حرمت آرامگاه‌های معصومین و حسینی‌ها مانند حرمت مسجد است، اما خوردن غذا در حسینی‌ها مکروه نیست. مستحب است امام معصوم یا کسی که از سوی امام منصوب شده است امور مسلمین را در مسجد مدیریت کند.

فصل چهارم: نماز خوف^۲ و مطارده^۳

نماز خوف، در سفر یا وطن، شکسته است، چه جماعت خوانده شود و چه فرادا؛ اگر به جماعت خوانده شود، امام اختیار دارد اگر بخواهد ابتدا با یک گروه و سپس با گروه دیگری نماز بخواند، و در این حالت نماز دوم برای او مستحب خواهد بود؛ یا بهتر است آن‌گونه که رسول خدا ﷺ در ذات‌الرقاع^۴ نماز خواند نماز بخواند.

۱. محل عبادت یهودیان و مسیحیان. (مترجم)

۲. یعنی نماز ترس، مانند میدان جنگ بین حق و باطل. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۹)

۳. نماز در حالت ترس شدید، مثل زمانی که در میدان جنگ درگیری شدید و رودررو ایجاد شده است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۳۹)

۴. غزوة معروفی است که در سال چهارم هجری در سرزمین غطفان نجد واقع شد. (شرح شرائع الإسلام، ج ۱،

بررسی شروط، کیفیت و احکام نماز خوف.

شرط‌های نماز خوف

نماز خوف در صورتی صحیح است که دشمن در جهتی غیر از قبله باشد و چنان نیرویی داشته باشد که مسلمانان از حمله‌اش در امان نباشند. همچنین تعداد مسلمانان آن قدر باشد که بتوانند دو گروه شوند تا گروهی نماز بخوانند و گروهی توان مقاومت در برابر دشمن را داشته باشند، و لازم نباشد امام لشکر مسلمانان را به بیش از دو گروه تقسیم کند.

کیفیت نماز خوف

اگر نماز دورکعتی باشد، امام جماعت با گروه اول یک رکعت نماز می‌خواند و می‌نشیند تا نمازگزاران پشت سرش برخیزند و نماز خود را تمام کنند و به جنگ بروند و گروه دوم به صف بایستد، و امام برخیزد و رکعت دوم خود را بخواند؛ و نمازگزاران در این حالت با تکبیرة الاحرام وارد رکعت دوم امام می‌شوند که رکعت اول خودشان است، و هنگامی که امام برای تشهد نشست، آن قدر آن را طول می‌دهد تا نمازگزاران پشت سرش بتوانند برخیزند و رکعت دوم را بخوانند و به او برسند؛ سپس تشهد را می‌گوید و سلام می‌دهد.

بنابراین از سه نظر نماز خوف [با نماز در شرایط عادی] تفاوت دارد: اول از نظر فرادا بودن نماز مأموم - در عمل و نه در نیت، زیرا نمازش به جماعت است -^۱ دوم منتظر ماندن امام برای مأمومین تا نمازشان را تمام کنند، و سوم امامت فردی نشسته برای

ص ۲۲۳)

۱. به این صورت که گروه اول رکعت دوم نمازشان را فرادا می‌خوانند و قبل از امام سلام می‌دهند، و گروه دوم نیز رکعت دومشان را فرادا می‌خوانند تا به تشهد و سلام امام برسند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۴۰)

ایستاده.

اگر نماز سه رکعتی باشد، امام می تواند با گروه اول یک رکعت بخواند و با گروه دوم دو رکعت، یا برعکس [با گروه اول دو رکعت و با گروه دوم یک رکعت]. همچنین برای امام جایز است نماز را با هر کدام از گروه ها به صورت جداگانه نیز بخواند.

احکام نماز خوف

شامل چند مسئله است:

اول: اگر نمازگزاران در نماز خوف در حالتی که [از امام جماعت] تبعیت می کنند دچار هر سهو یا شکی شوند، به آن اعتنا نمی شود، اما اگر [از امام جماعت] تبعیت نمی کنند، حکم سهو یا شک در نماز عادی را - به همان صورتی که پیش تر بیان شد - خواهد داشت.

دوم: همراه داشتن سلاح در نماز خوف واجب است، حتی اگر سلاح نجس باشد، اما اگر سلاح به قدری سنگین باشد که برخی از واجبات نماز را نتوان انجام داد، [همراه داشتنش] جایز نخواهد بود.

سوم: اگر امام جماعت خطای سهوی انجام دهد، به طوری که سجده سهو بر او واجب شود و سپس گروه دوم به او ملحق شوند، هنگامی که سلام نماز را بگویند و سجده کنند، تبعیت از او برای آنها واجب نیست.

نماز مطارده یا نماز ترس شدید

هنگامی است که جنگ رودررو و تن به تن شود، که در این صورت نمازگزار هر طور بتواند نمازش را می خواند: ایستاده، در حال حرکت، یا سواره؛ و تکبیرة الاحرام را رو به قبله می گویند، و اگر می تواند رو به قبله بماند، وگرنه هر قدر توانست رو به قبله بایستد، و با وجود عذر به هر طرف که بتواند نماز بخواند. اگر نتواند پیاده شود، سواره نمازش را

می‌خواند و بر بلندی زین اسبش سجده می‌کند، و اگر نتواند اشاره می‌کند، و اگر می‌ترسد فقط با تسبیح گفتن نماز می‌خواند و در این حال رکوع و سجده ساقط می‌شود، و به‌جای هر رکعت می‌گوید: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر».

چند نکته:

اول: اگر با ایما یا اشاره نمازش را آغاز کرد و [از دشمن] در امان ماند، آنچه را باقی مانده است باید با رکوع و سجود کامل کند. اگر در حال نماز پشت به قبله نکرده باشد، لازم نیست نمازش را از ابتدا بخواند. همچنین اگر نماز را عادی شروع کند و چیزی اتفاق بیفتد که موجب ترس شود، نمازش را به‌صورت نماز خوف کامل می‌کند و نیازی نیست نمازش را از ابتدا بخواند.

دوم: اگر کسی از دور سیاهی ببیند و گمان کند دشمن است و نمازش را شکسته یا با اشاره بخواند و بعداً بفهمد اشتباه کرده است، نیازی به تکرار نماز نیست. همچنین اگر دشمن به او روی آورد و او نمازش را به‌دلیل ترس شدید با اشاره بخواند و بعد بفهمد میان او و دشمن مانعی وجود داشته است، نیازی به تکرار نماز نیست.

سوم: اگر از سیل یا حیوان درنده بترسد، جایز است نمازش را به‌صورت نماز خوف شدید بخواند.

خاتمه:

کسی که در باتلاق فرورفته یا کسی که در حال غرق شدن است آن‌گونه که می‌تواند نماز را به‌جا می‌آورد، و برای رکوع و سجده اشاره می‌کند و از تعداد رکعت‌های نماز چیزی را کم نمی‌کند، مگر این که در سفر یا ترس باشد.

فصل پنجم: نماز مسافر

شامل شروط نماز مسافر، شکسته خواندن، و پیوست‌هایش است.

شروط نماز مسافر

که شش تا هستند:

شرط اول: مسافت

طی کردن مسافت معتبر که حداقل مسافت ۴۴ کیلومتر رفت یا برگشت، یا ۲۲ کیلومتر رفت و برگشت [که مجموعاً ۴۴ کیلومتر می‌شود]. اگر مسافت ۲۲ کیلومتر باشد و قصد داشته باشد در طول یک یا چند روز - کمتر از ده روز - به خانه‌اش بازگردد، باید نمازش را شکسته بخواند. اگر مسافتی کمتر از ۲۲ کیلومتر را در یک روز طی کند و بازگردد و دوباره برود، جایز نیست نمازش را شکسته بخواند، حتی اگر این کار در نیتش بوده باشد. اگر برای یک شهر دو مسیر وجود داشته باشد که یکی از دیگری طولانی‌تر باشد و از راه طولانی‌تر برود، نمازش شکسته می‌شود، حتی اگر با هدف شکسته شدن نماز راه طولانی را انتخاب کرده باشد.

شرط دوم: قصد مسافت

اگر نیت کمتر از حداقل مسافت را داشته باشد و بعد از رسیدن به آن مکان تصمیم بگیرد به همان اندازه از محل فعلی‌اش منتقل شود، نمازش شکسته نمی‌شود، حتی اگر مجموع مسافت طی شده از حداقل مسافت بیشتر باشد، و اگر برگردد و مقدار مسافت بازگشت او به اندازه حداقل مسافت یا بیشتر از آن باشد، نمازش شکسته می‌شود. همچنین اگر به دنبال حیوان گمشده‌ای برود یا به دنبال کسی رفته باشد که به او بدهی دارد یا دنبال غلام فرار کرده برود، همین حکم برقرار خواهد بود.

اگر شخصی به قصد سفر خارج شود و به مکانی برود و منتظر گروهی باشد تا در صورت امکان همراه آنان سفر کند و گرنه بازگردد، اگر فاصله این مکان ۲۲ کیلومتر یا بیش از آن باشد، در سفر و در محل توقفش نماز را شکسته می‌خواند، و اگر کمتر از آن

باشد، نمازش را کامل می‌خواند تا زمانی که کاروانی را پیدا و با آنان سفر کند.

شرط سوم: سفرش را در میانه راه با اقامت^۱ قطع نکند

اگر قصد طی کردن مسافتی را داشته باشد که در راه آن خانه‌ای دارد که حداقل شش ماه در آن سکونت داشته است، نمازش را در راه و در خانه‌اش کامل می‌خواند؛ همچنین اگر قصد اقامت در مکانی را داشته باشد که فاصله‌اش کمتر از حداقل مسافت است، بازهم به همین گونه خواهد بود. اگر فاصله بین او تا خانه‌اش یا مکانی که قصد اقامت در آن را دارد بیشتر از حداقل مسافت باشد، تنها در طول راه نماز را شکسته می‌خواند.

حال اگر چند وطن داشته باشد، فاصله بین محل آغاز سفر او تا وطن اول در نظر گرفته می‌شود، که اگر کمتر از حداقل مسافت باشد و سفرش با رسیدن به وطن قطع شود، نمازش در راه و وطن کامل است؛ سپس مسافت بین دو وطن در نظر گرفته می‌شود که اگر کمتر از حداقل مسافت بود، نمازش کامل است و اگر به اندازه حداقل مسافت یا بیشتر از آن باشد، نمازش را در مسیر شکسته می‌خواند تا به وطنش برسد.

وطنی که نماز در آن کامل است: هرجایی است که فرد دارای ملک یا مانند آن باشد، مثل زمین زراعی یا انفالی که با اجازه امام معصوم از آن بهره می‌برد،^۲ و شش ماه پشت سرهم یا بیشتر در آن مکان سکونت داشته باشد،^۳ به شرطی که در آن ملک،

۱. یعنی در بین راه قصد توقف ده روزه نداشته باشد، یا از وطن یا مکانی که در حکم وطنش است عبور نکند. (مترجم)

۲. اما محلی که شخص مدت زیادی در آن زندگی کرده، ولی مالکش نبوده است - مثل کسی که چندین سال در مکانی مستأجر بوده، یا محل سکونتش را فروخته و هجرت کرده است - آن مکان دیگر وطن او نخواهد بود؛ و اگر در بین سفرش از آنجا عبور کند، سفرش قطع نمی‌شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۴۷)

۳. و سفر کوتاه مانند سفر برای زیارت و ... در این بین اشکالی را وارد نمی‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۴۷)

خانه‌ای برای سکونت باشد.^۱

شرط چهارم: سفر مجاز باشد

چه واجب باشد مانند سفر حج واجب، چه مستحب باشد مانند زیارت پیامبر (ص)، یا مباح باشد مانند سفر برای تجارت. اگر سفر برای معصیت باشد، مانند تبعیت از حاکم ظالم، یا برای شکار از روی سرگرمی باشد، نمازش شکسته نیست. اگر شکار برای امرار معاش خود و خانواده یا تجارت باشد، نمازش شکسته می‌شود.

شرط پنجم: سفرش بیش از در وطن ماندنش نباشد (کثیرالسفر نباشد)

مانند کوچ‌نشینانی که به دنبال مراتع مناسب می‌روند و کسی که در ازای دریافت کرایه، بار حمل می‌کند،^۲ و کشتی‌رانان و تاجران دوره‌گرد و نامه‌رسان‌ها.

معیار و ملاک تشخیص [کثیرالسفر]: کسی که سفرش به شکل مستمر چهار روز در هفته، یا شانزده روز در ماه، یا شش ماه و یک روز در سال باشد^۳ باید نمازش را در سفر کامل بخواند و روزه بگیرد، و از زمانی که بفهمد وضعیتش چنین است حکم نماز و روزه‌اش این‌گونه خواهد بود، حتی اگر اولین روز سفرش باشد.

شرط ششم

بر مسافر جایز نیست تا زمانی که صدای اذان شهر را می‌شنود نمازش را بشکند یا

۱. با وجود تمام این شرایط، آن محل وطن او محسوب می‌شود، هرچند که از آن مکان هجرت کند. البته اگر در مکانی ساکن باشد، تا زمانی که آنجاست نمازش تمام است، گرچه مستأجر باشد و ملک نداشته باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۴۷)

۲. مثلاً راننده. (مترجم)

۳. کمترین مدتی که با وجود آن نماز را باید تمام بخواند شش ماه است، یعنی این وضعیت او که در هفته چهار روز یا در ماه شانزده روز را سفر می‌کند بیش از شش ماه ادامه یابد. از زمانی که بداند این وضعیت اوست کثیرالسفر محسوب می‌شود و نمازش تمام است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة، ص ۱۴۸)

روزه‌اش را افطار کند، حتی اگر نیت سفر را از شب قبل داشته باشد. همچنین در زمان برگشت نیز نمازش شکسته است تا زمانی که صدای اذان را از وطنش (از انسان، نه از بلندگو) بشنود، و پس از آن، نماز را کامل می‌خواند.

اگر مسافر قصد اقامت ده روز در جایی غیر از سرزمینش را داشته باشد، نمازش را کامل می‌خواند و در صورت کمتر از آن، نمازش را شکسته می‌خواند. حال اگر در قصد اقامت تردید داشته باشد، تا یک ماه نمازش را شکسته می‌خواند و بعد از آن باید کامل بخواند، حتی اگر [بعد از یک ماه] فقط یک نماز باشد. اگر ابتدا قصد اقامت ده روز داشته باشد و بعد از آن نیتش تغییر کند و قصد به هم زدن اقامت را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند، و تفاوتی نمی‌کند [تا آن موقع] یک نماز یا بیشتر را به نیت کامل خوانده باشد یا هیچ نمازی نخوانده باشد؛ و اگر دوباره به قصد اقامت بازگردد - برای کامل شدن نماز - باید قصد ماندن ده روز جدید داشته باشد.

شکسته خواندن نماز

شکسته خواندن نماز در سفر واجب است، مگر در یکی از وطن‌های چهارگانه - یعنی مکه و مدینه و مسجد جامع کوفه و حائر حسینی -^۱ که مخیر است نمازش را کامل بخواند یا شکسته بخواند، اگرچه کامل خواندن بهتر است. هنگامی که باید نمازش را شکسته بخواند، اگر عمداً نماز را کامل بخواند باید در هر صورت [در وقت و خارج از وقت] نمازش را تکرار کند، و اگر حکم شکسته شدن نماز را نمی‌داند، لازم نیست نماز را تکرار کند، حتی اگر وقت نماز باقی باشد، و اگر فراموش کرده باشد در وقت، نیازی به تکرار و خارج از وقت نیاز به قضا ندارد. اگر مسافر به طور اتفاقی نماز را شکسته بخواند، نمازش صحیح است. اگر فردی در وطنش بود و وقت نماز آغاز شد و او سفر را شروع کرد

۱. حدود (حائر) که نمازگزار بین شکسته خواندن و کامل خواندن حق انتخاب دارد ۲۵ متر از تمام جهات قبر شریف است. (شرح شرائع الإسلام، ج ۱، کتاب نماز)

و وقت نماز هم باقی باشد، به دلیل مسافر بودنش در این حال نماز را شکسته می خواند، و اگر در زمان داخل شدن وقت نماز مسافر باشد و در زمان ادای نماز مسافر نباشد^۱ و وقت نماز هم باقی باشد، باید نمازش را کامل بخواند.^۲

مستحب است بعد از [شکسته خواندن] هر نماز واجب برای جبرانش سی بار بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» لازم نیست [مأموم] مسافر از امامی که نمازش کامل است تبعیت کند و نمازش را کامل بخواند، بلکه نمازش را افراد اسلام می دهد.

هفت مسئله درباره احکام شکسته خواندن نماز

اول: اگر به قصد طی کردن حداقل مسافت خارج شود و در بین سفر، مانعی از ادامه مسیر جلوگیری کند: اگر آن قدر رفته باشد که صدای اذان را نشنود، نمازش شکسته است، البته اگر از قصد سفر منصرف نشده باشد، اما اگر به قدری رفته باشد که صدای اذان را بشنود یا از ادامه سفر منصرف شده باشد، نمازش را کامل می خواند؛ و مسافر خشکی و دریا در این حکم برابرند.

دوم: اگر مسافر مقداری از راه را رفت و [به عنوان مثال در سفر دریایی] باد او را به وطنش برگرداند، اگر صدای اذان را بشنود، نمازش را کامل، وگرنه شکسته می خواند.

سوم: اگر مسافر قصد کرده باشد در مکانی غیر از شهر خودش ده روز بماند، سپس از آن مکان به میزان کمتر از حداقل مسافت خارج شود، در تمام حالتها

۱. مثلاً به وطن یا مکانی که در حکم وطن است برسد. (مترجم)

۲. اگر کسی قصد اقامت ده روز کند و در بین نماز از قصدش برگردد، نمازش را شکسته می خواند، و برعکس اگر در بین نماز قصد اقامت کند، نمازش را تمام می خواند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة،

باید نمازش را در راه و آن شهر کامل بخواند.

چهارم: اگر مسافر به نیت شکسته نماز خود را آغاز کند و بعد تصمیم اقامت بگیرد، باید نمازش را کامل بخواند. اگر مسافر نیت ده روز اقامت کند و بعد تصمیم به رفتن بگیرد، نمازش شکسته می شود. اگر مسافر بعد از پایان نماز کامل تصمیم به سفر بگیرد، از آن پس نمازش را شکسته می خواند.

پنجم: برای شکسته یا کامل خواندن قضای نماز، چگونگی قضا شدنش ملاک است نه واجب شدنش؛ پس اگر نماز را در حالت شکسته از دست داد، به همان صورت قضا می کند.

ششم: اگر فردی به نیت سفر خارج شد و گمان کرد دیگر صدای اذان شهر خود را نمی شنود و نماز را شکسته بخواند و بعداً نیتش تغییر کند، لازم نیست نمازش را تکرار کند.

هفتم: اگر زمان نماز نافله ظهر داخل شد و او نافله را نخواند و سفر را آغاز کرد، مستحب است - حتی در سفر - قضای آن را به جا آورد.

* * *

کتاب روزه

شامل سه فصل است: ارکان روزه، اقسام آن، و ملحقاتش.

فصل اول: ارکان روزه

این فصل چهار رکن دارد:

رکن اول: روزه

روزه یعنی پرهیز از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند، همراه با نیت روزه گرفتن.

در ماه رمضان و در غیر ماه رمضان، کافی است روزه را جهت تقرب به خدا نیت کند، و اگر در شب، نیت کردن را فراموش کرد، می‌تواند تا قبل از اذان ظهر نیت کند. اگر اذان ظهر فرارسید، مهلت نیت تمام شده است،^۱ چه روزه‌اش واجب باشد و چه مستحب؛ فقط برای روزه ماه رمضان می‌تواند نیت را بر ماه رمضان مقدم کند^۲ و اگر این‌گونه نیت کرد و وارد ماه رمضان شد و فراموش کرد دوباره نیت کند^۳ و اولین روز را روزه گرفت، همان نیت اول کافی خواهد بود؛^۴ و به این ترتیب می‌توان برای روزه تمام ماه رمضان، تنها یک نیت کرد.

در ماه رمضان، روزه غیر رمضان را نمی‌توان گرفت و اگر نیت روزه دیگری کند، چه واجب باشد چه مستحب، به عنوان روزه ماه رمضان پذیرفته می‌شود، نه آنچه نیت کرده

۱. یعنی دیگر نمی‌تواند نیت روزه کند. (مترجم)

۲. یعنی شب قبل از شروع ماه رمضان نیت کند که تمام این ماه را برای خدا روزه می‌گیرم. (مترجم)

۳. یعنی پس از وارد شدن به ماه رمضان نیت نکرده است. (مترجم)

۴. یعنی نیتی که قبل از داخل شدن ماه رمضان انجام داده بود. (مترجم)

است.

نیت شک‌دار بین روزه واجب و مستحب جایز نیست، بلکه باید حتماً یکی را قصد کند، یا روزه را فقط به نیت قرب به خدا قصد کند.

اگر روز آخر شعبان را به قصد روزه واجب ماه رمضان به همراه شک روزه بگیرد، روزه‌اش نه به عنوان مستحب محسوب می‌شود و نه واجب؛ اما اگر روزه‌اش را به نیت مستحب گرفت، اگر بعد فهمید ماه رمضان بوده است، به عنوان روزه ماه رمضان کفایت می‌کند. اگر در روز مشکوک به آخر شعبان یا اول رمضان نیت کند که اگر رمضان بود روزه‌ام واجب باشد و اگر شعبان بود مستحب باشد، کافی نیست، و در صورتی که اول رمضان باشد باید دوباره روزه بگیرد. اگر به نیت روزه نگرفتن شب را به صبح برساند و بعد مشخص شود رمضان است، نیت روزه را تجدید می‌کند و همین کافی خواهد بود، ولی اگر بعد از اذان ظهر فهمید، واجب است از تمام مبطلات روزه خودداری کند و قضای آن روز را به جا آورد.

سه مسئله:

۱- اگر در روز ماه رمضان نیت کند روزه‌اش را بشکند، سپس دوباره تا قبل از اذان ظهر نیت روزه کند، روزه‌اش صحیح است.

۲- اگر روزه را نیت کند، سپس نیت کند روزه را بشکند، اما روزه را نشکند و دوباره نیت روزه کند، روزه‌اش صحیح است.^۱

۳- کودک ممیز، هم روزه و هم نیت روزه‌اش صحیح و شرعی است.

۱. فرقی نمی‌کند قصدش برای شکستن روزه، قبل اذان ظهر بوده است یا بعد اذان ظهر. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء سوم، صوم، ص ۱۰)

رکن دوم: آنچه روزه‌دار باید از آن‌ها خودداری کند

که شامل چند مبحث است:

مبحث اول: واجب است خودداری از:

- ۱- همه خوردنی‌ها، چه از خوردنی‌های رایج باشد مثل نان و میوه‌ها، و چه از خوردنی‌های غیررایج باشد مثل ریگ یا تگرگ.
- ۲- همه نوشیدنی‌ها، هرچند نوشیدنش رایج و معمول نباشد، مثل آب گُل‌ها و صمغ درختان.
- ۳- نزدیکی، چه از جلو و چه از عقب که روزه زن و مرد هر دو باطل می‌شود؛ و همچنین عمل خبیث لواط، و وطی با حیوان.
- ۴- دروغ بستن به خدا و رسولش ﷺ و ائمه و مهدیون علیهم‌السلام، که روزه با آن باطل می‌شود.
- ۵- ارتماس^۱؛ البته ارتماس وقتی به صورت لہوی و بیهوده باشد حرام است و روزه را باطل می‌کند، اما اگر لازمه شغلش باشد یا برای بیرون آوردن یک شیء در آب فروبرد، حرام نیست و روزه‌اش صحیح است.
- ۶- رساندن غبار به حلق^۲ حرام است و روزه را باطل می‌کند.
- ۷- مصرف دخانیات روزه را باطل می‌کند، البته نه به این دلیل که غباری غلیظ است.

۱. یعنی فروبردن تمام بدن و سر داخل آب. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء سوم، صوم، ص ۱۱)
۲. اگر می‌داند در محیطی غبارآلود - بدون قصد - غبار به حلقش راه می‌یابد، لازم نیست از ماسک استفاده کند، اگرچه بهتر است چنین کند. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء سوم، صوم، ص ۱۲)

۸- باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح از روی عمد و بدون ضرورت.

[چند نکته:]

★ اگر شب جُنُب شود و بدون قصد غسل کردن بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود، روزه‌اش باطل است، اما اگر با قصد غسل کردن خوابیده باشد، روزه‌اش صحیح است. اگر بعد از خوابیدن و قبل از اذان صبح بیدار شد، سپس با قصد غسل کردن دوباره خوابید و بعد از اذان صبح بیدار شد، روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را به جا آورد.

★ اگر استمنا کند یا زنی را لمس کند و منی از او خارج شود، روزه‌اش باطل است.

★ اگر در طول روز و بعد از تَیَّت روزه محتلم شود، روزه‌اش باطل نیست.^۱

★ اگر به زنی نگاه کند یا صدای او را بشنود و منی از او خارج شود، روزه‌اش باطل نیست.

۹- اماله کردن با مایع.^{۲ و ۳}

[تبصره:]

اماله با شیء جامد [مانند شیاف] روزه را باطل نمی‌کند. تزریق عضلانی و وریدی، روزه را باطل نمی‌کند، مگر این که مغذی باشد.

۱. غسل کردن فوری هم لازم نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۱۳)

۲. تزریق هرگونه مایعی از مقعد. (مترجم)

۳. پس وارد کردن مایعات در آلت مرد یا مهبل زن برای معالجه بعضی بیماری‌ها روزه را باطل نمی‌کند.

(احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۱۴)

دو مسئله:

اول: همه مواردی که ذکر شد اگر عمداً از روزه‌دار سر بزند، روزه را باطل می‌کند، چه به مسئله آگاه باشد و چه ناآگاه؛ اما اگر سهواً از او سر بزند، روزه را باطل نمی‌کند، چه روزه واجب باشد و چه مستحب. همچنین اگر در شکستن روزه مجبور شود یا چیزی در حلقش بریزد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

دوم: این‌ها روزه را باطل نمی‌کند: مکیدن نگین انگشتر، جویدن غذا برای کودک، غذا دادن به پرنده با دهان، چشیدن مزه غذا، فرورفتن در آب تا گردن برای مردان. مسواک زدن برای نماز مستحب است، چه با مسواک خشک و چه تر.^۱

مبحث دوم: آنچه مربوط به انجام مفطرات روزه می‌شود

مسئله اول:

در موارد زیر، علاوه بر قضا کفاره نیز واجب می‌شود:

۱- خوردن و آشامیدن، چه خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های معمول باشد و چه غیر معمول.

۲- نزدیکی، به طوری که ختنه‌گاه پنهان شود، چه از جلوی زن باشد و چه از عقب.

۳- باقی ماندن عمدی بر جنابت تا اذان صبح.

۴- خوابیدن در حال جنابت بدون قصد بیدار شدن برای غسل تا اذان صبح.

۱. مسواک زدن با خمیردندان برای روزه‌دار، مخصوصاً اگر به دلیل بیماری‌ای در دندان‌هایش به آن عادت کرده باشد، جایز است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۱۵)

۵- استمنا.

۶- رساندن غبار به حلق.

۷- استعمال دخانیات.^۱

مسئله دوم:

کفّاره فقط در موارد زیر واجب می‌شود:

روزه ماه رمضان، شکستن روزه قضای رمضان بعد از اذان ظهر، روزه نذری که روزش معین باشد، و روزه اعتکاف هنگامی که واجب باشد.^۲

در غیر حالت‌های فوق، کفّاره واجب نیست، مثل روزه‌های کفّاره، و روزه نذر غیرمعین، و روزه مستحبی؛ هرچند روزه باطل شود.

* نکته: هرکس از روی فراموشی چیزی بخورد و گمان کند روزه‌اش باطل شده است و سپس روزه را عمداً بشکند، روزه‌اش باطل می‌شود و واجب است آن را قضا کند، ولی کفّاره واجب نیست. اگر در حلق او چیزی بریزند، یا به اجبار چیزی به او بخوراند، به‌طوری که اختیاری برایش نماند، روزه‌اش باطل نیست؛ اما اگر ترسانده شود و روزه را بشکند، آن روزه را باید قضا کند و کفّاره به عهده‌اش نیست.

مسئله سوم:

کفّاره شکستن روزه ماه رمضان، آزاد کردن یک بنده، یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن، یا

۱. ۸- دروغ بستن به خدا و پیامبر و ائمه و مهدیون (علیهم السلام). (مترجم)

۹- ارتماسی که روزه را باطل کند. (مترجم)

۲. یعنی از سه روز اعتکاف دو روزش گذشته باشد، که در این صورت روزه روز سوم بر معتکف واجب می‌شود.

(احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۱۷)

غذا دادن به شصت مسکین است، که در انتخاب هریک از آن‌ها مخیر است.^۱ در صورتی که با عملی حرام روزه را بشکند، هر سه کفاره بر او واجب می‌شود؛ و اگر با عملی حلال روزه را بشکند، یک کفاره بر او واجب می‌شود. اگر بنده‌ای پیدا نکرد، قیمت آن را به امام می‌پردازد.^۲

مسئله چهارم:

اگر روزه نذر معین را بشکند، قضا بر او واجب می‌شود، و همچنین باید به انتخاب خود یک کفاره را به جا آورد.^۳

مسئله پنجم:

دروغ بستن به خدا و ائمه و مهدیون علیهم‌السلام حرام است، هم برای روزه‌دار و هم برای غیر روزه‌دار، البته برای روزه‌دار حرمتش شدیدتر است، و قضا و کفاره را برایش واجب می‌کند.

مسئله ششم:

ارتماسی که روزه را باطل می‌کند، به واسطه‌اش قضا و کفاره واجب می‌شود.

مسئله هفتم:

اماله با شیء جامد اشکال ندارد، اما اماله با مایع حرام است و تنها قضا بر او واجب می‌شود.

مسئله هشتم:

کسی که جُنُب شود و بخوابد و [تا قبل از اذان صبح] قصد غسل داشته باشد، سپس

۱. البته در صورتی که با عملی غیرحرام روزه را بشکند. (مترجم)

۲. قیمت بنده را امام تعیین می‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۱۸)

۳. منظور یکی از سه کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۱۸)

بیدار شود و دوباره بخوابد، و سپس بیدار شود و دوباره بخوابد و این بار نیز قصد غسل داشته باشد تا این که اذان صبح را بگویند، کفّاره بر او واجب نخواهد شد.

مسئله نهم:

در حالت‌های زیر فقط قضا واجب می‌شود:

۱- انجام آنچه روزه را باطل می‌کند، بدون آن که تحقیق کند اذان صبح شده یا نه، درحالی که توانایی تحقیق داشته باشد [بعد بفهمد اذان صبح شده بود].

۲- انجام آنچه روزه را باطل می‌کند، با اعتماد به خبر کسی که به او خبر داده است که هنوز اذان صبح نشده، درحالی که خودش می‌توانسته این مسئله را تشخیص دهد، و بفهمد اذان صبح را گفته بودند.

۳- عمل نکردن به گفته کسی که خبر داده اذان صبح شده است و انجام عمل باطل کننده روزه به گمان این که خبردهنده دروغ می‌گوید [درحالی که واقعاً اذان صبح را گفته‌اند].

۴- افطار کردن به دلیل تبعیت از حرف کسی که گفته است شب شده، و سپس معلوم شود خبرش اشتباه بوده است.

۵- افطار کردن بر اثر دیدن تاریکی [هوا] که به اشتباه فکر کرده شب شده است، البته اگر با دیدن تاریکی، ظنّ غالب برایش حاصل شده و افطار کرده باشد روزه‌اش باطل نخواهد شد.

۶- استفراف عمدی؛ و اگر غیرعمدی قی کند، روزه‌اش باطل نیست.

۷- اماله با مایع.

۸- وارد کردن آب به حلق^۱ به قصد خنک شدن، البته اگر برای وضو آب را داخل دهانش مضمضه کند، روزه اش باطل نیست [حتی اگر آب به حلقش وارد شود].

۹- دوباره خوابیدن جُنُب تا این که اذان صبح گفته شود، البته در صورتی که نیت غسل داشته باشد.

۱۰- خروج منی از کسی که با شهوت به نامحرم نگاه کند؛ و اگر آن زن بر او حلال باشد (همسرش باشد)، قضا بر او واجب نیست.

چند نکته:

اول: اگر مضمضه کردن آب به خاطر مداوا باشد، یا با هدفی صحیح در دهان خود مهره یا نگین یا چیز دیگری بگذارد و به حلقش فروبرد، روزه اش باطل نیست، ولی اگر بیهوده این کار را انجام دهد، [روزه اش باطل و] قضا بر او واجب می شود.

دوم: آنچه از باقی مانده غذا از بین دندان ها خارج می شود، بلعیدنش برای روزه دار حرام است، و اگر عمداً آن را بلعد، قضا و کفاره بر او واجب می شود، اما اگر سهوی باشد اشکال ندارد.

سوم: هرآنچه از راهی غیر از حلق وارد بدن شود روزه را باطل می کند، به جز

۱. به این معنا که اگر آب وارد دهانش شود و بدون هیچ عمدی به حلقش برسد، اگر وارد کردن آن برای خنک شدن بوده باشد، قضا بر او واجب می شود، ولی اگر به خاطر مضمضه ای باشد که انجامش در طهارت (وضو) مستحب است، روزه اش صحیح است و قضایی بر او واجب نخواهد شد. (شرح شرائع الإسلام، ج ۱، کتاب روزه)

تزریق غیرمُعذّی؛^۱ و ریختن دارو در آلت تناسلی مرد روزه را باطل نمی‌کند.

چهارم: فروبردن خلط‌های گلو و آب دهان روزه را باطل نمی‌کند، حتی اگر عمدی باشد، البته تا وقتی که از فضای دهان خارج نشده باشد، اما خلط‌هایی که از سر می‌آید، اگر به حلق برسد، در صورت بلعیدن غیرعمدی روزه‌اش باطل نمی‌شود، اما اگر عمداً آن را ببلعد، روزه‌اش باطل می‌شود.

پنجم: هر چیزی طعم داشته باشد، مانند آدامس روزه را باطل می‌کند.

ششم: اگر اذان صبح شود و در دهانش غذا باشد، باید آن را بیرون بریزد، و اگر آن را ببلعد، روزه‌اش باطل می‌شود، و هم قضا و هم کفّاره بر او واجب می‌شود.

هفتم: کسی که خودش به‌تنهایی هلال ماه رمضان را دیده باشد و روزه نگیرد قضا و کفّاره بر او واجب می‌شود.

مسئله دهم:

نزدیکی تا قبل از اذان صبح جایز است به شرط این که بداند به‌مقدار انجام نزدیکی و غسل وقت دارد، و اگر مطمئن باشد وقت کم است و با این حال جماع کند، روزه‌اش باطل است و کفّاره نیز بر او واجب می‌شود؛ اما اگر جماع کند و گمان داشته باشد وقت دارد، در صورتی که رعایت وقت را کرده باشد، چیزی بر عهده‌اش نیست، اما در صورتی که مراعات وقت را نکرده باشد، فقط قضا بر او واجب می‌شود.

مسئله یازدهم:

۱. مثل آمپول‌های غیرغذایی که در عضله یا رگ تزریق می‌کنند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۱۴)

اگر در دو روز متفاوت، موجبات کفّاره را انجام دهد، کفّاره تکرار می‌شود، البته اگر از روزه‌هایی باشد که به آن‌ها کفّاره تعلق بگیرد؛ ولی اگر همه را در یک روز انجام دهد، کفّاره تکرار نمی‌شود، فرقی نمی‌کند تکرار باطل کننده روزه از یک جنس باشد یا مختلف باشد.

نکته:

هرکسی که کفّاره بر او واجب شود و سپس وجوب روزه به سبب سفر یا حیض یا شبیه آن از بین رود، کفّاره از عهده‌اش ساقط نمی‌شود.

مسئله دوازدهم:

هرکس با زن خود در ماه رمضان جماع کند درحالی که هر دو روزه باشند، در صورتی که همسرش را به این کار مجبور کرده باشد، کفّاره بر عهده مرد است، و زن نه قضا و نه کفّاره به عهده‌اش نیست؛ ولی اگر زن با شوهرش همراهی کند، روزه هر دو باطل است و هرکدام جداگانه باید کفّاره خود را بدهند و بیست و پنج ضربه شلاق نیز مجازاتشان است. اگر مردی، زن نامحرمی را به این کار وادار کند، روزه زن صحیح است و نه کفّاره و نه قضا بر عهده زن نیست، و بر مرد کفّاره و قضا واجب می‌شود.

مسئله سیزدهم:

کسی که دو ماه پیاپی روزه بر او واجب باشد، اگر از روزه دو ماه عاجز بود، هجده روز روزه می‌گیرد، و اگر اصلاً نتوانست روزه بگیرد، استغفار می‌کند و کفّاره‌اش همین خواهد بود.^۱

مسئله چهاردهم:

۱. حتی اگر بعداً قادر به روزه گرفتن شد لازم نیست، زیرا کفّاره‌اش را انجام داده است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، ص ۲۶)

جایز نیست کسی داوطلبانه کفّاره دیگری را انجام دهد، مگر این که آن شخص مال یا غذایی به او هدیه کند؛ و کسی که کفّاره بر عهده‌اش است خودش کفّاره را می‌پردازد، اما می‌توان به جای میّت کفّاره‌اش را انجام داد، حتی اگر با روزه گرفتن باشد.

مبحث سوم: مکروهات روزه‌دار

نُه چیز برای روزه‌دار مکروه است:

- * معاشقه با زنان، چه بوسیدن باشد، چه لمس کردن، و چه ملاعبه.
- * سرمه کشیدن با سرمه‌ای که در آن صبر^۱ یا مشک باشد.
- * خارج کردن خون به طوری که موجب ضعف شود.
- * حمام رفتن به گونه‌ای که موجب ضعف شود.
- * ریختن دارو در بینی، البته اگر به حلق نرسد.
- * بوییدن گل‌ها، به‌ویژه گل نرگس.
- * اماله کردن با شیء جامد.
- * خیس کردن لباسی که روزه‌دار بر تن دارد.
- * نشستن زن در آب.

رکن سوم: زمانی که روزه در آن صحیح است

زمان روزه در طول روز است، نه شب؛ و اگر کسی نذر کند شب را روزه بگیرد، نذرش درست نیست، و اگر نذر کند یک شب و روز را پشت سرهم روزه بگیرد، باز هم نذرش درست

۱. نوعی گیاه دارویی تلخ است که با سرمه مخلوط می‌کنند و برای بعضی بیماری‌های چشم مفید است.
(احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۲۶)

نیست.

روزه دو روز عید فطر و قربان صحیح نیست، و اگر نذر کند در آن دو روز روزه بگیرد، نذرش صحیح نیست. اگر نذر کند روز معینی را روزه بگیرد و اتفاقاً در یکی از این دو عید بیفتد، روزه‌اش صحیح نیست و قضا بر او واجب نمی‌شود، هرچند اگر قضا کند بهتر است. همین حکم برای ایام تشریق^۱ برای کسی که در «مِنا»ست برقرار است.

رکن چهارم: کسانی که روزه‌شان صحیح است

۱- مؤمن عاقل باشد. روزه کافر (کسی که به پیامبر یا امامان یا مهدیون علیهم‌السلام کافر باشد) صحیح نیست، هرچند روزه بر او نیز واجب است. روزه دیوانه صحیح نیست، ولی روزه انسان بیهوش اگر قبل از بیهوشی نیت کرده باشد، صحیح است. روزه کودک ممیز صحیح است.

۲- کسی که خوابیده است اگر قبل از خواب نیت کرده باشد، حتی اگر خواب او تا شب ادامه داشته باشد، روزه‌اش صحیح است؛ اگر نیت روزه نکرده باشد و تا اذان صبح خوابیده باشد درحالی که روزه هم بر او واجب بوده و تا بعد از اذان ظهر خوابش ادامه داشته باشد، روزه‌اش باطل است و باید بعداً قضا کند، به جز در ماه رمضان که همان نیت اول ماه کافی است.

۳- روزه زنی که در حیض یا نفاس باشد صحیح نیست، فرقی نمی‌کند این عذر قبل از غروب برایش حاصل شود یا بعد از اذان صبح عذرش قطع شود. روزه زن مستحاضه صحیح است به شرط این که غسل یا غسل‌هایی را که بر او واجب شده است انجام داده باشد.

۱. سه روز پس از عید قربان. (مترجم)

۴- روزه واجب برای مسافری که در سفری است که در آن باید نماز را شکسته بخواند صحیح نیست، به جز سه روز روزه بدل از قربانی حج، و هجده روز روزه بدل از بدنه^۱ برای کسی که عمداً قبل از غروب از عرفات خارج شود؛ و نذری که شرط کرده است، چه در سفر باشد و چه در وطن.

روزه مستحبی مسافر صحیح است، به جز در ماه رمضان.

و تمام انواع روزه برای مسافری که حکم مقیم را دارد صحیح است.^{۳ و ۲}

۵- صحیح نیست فرد جنب، غسل را عمداً تا اذان صبح به تأخیر بیندازد، درحالی که توانایی انجامش را داشته است. اگر بعد از اذان صبح در حال جنابت بیدار شود، روزه اش درست نیست، چه روزه قضای ماه رمضان باشد، و چه روزه مستحبی؛ ولی اگر در ماه رمضان باشد و همچنین در روزه نذر معین، روزه اش صحیح است.

۶- روزه مریض صحیح است تا وقتی که به او ضرری نرساند.

دو مسئله:

اول: [نشانه‌های] بلوغ، که با حصول [یکی از آنها] عبادات واجب می‌شود:

★ احتلام [بیرون آمدن منی از موضع معمول]؛

★ انبات [رویدن موهای خشن زیر شکم]؛

۱. شتری که در حج به عنوان کفاره قربانی می‌کنند. (مترجم)

۲. مثل کسی که قصد اقامت ده روزه در جایی می‌کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۳۱)

۳. نکته: اگر مسافر با علم بر این که روزه اش درست نیست عمداً روزه بگیرد، مرتکب گناه شده است، زیرا با حکم خدا عمداً مخالفت کرده است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۵۷)

★ اتمام چهارده سال قمری و ورود به پانزده سال برای پسرها، و اتمام نُه سال قمری و ورود به ده سال برای دخترها.

دوم: کودک دختر و پسر قبل از بلوغ می‌تواند به‌صورت تمرینی روزه بگیرد، و برای این کار از هفت‌سالگی به کودک سخت گرفته شود، البته اگر در توانش باشد.

فصل دوم: انواع روزه

روزه چهار نوع دارد: واجب، مستحب، مکروه، و حرام.

روزه‌های واجب شش تا هستند:

★ روزه ماه رمضان؛

★ روزه کفّاره‌ها؛

★ روزه بدل از قربانی در حج تمتّع؛

★ روزه نذر و مانند آن؛

★ روزه روز سوم اعتکاف در صورت ماندن تا روز سوم؛

★ قضای روزه واجب.

روزه ماه رمضان

شامل علامت‌ها، شروط، و احکامش است.

اول: علامت‌ها

شروع ماه رمضان با دیدن هلال ماه مشخص می‌شود، یعنی هرکس هلال ماه را دید روزه برایش واجب می‌شود، حتی اگر خودش به‌تنهایی ماه را دیده باشد. اگر هلال را دید و

برای دیگران شهادت داد، ولی شهادتش را نپذیرفتند، خودش باید روزه بگیرد؛ و همین طور اگر به تنهایی هلال ماه شوال را دید، نباید روزه بگیرد.

کسی که هلال ماه را ندیده باشد روزه گرفتن بر او واجب نیست، مگر این که سی روز از ماه شعبان گذشته باشد، یا هلال به صورت شایع دیده شود؛^۱ ولی اگر چنین چیزی اتفاق نیفتاد و فقط دو نفر شاهد آن را دیدند و شهادت دادند، شهادت آن ها پذیرفته می شود، فرقی نمی کند اهل آن شهر باشند یا نباشند.

اگر هلال ماه در یکی از شهرهای نزدیک به یکدیگر، مانند کوفه و بغداد،^۲ دیده شود روزه گرفتن برای ساکنان هر دو شهر واجب می شود و [مناطق] دور از یکدیگر مثل عراق و خراسان نیز به همین شکل هستند. اگر هلال در یک منطقه دیده شود، در تمام مناطق دیگری که از نظر ساعت با یکدیگر بیشتر از یک چهارم شبانه روز - یعنی شش ساعت - فاصله ندارند، ثابت می شود.

اول ماه با شهادت زنان نیز ثابت می شود،^۳ ولی با شهادت یک نفر ثابت نمی شود. برای ثابت شدن شروع ماه نمی توان به این ها تکیه کرد: تقویم، شمردن،^۴ پنهان شدن هلال بعد از شفق، رؤیت هلال در روز سی ام قبل از اذان ظهر، بلند بودن هلال یا

۱. شیوع خبر دیدن ماه در میان مردم به این گونه است که چندین نفر (چه مؤمن و چه غیرمؤمن) خودشان ببینند و شهادت دهند، به گونه ای که اطمینان حاصل شود بر کذب تبانی نکرده اند، نه به این صورت که یک نفر ببیند و از طریق رسانه یا غیره این خبر را برساند. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء سوم، صوم، ص ۳۷)

۲. یا در ایران، مثل قم و تهران. (مترجم)

۳. البته به این صورت که یک مرد و دو زن شهادت دهند، نه این که دو زن به تنهایی یا چهار زن شهادت دهند. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء سوم، صوم، ص ۳۶)

۴. به این صورت که همیشه ماه شعبان را ناقص و ماه رمضان را کامل بدانیم. (احکام الشریعة بین السائل والمجیب، جزء سوم، صوم، ص ۳۷)

گذشت پنج روز از اول هلال گذشته.^۱

مستحب است روز سی‌ام شعبان را به نیت مستحب روزه بگیرد، پس اگر معلوم شد جزو ماه رمضان بوده است، [به‌عنوان روزه ماه رمضان] کفایت می‌کند؛ و اگر آن را، به‌سبب نشانه‌ای، به نیت ماه رمضان روزه بگیرد، کفایت می‌کند؛ و اگر روزه نگرفت و هلال شوال در شب بیست‌ونهم ماه رمضان رؤیت شد، باید آن را قضا کند؛ و همچنین است اگر برای رؤیت هلال در شب سی‌ام ماه شعبان شهادت داده شد [و باید آن را قضا کند]. هر ماهی که رؤیتش مشکوک باشد^۲ ماه قبل از آن را سی روز حساب می‌کنند.^۳ اگر ماه‌های سال ابری شد، ماه رمضان سی روز حساب می‌شود؛ و همچنین برای ذی‌قعدة، ذی‌حجه، و رجب؛ و بقیه ماه‌ها بین سی روز و بیست و نه روز حساب می‌شوند.

کسی که وضعیتش به‌گونه‌ای است که اصلاً از ماه اطلاع ندارد، مثل اسیر و زندانی، یک ماه را که گمان غالب دارد ماه رمضان است روزه بگیرد، و اگر به همین ترتیب برایش ناواضح ماند، چیزی به عهده‌اش نیست؛ اگر هم‌زمان با ماه رمضان یا بعد از رمضان بود، برایش کفایت می‌کند، ولی اگر قبل از ماه رمضان بود، باید قضای آن را به جا آورد.

وقت روزه از زمان اذان صبح شروع می‌شود، و وقت افطار غروب آفتاب است؛ و تعریف غروب آفتاب، پایین رفتن قرص خورشید است، ولی اگر صبر کند تا حمرة مشرقیه^۴

۱. در زمان حضور امام عادل و صدور حکم از جانب ایشان به اول ماه قمری، اول ماه در تمام کشورهای دنیا ثابت می‌شود. (احکام‌الشریعة بین السائل والمجیب، جزء سوم، صوم، ص ۳۸)

۲. یعنی ابرها در طول ماه‌های سال، بسیار و متراکم باشند، مثل سرزمین‌هایی که به‌عنوان مثال توسط آب دریاها احاطه شده‌اند و مانع دیدن هلال می‌شوند. (شرح شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۲۶۵)

۳. البته اگر ماه رؤیت شود، ممکن است دو ماه بیست و نه روزی پشت‌سرهم بیاید. (احکام‌الشریعة بین السائل والمجیب، جزء سوم، صوم، ص ۳۹)

۴. سرخی که پس از غروب آفتاب در مشرق ایجاد می‌شود. (مترجم)

برود و مطمئن شود خورشید کاملاً غروب کرده بهتر است. مستحب است افطار کردن را تا بعد از نماز مغرب به تأخیر بیندازد. بهترین دعاها، دعای روزه‌دار در نماز مغرب است قبل از این که افطار کند، مگر زمانی که دیگر تاب نداشته باشد یا این که کسی برای افطار منتظرش باشد.

دوم: شروط روزه

شروط روزه شامل دو دسته است:

دسته اول: شرط‌هایی که با وجود آن، روزه بر انسان واجب می‌شود

که هفت تاست:

۲۱- بلوغ و کمال عقل: روزه بر کودک و دیوانه واجب نیست، مگر این که نابالغ قبل از اذان صبح بالغ شود و دیوانه عاقل شود؛ ولی اگر بعد از اذان صبح این چنین شدند، روزه [آن روز] بر آن‌ها واجب نیست. این حکم برای کسی که از هوش رفته باشد نیز برقرار است.

۳- سلامتی پس از بیماری: اگر قبل از اذان ظهر بیماری‌اش بهبود یافت و تا آن موقع چیزی نخورده بود، روزه بر او واجب می‌شود، ولی اگر چیزی خورده بود یا بعد از زوال بهبود یافت، مستحب است [تا غروب] امساک کند. ولی قضا بر او واجب است.

۴ و ۵- اقامت داشتن یا آنچه در حکم اقامت است: روزه بر مسافر واجب نیست و از او پذیرفته نمی‌شود، بلکه باید روزه را قضا کند، و اگر با علم به مسئله روزه گرفت، به عنوان روزه اصلی‌اش کفایت نمی‌کند، ولی اگر از روی جهل و نادانی باشد، کفایت می‌کند. اگر به شهر خود رسید یا به جایی رسید که قصد دارد در آنجا ده روز اقامت کند، حکم روزه گرفتن

یا نگرفتنش مانند حکم خوب شدن بیمار است.^۱ کثیرالسفر بودن در حکم اقامت است، مانند مسافرخش یا ملوان یا هرکسی شبیه آنها.

۷۶- حیض یا نفاس نبودن: برای آنها روزه واجب نیست و روزه‌شان صحیح هم نیست؛ و باید قضا کنند.

دسته دوم: شرطهایی که با وجود آن، قضا واجب می‌شود

که سه شرط است: بلوغ و کمال عقل و ایمان.

بر کودک قضای روزه واجب نیست، مگر آن روزی که در آن، قبل از اذان صبح به بلوغ رسیده باشد، همین‌طور برای دیوانه و کافر، هرچند بر کافر واجب است، ولی قضای آن بر او واجب نیست، مگر همان روزی که قبل از اذان صبح، مسلمان شده است؛ ولی اگر بعد از اذان صبح مسلمان شد، مستحب است امساک کند و روزه‌های آینده بر او واجب می‌شود.

سوم: پیوست‌هایی از احکام روزه

کسی که به سبب کودک بودن، دیوانگی یا کفر اصلی، ماه رمضان را از دست بدهد قضای روزه بر ذمه‌اش نیست؛ و اگر به خاطر بیهوشی ماه را از دست بدهد، نیز به همین صورت است.

قضا برای این افراد واجب است: مرتد، چه فطری باشد و چه از کفر؛ کسی که در حالت حیض یا نفاس است؛ هرکه روزه‌ای را که بر او واجب شده است ترک کرده باشد،

۱. یعنی اگر قبل از اذان ظهر برسد و چیزی نخورده باشد، باید روزه بگیرد، ولی اگر چیزی خورده بود یا بعد از اذان ظهر رسید، روزه بر او واجب نیست، ولی مستحب است تا غروب امساک کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، ص ۴۲)

البته اگر چیزی جایگزینش نشود.^۱ مستحب است در قضا کردن، پی‌درپی بودن را لحاظ کند، ولی می‌تواند فاصله بیندازد.

چند مسئله:

۱- کسی که به خاطر بیماری، تمام ماه رمضان یا قسمتی از آن را از دست بدهد، اگر در آن بیماری بمیرد، واجب نیست از سوی او قضا شود، ولی مستحب خواهد بود. اگر تا رمضان سال بعد بیماری‌اش ادامه پیدا کند قضا از او ساقط می‌شود، و واجب است به جای هر روز روزه ازدست‌رفته یک مد طعام ($\frac{3}{4}$ کیلوگرم = ۷۵۰ گرم) کفاره بدهد، و اگر بین دو ماه رمضان بهبودی یابد و قضای روزه را به تأخیر بیندازد درحالی‌که قصد قضا کردن داشته باشد، باید قضا کند و هیچ کفاره‌ای بر گردنش نیست، ولی اگر از روی بی‌اهمیتی قضای روزه را ترک کند باید علاوه بر به جا آوردن قضا، به ازای هر روز از روزه‌های ازدست‌رفته، یک مد طعام کفاره بدهد.

۲- بر ولی (پسر بزرگ‌تر) واجب است آنچه را از میّت فوت شده است قضا کند، چه قضای روزه ماه رمضان باشد چه هر روزه واجب دیگر، فرقی نمی‌کند به سبب بیماری روزه‌اش فوت شده باشد یا به هر دلیل دیگری. فقط قضای روزه‌ای که میّت می‌توانسته قضایش را به جا آورد و کوتاهی کرده است بر ولی او واجب است، مگر آن‌که میّت در سفر بمیرد و روزه آن سفر برایش قضا شده باشد، که قضایش بر ولی واجب است. ولی میّت بزرگ‌ترین فرزند پسر اوست، در صورتی که پسر باشد. اگر بزرگ‌ترین فرزند میّت دختر باشد، قضا بر او واجب نیست. اگر میّت دو یا

۱. مانند کسی که ماه رمضان بیمار شده و بیماری‌اش تا رمضان سال آینده ادامه یافته باشد، که در این صورت به ازای هر روز، یک مد طعام می‌دهد و قضا از او برداشته می‌شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، ص ۴۴)

چند ولی داشته باشد که از نظر سنّی با هم برابر بودند (حتی از نظر لحظه تولد)، قضای اعمال میّت را به صورت مساوی انجام می دهند [بین خود تقسیم می کنند]؛ و اگر کسی داوطلبانه آن ها را انجام دهد، از بقیه ساقط می شود. آنچه را از زن (مادر) قضا شده است پسر بزرگ باید قضا کند. مستحب است پسرها و دخترها قضای آنچه را بر ذمه والدین بوده است به جا آورند، که این عمل مصداق احسان به والدین است؛ و حتی از بهترین مصادیق احسان است، و کوتاهی در آن از مصادیق عاق های حرام است.

۳- اگر میّت ولی نداشته باشد یا بزرگترین فرزند وی دختر باشد، قضا ساقط و به جایش برای هر روز روزه نگرفتن یک مُد طعام از ماترک او صدقه داده می شود. اگر روزه دو ماه متوالی بر عهده میّت باشد، ولی میّت می تواند یک ماه آن را به جای آورد و به جای یک ماه دیگر از مال میّت صدقه بدهد.

۴- شخصی که روزه ماه رمضان را قضا می کند اگر قبل از اذان ظهر روزه اش را با عذر یا بدون عذری بشکند، حرام نیست؛ ولی بعد از اذان ظهر حرام است و کفّاره بر او واجب می شود، و کفّاره اش اطعام ده مسکین است، و برای هر مسکین یک مد طعام می دهد؛ و اگر برایش ممکن نبود، سه روز روزه می گیرد.

۵- چنانچه غسل جنابت را فراموش کند و چند روز یا تمام ماه از آن رد شود روزه اش صحیح است، اما باید نمازها را قضا کند.

۶- اگر روز سی ام ماه رمضان را همچنان روزه بود و در روز گذشته هلال رؤیت شده باشد، باید روزه را بشکند و نماز عید را بخواند و چنانچه بعد از اذان ظهر فهمید، دیگر نماز عید از دست رفته است.

روزه های مربوط به کفّاره ها

که به چهار دسته تقسیم می شود:

اول: کفّاره‌ای که در آن علاوه بر روزه، چیزهای دیگری هم واجب می‌شود

مثل کفّاره قتل عمد که در آن کفّاره جمع واجب می‌شود. کسی که روزه خود را در ماه رمضان عمداً و با کار حرام بشکند نیز مشمول همین حکم می‌شود.

دوم: کفّاره‌ای که در آن بعد از ناتوانی از کارهای دیگر فقط روزه واجب می‌شود

که شش تاست:

★ روزه کفّاره قتل غیر عمد؛

★ ظهار؛^۱

★ وقتی قضای روزه ماه رمضان را بعد از زوال بشکند؛

★ کفّاره قسم؛

★ خارج شدن عمدی از عرفات، قبل از غروب؛

★ کفّاره جزای شکار [در حج].

دو مورد زیر نیز به موارد فوق الذکر اضافه می‌شود:

★ کفّاره مردی که پیراهنش را در سوگ زن یا فرزندش پاره کند؛

★ کفّاره زنی که [در سوگ] صورتش را زخمی کند یا موی خود را بکند.

سوم: آنچه شخص در آن، بین روزه یا چیزهای دیگر مخیر می‌شود

که پنج تاست:

۱. وقتی کسی به همسر خود اعلام کند پشت تو مثل پشت محارم (مادر / خواهر / برادر / پدر ...) من است؛ و عهد می‌کنم که دیگر با تو هم‌بستر نشوم. (مترجم)

★ روزه کفّاره کسی که عمداً یکی از روزه‌های ماه رمضان را شکسته است؛

★ کفّاره شکستن نذر؛

★ کفّاره شکستن عهد؛

★ کفّاره شکستن اعتکاف واجب؛

★ کفّاره از ته تراشیدن موی سر در حال احرام.

و همین‌طور:

★ کفّاره زنی که در مصیبتی موی خود را می‌تراشد.

چهارم: کفّاره رتبه‌بندی‌شده قابل اختیار^۱

کفّاره مردی که با کنیز خودش - که [پیش‌تر] به وی اجازه مُحرم شدن را داده است - هم‌بستر شود.^۲

در همه روزه‌ها، پی‌درپی بودن لازم است، مگر در چهار مورد:

★ روزه نذر و آنچه مانند آن است، مثل قسم و عهد، در صورتی که پی‌درپی بودن در آن نیت نشده باشد؛

★ روزه قضا؛

★ روزه جزای صید [در حج]؛

★ هفت روز روزه بدل از قربانی.

۱. در کفّاره‌ها رتبه‌بندی وجود دارد و اگر نتوانست اولی را انجام دهد، مخیر است بعدی را انتخاب کند. (مترجم)
۲. کفّاره‌اش مخیر بین یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند است؛ و اگر تنگ‌دست بود، مخیر است بین یک گوسفند یا سه روز روزه یکی را انتخاب کند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۴۹)

هرآنچه در آن، پی‌درپی بودن شرط باشد، اگر به سبب عذری روزه را بشکنند، بعد از رفع عذر از همان روزی که روزه را ادامه نداده بود، باید ادامه بدهد. ولی اگر بدون عذر پی‌درپی بودن را از بین ببرد، باید از اول شروع کند، مگر در سه حالت:

★ کسی که روزه دو ماه پشت‌سرهم بر او واجب شده و یک ماه را گرفته و از ماه دوم قسمتی را انجام داده است، حتی اگر یک روز را گرفته باشد، بنا را از همان جا می‌گذارد. ولی اگر قبل از این زمان باشد، باید از ابتدا روزه‌ها را بگیرد.

★ کسی که نذر کرده است یک ماه پشت‌سرهم روزه بگیرد و بعد از ۱۵ روز روزه گرفتن دیگر روزه نگیرد، روزه‌هایش باطل نیست و بعداً بنا را از همان جا بگذارد، ولی اگر قبل از آن باشد، باید از ابتدا شروع کند.

★ در سه روز روزه بدل از قربانی، اگر روز ترویبه^۱ و عرفه را روزه گرفت و روز قربان را افطار کرد، می‌تواند بعد از پایان ایّام تشریق از همان جا ادامه دهد، و اگر کمتر از این مقدار باشد، باید از اول شروع کند. اگر در بین دو روز و روز سوم فاصله‌ای غیر از عید بیندازد، باز هم باید از اول شروع کند. کفّاره قتل غیر عمد که روزه گرفتن یک ماه است، نیز مشمول همین حکم است. کفّاره ظهار زمانی که شخص [ظهارکننده] مملوک باشد نیز به همین صورت است.

هرکه روزه پیاپی بر او واجب باشد، جایز نیست در زمانی شروع کند که نتواند آن را تمام کند؛ پس کسی که دو ماه روزه پیاپی بر او واجب شده باشد، نباید روزه‌ها را از ماه شعبان بگیرد، مگر این که حداقل یک روز قبل از شعبان روزه‌ها را شروع کند. همچنین نمی‌تواند ماه شوال را به علاوه یک روز از ذی‌قعدة روزه بگیرد و به

همین بسنده کند.^۱ حکم روزه ماه ذی حجه هم به همین صورت است.^۲

روزه‌های مستحبی

روزه مستحبی گاهی وقت خاصی ندارد، مثل روزه گرفتن در همه روزهای سال که به یقین سپری در مقابل آتش است؛ و گاهی وقت معین دارد، از جمله آن‌ها ایام سه‌گانه هر ماه است:

• اولین پنج‌شنبه هر ماه؛

• آخرین پنج‌شنبه هر ماه؛

• اولین چهارشنبه در دهه دوم ماه.

کسی که این سه روز را به تأخیر بیندازد مستحب است قضا کند و می‌تواند به اختیار خودش آن‌ها را از تابستان به زمستان به تأخیر بیندازد و اگر عاجز از روزه گرفتن بود، مستحب است به جای هر روز یک مُد طعام صدقه دهد.

• روزه ایام البیض که ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هر ماه قمری است.

• روزه روز غدیر خم.

• روزه روز ولادت پیامبر ﷺ.

• روزه روز بعثت پیامبر ﷺ.

۱. یعنی نمی‌تواند بگوید یک ماه و یک روز روزه گرفته‌ام و دیگر ادامه ندهد، بلکه باید حداقل ماه شوال را به‌علاوه دو روز از ماه ذی‌قعدة روزه بگیرد تا یک ماه و یک روزش کامل شود، زیرا روز اول شوال عید فطر است و یک ماهش کامل نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۵۲)

۲. که باید ماه ذی‌حجه را به‌علاوه دو روز از ماه قبل یا بعدش روزه بگیرد، زیرا در عید قربان - که در ذی‌حجه قرار دارد - روزه گرفتن حرام است و یک ماهش کامل نمی‌شود. (مترجم)

★ روزه روز دحوالارض [۲۵ ذی قعدة].

★ روزه روز عرفه برای کسی که باعث ضعیف شدنش در دعا نمی شود و روز اول ماه برایش معلوم باشد.^۱

★ روزه روز عاشورا به جهت اظهار اندوه.

★ روزه روز مباهله.

★ روزه هر پنجشنبه و جمعه.

★ روزه اوّل ذی حجه.

★ روزه کل ماه رجب.

★ روزه کل ماه شعبان.

در هفت حالت، با آن که نمی شود روزه گرفت، به عنوان تربیت نفس، مستحب است از خوردن و آشامیدن خودداری شود:

★ روزه روزی که مسافر قبل از ظهر یا بعد از ظهر به وطن باز می گردد یا به شهری می رسد که قصد ده روز اقامت در آن دارد، در حالی که قبل از این که به آنجا برسد روزه اش را باز کرده باشد.^۲

★ روزه روزی که مریض بهبود یابد.

۱. تا مطمئن شود روزه اش در روز عید قربان واقع نشده است و مرتکب حرام نمی شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۵۳)

۲. ولی اگر قبل از اذان ظهر برسد و روزه اش را هم باطل نکرده باشد، روزه آن روز را می گیرد و صحیح است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۵۴)

* حائض یا نفّساء، اگر در اواسط روز پاک شود.

* روزه روزی که کافر مسلمان شود.

* روزه روزی که کودک بالغ شود.

* روزه روزی که دیوانه عاقل شود.

* روزه روزی که بیهوش به هوش آید.

واجب نیست روزه مستحبی را بعد از شروع ادامه دهد، و می‌تواند آن را هروقت که بخواهد بشکند، البته شکستن آن بعد از اذان ظهر مکروه است.

روزه‌های مکروه

چهار تاست:

* روزه عرفه، زمانی که می‌داند در اثر روزه برای دعا ضعف پیدا خواهد کرد، یا زمانی که در رؤیت هلال اول ماه ذی‌حجه شک داشته و نمی‌داند امروز عرفه است یا عید قربان.

* روزه مستحبی در سفر، مگر سه روز در مدینه که به نیت برآورده شدن حاجت باشد.

* روزه مستحبی مهمان بدون اجازه صاحب‌خانه، و نیز روزه فرزند بدون اجازه پدر.

* روزه مستحبی برای کسی که به غذا دعوت شده است.

روزه‌های حرام

نُه تاست:

★ روزه عید قربان و فطر.

★ روزه ایام تشریق برای کسی که در مناست.

★ روزه سی ام شعبان، اگر به نیت روزه واجب رمضان باشد.

★ روزه نذر گناه.

★ روزه سکوت.

★ روزه وصال؛ یعنی کسی که نیت کند دو روز و یک شب میانشان را پشت سرهم روزه بگیرد.

★ روزه مستحبی زن بدون اجازه شوهر یا با نهی او.

★ روزه مملوک^۱ بدون اجازه مولا یا با نهی مولایش.

★ روزه واجب در حین سفر به جز آنچه استثنا شده است.^۲

فصل سوّم: ملحقات روزه

نُه مسئله:

اول: مرضی که با وجود آن روزه باید شکسته شود مرضی است که بیمار می ترسد با ادامه دادن روزه بیماری اش شدیدتر می شود و در تشخیص آن بنا را بر

۱. یعنی اگر بدون اجازه مولایش یا درحالی که مولایش نهی کرده است روزه بگیرد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۵۶)

۲. مثلاً روزه بدل از قربانی در حج یا روزه نذر مشروط به سفر. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۵۶)

فهم خودش می‌گذارد یا به علامتی که او را به گمان معتبر برساند، اعتماد می‌کند. مثل گفته طیب حاذق؛ و اگر کسی خود را به سختی انداخت و روزه‌ای گرفت که برایش ضرر داشته باشد، باید آن روزه را قضا کند.

دوم: اگر شرایط شکسته شدن نماز برای مسافر به وجود آید، واجب است روزه را افطار کند. اگر وجوب افطار روزه را بداند و با این حال روزه بگیرد، باید آن را قضا کند؛^۱ ولی اگر حکم مسئله را نداند، قضا لازم نیست.

سوم: تمام شرایط لازم برای شکسته شدن نماز، برای شکسته شدن روزه نیز معتبر است و همین که قبل از اذان ظهر از شهر خارج شود کافی خواهد بود؛ و هر سفری که در آن شکستن نماز واجب است افطار روزه نیز واجب می‌شود.

چهارم: آنان که باید در سفر نمازشان را کامل بخوانند باید روزه هم بگیرند، و این‌ها افراد کثیرالسفر هستند.^۲

پنجم: مسافر نباید قبل از این که اذان شهرش از او پنهان شود افطار کند، و چنانچه قبل از آن افطار کند، قضا و کفّاره بر او واجب می‌شود.

ششم: پیرمرد و پیرزن و افرادی که بیماری تشنگی غیرقابل تحمل دارند، ماه رمضان را افطار می‌کنند و به جای هر روز یک مد طعام صدقه می‌دهند، و اگر بعداً توانستند روزه بگیرند، باید قضا کنند، وگرنه روزه از آن‌ها ساقط است. اگر پیرمرد و پیرزن به طور کامل از روزه گرفتن عاجز باشند، کفّاره نیز از آن‌ها ساقط می‌شود، همان طور که روزه از آن‌ها ساقط شده است.

۱. علاوه بر این که باید قضا کند کار حرامی نیز مرتکب شده است، زیرا عمداً با حکم خدا مخالفت کرده که این یا از روی سبک شمردن دین خدا یا خلیفه اوست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۵۷)

۲. سفرشان از در وطن ماندنشان بیشتر است. ر.ک: نماز مسافر. (مترجم)

هفتم: زن بارداری که زایمانش نزدیک است و زن شیردهی که شیر کم دارد جایز است در ماه رمضان روزه اش را افطار کند، و بعداً قضای آن را به جا آورد و به جای هر روز یک مد طعام صدقه بدهد.

هشتم: کسی که در ماه رمضان بخوابد و خوابش ادامه داشته باشد،^۱ اگر نیت روزه کرده باشد، لازم نیست قضا کند. ولی اگر نیت روزه نکرده بود، باید قضا به جا آورد. بر دیوانه و بیهوش قضا واجب نیست، و فرقی ندارد جنون یا بیهوشی اش چند روز طول بکشد یا قسمتی از یک روز، و فرقی ندارد قبلش نیت کرده باشد یا نکرده باشد، و نیز فرقی ندارد به وسیله آنچه با آن روزه شکسته شده باشد، معالجه شود یا معالجه نشده باشد.

نهم: کسی که در ماه رمضان روزه نگرفتن برایش جایز است خوردن و نوشیدن بیش از اندازه لازم برایش مکروه خواهد بود؛ و همچنین جماع نیز برایش مکروه است.

۱. یعنی خوابیده باشد و تا بعد از اذان ظهر روز بعد بیدار نشده باشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۵۸)

کتاب اعتکاف

اعتکاف، انواع و احکام مربوط به آن.

تعریف اعتکاف

اعتکاف یعنی ماندن در یک مکان برای مدتی به‌طور مستمر جهت عبادت، و تنها برای فرد مکلف مؤمن صحیح است.

شرایط شش‌گانه اعتکاف^۱

اول: نیت؛ در اعتکاف واجب است نیت قرب الهی کند، و اگر اعتکافش با (نذر) واجب شده باشد، نیت وجوب کند، و اگر اعتکافش مستحب باشد، نیت استحباب کند. اگر دو روز از اعتکاف گذشته باشد، روز سوم واجب خواهد شد.

دوم: روزه گرفتن؛ اعتکاف تنها در صورتی صحیح است که در زمانی باشد که روزه گرفتن در آن صحیح است و فرد معتکف نیز شرایط روزه گرفتن را داشته باشد. بنابراین اعتکاف در عید قربان و عید فطر صحیح نیست. همچنین اعتکاف زن در حالت حیض و نفاس نیز صحیح نیست؛ اما اعتکاف مسافر صحیح است.

سوم: اعتکاف در صورتی صحیح است که سه روز باشد، و اگر کسی نذر اعتکاف کند، واجب است سه روز اعتکاف را به جا آورد. همچنین اگر قضای یک روز از اعتکاف واجب شود، باید سه روز معتکف شود تا قضای آن روز محقق شود.

۱. که عبارت‌اند از: نیت، روزه گرفتن، زمان، مکان، اذن، باقی ماندن در مسجد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۶۰)

اگر کسی اعتکاف مستحب را آغاز کند، می‌تواند ادامه دهد یا از نیت خود بازگردد، اما اگر دو روز گذشت، به جا آوردن روز سوم واجب خواهد شد.

اگر فردی سه روز اعتکاف کرد و بعد دو روز دیگر نیز معتکف ماند، واجب است روز ششم را نیز معتکف بماند.

صحیح نیست فردی به فاصله یک یا دو روز به عید قربان یا عید فطر معتکف شود.

صحیح نیست فردی نذر کند فقط سه روز را بدون شب‌هایش معتکف شود.

کسی که نذر کند بیش از سه روز معتکف شود لازم نیست بیش از سه روز را پشت‌سرهم به جا آورد، بلکه فقط لازم است سه روز سه روز، یا بیشتر اعتکاف کند، مگر این که به طور لفظی یا معنایی^۱ شرط کرده باشد پشت‌سرهم باشد.^۲

چهارم: اعتکاف فقط در یکی از این چهار مسجد صحیح است: مسجد مکه، مسجد النبی (ﷺ)، مسجد جامع کوفه و مسجد بصره؛ یا مسجدی که یکی از پیامبران یا اوصیاء (علیهم‌السلام) در آن نماز جماعت گزارده باشد. یعنی قانونش این است: اعتکاف در هر مسجدی که یک پیامبر یا یک وصی در آن مسجد نماز را به جماعت برگزار نموده باشد؛ و حکم زن و مرد در این باره یکسان است.

۱. لفظی: در نذرش به زبان آورد. معنایی: مانند این که بگوید از فردا تا آخر ماه اعتکاف می‌کنم. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۶۲)

۲. مثلاً کسی که نذر کرده است پنج روز معتکف باشد، اگر لفظاً شرط کرده بود پشت‌سرهم باشد، حتماً باید تا آخر پنج روز در اعتکاف بماند، اما اگر تنابع و پشت‌سرهم بودن را شرط نکرده باشد، می‌تواند سه روز معتکف شود و بیرون برود و بعداً دو روز دیگر را به جا آورد، که البته در این صورت باید به روز چهارم و پنجم - که جداگانه به جا آورد - یک روز نیز بیفزاید، چون اعتکاف کمتر از سه روز نمی‌شود؛ ولی اگر پشت‌سرهم همه پنج روز را به جا آورد، نیاز نیست روز ششم را معتکف بماند. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۶۲)

پنجم: اجازه داشتن از فردی که صاحب ولایت بر مکلف است، مثل بنده که باید برای اعتکاف از مولایش اجازه داشته باشد، همچنین زن که باید از شوهرش اجازه بگیرد. اگر صاحب ولایت به فرد اجازه اعتکاف دهد، می‌تواند قبل از آغاز اعتکاف یا بعد از آغاز اعتکاف تا زمانی که دو روز از ایام اعتکاف نگذشته باشد یا اعتکافش به‌خاطر نذر یا چیزی شبیه آن واجب نشده باشد، فرد را منع کند.^۱

دو نکته:

اول: اگر مولا با بنده خود قراردادی بسته باشد مبنی بر این که چند روز در اختیار مولا و چند روز آزاد باشد،^۲ می‌تواند در ایام خودش در حین روزهای آزاد بودنش اعتکاف کند، حتی اگر مولا اجازه اعتکاف ندهد.

دوم: اگر بنده در حین اعتکاف آزاد شد، واجب نیست اعتکاف را ادامه دهد، مگر این که با اجازه مولایش اعتکاف را آغاز کرده باشد [که در این صورت باید اعتکاف را ادامه دهد].^۳

ششم: استمرار ماندن در مسجد؛ اگر فرد معتکف بدون وجود یکی از دلایل صحیح از

۱. اما اگر دو روز از اعتکاف را انجام داده و روز سوم بر او واجب شده بود، یا به‌خاطر نذر یا شبیه آن، اعتکاف بر او واجب شده بود، فرد صاحب ولایت نمی‌تواند مانع اعتکاف او شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، ص ۶۳)

۲. مثلاً مالک گفته است: یک هفته در اختیار خودت باش و یک هفته در خدمت من. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، ص ۶۳)

۳. یعنی بنده‌ای بدون اذن مولایش روزه اعتکاف گرفته بوده، و درحالی که دو روز گذشته، از طرف اربابش آزاد می‌شود، که در این صورت اعتکاف را ادامه نمی‌دهد، اما اگر با اذن مولایش اعتکاف کرده باشد، چون اعتکافش صحیح بوده و دو روز هم گذشته است، پس باید روز سوم را هم به جا آورد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، ص ۶۳)

محل اعتکاف خارج شود، چه به میل خودش و چه با اجبار، اگر سه روز نگذشته باشد، کل اعتکاف باطل می‌شود؛ ولی اگر سه روز گذشته باشد، تا هنگام خروج اعتکاف او صحیح خواهد بود.^۱

اگر فردی روزهای معینی را برای اعتکاف نذر کند و پی‌درپی بودن اعتکاف را نیز بر خود شرط کرده باشد، با خروج از مسجد کل اعتکافش باطل می‌شود و باید از نو شروع کند.

خروج از مسجد فقط برای امور ضروری جایز است،^۲ مثل خروج برای قضای حاجت،^۳ غسل کردن، تشییع جنازه، عیادت بیمار، مشایعت کردن با مؤمن [تا بیرون مسجد] و حضور برای شهادت دادن. اگر فرد معتکف برای یکی از این امور از مسجد خارج شود، جایز نیست در جایی بنشیند یا زیر سایه راه برود^۴ و همچنین جایز نیست خارج از مسجد نماز بخواند، مگر در مکه، که در مکه هر جا خواست می‌تواند نماز بخواند. اگر سهواً و ندانسته از مسجد خارج شود، اعتکافش باطل نمی‌شود.

چند نکته:

۱. اگر اعتکاف مستحب را در روز سوم به هم بزنند، قضا ندارد، اما مرتکب حرام شده است و گفاره نیز بر او واجب می‌شود. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۶۴)
۲. البته نباید خروجش در یک بار به صورت پیوسته، بیست و چهار ساعت یا بیشتر طول بکشد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۶۵)
۳. حاجتی که ضروری باشد، مثل رفتن نزد طیب یا آوردن غذا و چیزهایی که به آن‌ها نیاز دارد یا ... (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۶۴)
۴. مقصود این است که در راه، جایی ننشیند یا با حالت تفریحی و از زیر سایه و در راحتی حرکت نکند، اما اگر برای عیادت بیمار ورود به منزل یا بیمارستان یا برای انجام کارهای ضروری دیگر لازم بود، زیر سایه برود یا بنشیند اشکالی ندارد؛ اما تنها به مقدار ضرورت اکتفا می‌کند و هرچه سریع‌تر به محل اعتکافش بازمی‌گردد. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۶۵)

اول: اگر شخصی نذر کند یک ماه معین را اعتکاف کند، اما پی در پی بودن را شرط نکرده باشد، و مقداری از ماه را معتکف شود و بقیه اش را ادامه ندهد، روزهایی را که به جا آورده، صحیح است و آنچه را رها کرده باید قضا کند؛ ولی اگر پی در پی بودن را در لفظ آورده باشد، باید کل ماه را از ابتدا شروع کند.

دوم: اگر فردی نذر کند یک ماه معین را اعتکاف کند، درحالی که علم به زمان آن ماه ندارد، مانند زندانی یا فراموش کار، باید قضای آن را به جا بیاورد.

سوم: اگر فردی نذر چهار روز اعتکاف کند و در یک روز از آن خلل ایجاد کند، باید آن را قضا کند. البته باید دو روز دیگر به آن اضافه کند که بتواند اعتکافی با شرایط صحیح به جا آورد.

چهارم: اگر فردی نذر کند تنها یک روز - و نه بیشتر - معتکف شود، نذر او منعقد نمی شود. ولی اگر نذر کند، اگر فلانی آمد فردای آن روز را اعتکاف به جا آورد،^۱ صحیح است و باید دو روز به آن اضافه کند.

انواع اعتکاف

اعتکاف دو نوع است: واجب و مستحب.

اعتکاف واجب آن است که با نذر یا چیزی شبیه آن^۲ واجب می شود، و اعتکاف مستحب

۱. یعنی قید نکرده باشد که تنها یک روز اعتکاف کند، بلکه یک روز را به نیت کاری نذر کرده، و برای این که بتواند یک روز اعتکاف صحیح به جا آورد باید دو روز دیگر هم به آن اضافه کند، چون اعتکاف با کمتر از سه روز صحیح نیست. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۶۶)

۲. عهد و قسم. (مترجم)

آن است که فرد داوطلبانه به آن اقدام کند.

اعتکاف واجب به محض آغاز شدنش واجب می شود، اما ادامه اعتکاف مستحب واجب نمی شود، مگر این که دو روز از شروع آن گذشته باشد، که در این صورت روز سوم واجب خواهد شد.

اگر هنگام نذر شرط کند هر زمان خواست نذر را به هم بزند و از نیت خود برگردد، می تواند چنین کند و قضا ندارد؛ ولی اگر این گونه شرط نکند و در حین ادای اعتکاف آن را قطع کند، باید آن را از سر بگیرد و کل آن را به جا بیاورد.

احکام اعتکاف

احکام اعتکاف دو دسته است:

اول: شش چیز بر معتکف حرام است

★ لمس، بوسیدن و نزدیکی با زنان؛

★ بوییدن عطر؛

★ انجام کاری که موجب خروج منی^۱ می شود؛

★ خرید؛

★ فروش؛

۱. یعنی بخواهد کاری کند که از او منی خارج شود، چه با وسیله حرام مثل دست، و چه با وسیله حلال مثل بدن همسرش. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۶۸)

★ جدال و منازعه لفظی.

این کارها بر معتکف حرام نیست

پوشیدن لباس دوخته شده، زایل نمودن مو از بدن، خوردن شکار، عقد نکاح. جایز است معتکف امور مربوط به زندگی اش را بررسی کند،^۱ و همچنین جایز است به آنچه مباح است^۲ اقدام کند. همه چیزهایی که در طول روز بر معتکف حرام است، در شب هم بر او حرام است، به جز افطار کردن. اگر کسی قبل از پایان اعتکاف واجب بمیرد، بر ولی او واجب است آن را به جا بیاورد.

دوم: چیزهایی که باعث باطل شدن اعتکاف می شود

اول: هر چیزی که باعث باطل شدن روزه می شود اعتکاف را نیز باطل می کند، مثل جماع، خوردن و آشامیدن، و استمناء. اگر معتکف در روز اول و دوم افطار کند، کفّاره بر او واجب نیست، مگر این که اعتکاف واجب باشد، اما اگر در روز سوم افطار کند، کفّاره واجب خواهد شد.

اگر معتکف هنگام شب جماع کند، بر او یک کفّاره واجب می شود، و همچنین اگر در غیر ماه رمضان در روز جماع کند، باز هم یک کفّاره دارد، اما اگر معتکف در ماه رمضان در

۱. کارهایی غیر از خرید و فروش، مثل تسویه حساب کارها و گفت و گو با تجار و ... (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۶۸)

۲. کارهایی مانند گفتن احادیث و شعر و قرائت و تألیف و ... (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۶۸)

طول روز جماع کند، دو کفّاره بر او واجب می‌شود.

دوم: با مرتد شدن، خروج از مسجد برایش واجب و اعتکافش باطل می‌شود.

سوم: اگر هنگام روز در ماه رمضان مردی همسرش را با اکراه وادار به جماع کند و هر دو معتکف نیز باشند، دو کفّاره بر مرد واجب می‌شود.^۱

چهارم: اگر زن در حین اعتکاف طلاق رجعی گرفت، باید به خانه برگردد^۲ و اگر اعتکاف واجب بود یا دو روز از آن گذشته بود، واجب است قضای اعتکاف را به جا آورد،^۳ و در غیر این صورت مستحب است قضا کند.

پنجم: معتکف اگر خرید و فروش کند، گناه کرده است، ولی اعتکاف او باطل نمی‌شود.

ششم: اعتکاف به صورت سه روز جدا از هم صحیح نیست.

۱. کفّاره به هم زدن اعتکاف مثل کفّاره افطار عمدی در ماه رمضان است؛ یعنی آزاد کردن بنده یا دو ماه روزه گرفتن

پیاپی یا اطعام شصت فقیر. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۶۹)

۲. زیرا بر زنی که طلاق رجعی داده شده است واجب است در خانه‌اش بماند و از خانه خارج نشود. (احکام الشریعة

بین السائل و المجیب، جزء سوم، صوم، ص ۷۰)

۳. پس از پایان عده‌اش. (شرح شرائع الإسلام، ج ۱، کتاب اعتکاف)